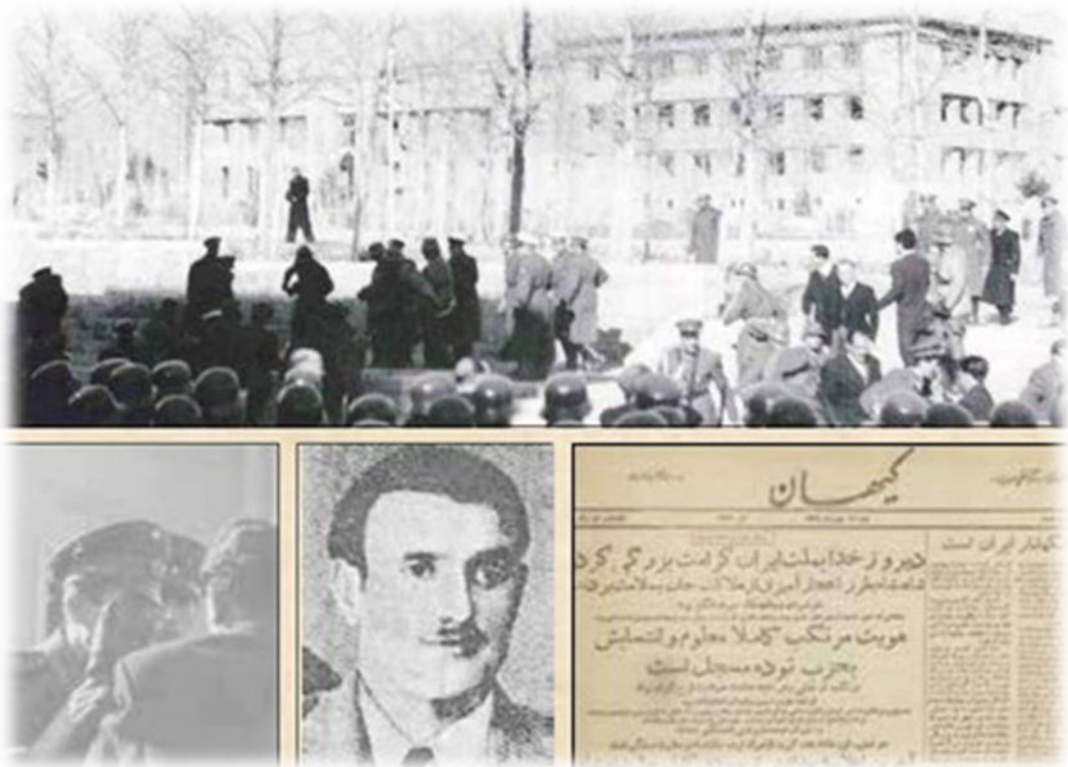


# یک دادگاه تاریخی



کتابی که حزب توده ایران در سال ۱۳۲۸، با عنوان  
«یک دادگاه تاریخی» برای افشاء کردن توطئه های رژیم  
شاه، برای سرکوب حزب توده ایران در پی ماجرای  
«ترور» محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۲۷، منتشر کرد.



اکنون یکسال است که حزب مادرشرايطنازه و دشواری مبارزه خستگی ناپذیر خود را ادامه میدهد. یکسال پیش، در تاریخ پانزدهم بهمن ۱۳۲۷ دستگاہ دولتی، ارتش و پلیس، همه قوای جور و ستم پیشتر می نیروهای امپریالیستی با تمهید توطئه ای، بر حزب توده ای ما هجوم آوردند. کلوپهای حزبی بغارت رفت، افراد حزبی بزندان افتادند، بمحاکم نظامی کشانده شدند، تبعید گردیدند، مورد زجر و شکنجه و عذابهای غیر انسانی قرار گرفتند. حزب ما، حزب طبقات زحمتکش ملت ما « غیر قانونی » اعلام گردید. از هشت سال پیش، از همان زمان که حزب توده ایران بوجود آمد، طبقه حاکمه و امپریالیست مادر وجود آن دشمن آشتی ناپذیری یافتند، و از همان زمان همه نیروهای را که در اختیار داشتند برای در هم شکستن نهضت جوان زحمتکشان بکار انداختند. تاریخ هشت ساله اخیر ایران از تاریخ این ستیزه خونین جدا نیست. تاکنون دستگاہ حاکمه بارها بر حزب ما حمله آورده است و در هر حمله گروهی از افراد حزب ما بزندان افتاده، زجر و شکنجه دیده و یا بر سر آرمان خود جان سپرده اند.

این کشتارها، حبس ها، زجر و شکنجه ها برای آن انجام میگرفت که نهضت آزادیخواهانه ملت ما بکنی سرکوب شود، بزرگترین حزب توده ای و ضد استعماری، حزب توده ایران یکبارہ نابود گردد. ولی « پهلوانی که حزب توده ایران نام دارد » امواج همه این حوادث خونین را باشجاعت و استواری از سر گذراند، در پی هر حادثه آگاهتر و مجربتر مبارزه پی گیر و خستگی ناپذیر خود را ادامه داد. دشمنان ما گمان میکردند که هجوم وحشیانه ۱۵ بهمن بر مبارزه حزب ما، بر مبارزه زحمتکشان وطن ما، نقطه پارانی خواهد گذاشت.

و این نیروی برتر تبع پاسر سختی تمام ثابت کرد که نیروی توده‌های زحمتگس  
شکست ناپذیر است و ستونی که از مانع سر برآید خود، از توده مردم  
نیرو می‌گیرد و او در نتواند آمد.

حتی در آن روزهای بحرانی و وحشتناکه همه‌گیرهای وجود  
و تمام بازهم ظنیر بگفتیم و گرفتیم در کار حزب ما قضا و اضطراب این یابید  
نیامد، افراد حزبی خود را نداشتند، تهدیدها، آزارها، زندان تیره‌براه  
خیزد و در آن‌هاست. حزب ما استوار و نیرومند برجایماند. رفقای ما  
در زندان و در گسهای نظامی عیشی را که با توده مردم بسته بودند از  
یاد بردند و در محبتی که سر تیره «ایر آن سایه انداخته بود صدایشان  
بدهای از حزبی که تاریخ زندگیشان از خون شهیدان رنگین است. برخاست.  
همه مهاجرت، همه عیس و تبعیدها، همه زجر و شکنجه‌ها از قدرت  
مبارزه راستحکام شد کیلانی حزب توده‌ای «افزای شکست» حتی بر  
استحکام و ایضا آن افزود. مبارزه حزب ما برغم پندار دشمنان ادامه  
یافت، پندار آنها این بود که پس از هجوم بر حزب توده ایران خواهند  
توانست در محیطی خاموش و آرام با تمام خیانت‌های خود بردارند.  
رنی صدای حزب ما خاموش شد، اکنون یکسال از هجوم و خنثیانه  
ما بهمن می‌گذرد و در این مدت حزب ما با وسایل گوناگون، برای  
دوشین ساختن محیط و پرده بر افکندن از خیانت‌ها کوشیده است.  
انشاء منظم بیایه‌ها، تراکتها، نشرها نقش مؤثر حزب ما را در  
دوشین ساختن محیط و توده مردم ایران می‌کند. پیش از چندماه نگذشت  
که روزنامه مردم بار دیگر منتشر شد و از اشاره یکی از رشته‌های پیوند  
ما با توده‌ها بار دیگر استوار گردید.

دشمنان با سرباز این پندار خاموش بودند که با غیر قانونی «  
اعلام کردن حزب توده ایران پیوند ما را با توده مردم خواهند گسیخته

ولی وقایع نشان داد که این بیوند ناگسستی است ، امروز زحمتکشان  
و همه افراد شرافتمند ملت ما گوش بندای نجات بخش حزب ما دارند ،  
امروز بیش از همیشه چشم امید مردم زحمتکش وطن ما به حزب توده  
ایران دوخته است .

امروز در پی همه فشارها و ستم‌های خاموش نشدنی حزب توده  
ایران ، زحمت‌کشان و همه نیروی سالم ملت ما را بسوی پیروزی قطعی  
پیش می‌رانند .

همین که زندانها از افراد حزب‌ها پر است ، همینکه در هر رهگذری  
برق سر نیزه‌ها به چشم می‌خورند ، همینکه پلیس با تلاش دیوانه‌واری‌یی  
این و آن را می‌گیرد ، نشانه آنست که حزب ما وجود دارد ، حزب ما  
زنده است و در راه پیکار مقدس خود از پا نمی‌نشیند .

مبارزان حزب مادر سراسر ایران ، در همه شهرها و دهات نبرد  
پرافتخاری و قهرمانانه خود را دنبال می‌کنند ، هر روز صفوف مامستحکم‌تر  
میشود و هر روز گروه تازه‌ای راه ما را می‌پیمایند و در کنارمان قرار  
می‌گیرند .

حزب ما مثل ماه آسمان نور می‌پاشد و تیرگیها را روشن می‌کند  
و قیاسکه عادی در آسمان می‌تابد ، گریه‌ها با امید و بودنش هوا را چنک می‌زند  
ولی جز خشم و بی‌تابی بهره‌ای نمی‌برند . امروز پلیسها ، جاسوسها ،  
پست‌ترین دشمنان توده‌ها ، برای بودن سازمان حزب ما چنک و دندان  
تیز می‌کنند ولی بیش از گریه‌ها بهره‌ای نخواهند برد .

حزب ما جاویدان است ، مبارزه ما شعله‌ای است که خاموشی  
ندارد این شعله هر روز فروزاتر میشود و سر انجام ریشه‌های پوسیده  
ظلم و استعمار را خفه‌اهد سه‌ذاند .

پیش از این بیگانه‌دوروز نگار ملل‌مانی بیگانه‌دوروزی معاهده تنظیم بخوابی  
برای معاهده که در کشور ایران و ایران او تشکیل گرفتند. این روش خرافات  
حاکمه معاهده بی‌فایده است که در برابر کوچک‌ترین تحولات ارضیات  
تجدید نظر بیگانه‌دوروزی را می‌نماید. حق قانونی و حقیقت گویای را نگاه و  
بفکر مسائل روز معده - معادای علم را با وجود انوارین عناصر بودی گویند  
آنها از اشکالی نارضایتیها میبرایند. از طریق معادای حقیقت بر سر خود  
دیدار از بیگانگی هستند که غرضی در راه گام‌های را گویا می‌نمایند. آن  
دور که در نگاه بیگانه‌دوروزی در کشور ایرانی و ایران او را بر سر گذار  
نشان داد معاهده‌ای که نشانگران آن پاسبان و پاسداری بودند. بدست  
نو گرفتار خود حکم معاهده‌ای را صادر نمود. خیال می‌کرد که با دست  
دست باین گندی سرین آور برای همیشه آزادی ملت بودی بر معاهده  
سازد. آنروز که در کشور ایرانی در زیر شلاق پلیس معاهده‌ای گویا می‌نمایند  
وزیرانی که از حق گفتن نیاورده بودند. کوشش جلال شاهنشاهی می‌کردند  
در نگاه بیگانه‌دوروزی تصور می‌کردند که به موقعی رسیده است. ولی این دست  
تاریخ است که از شوق و آشکوبان بیگانه‌دوروزی از شکستها و ناکامیهای غیر  
انسانی جان سپرد. نشان گویا می‌نماید که هیچ دستگیر خود را در برابر  
آن روز استوارت نماند.

شهر روز ۱۳۲۰ نشان داد که حساب ما با ما گامه دستگیر در دست بوده  
است. ملت‌های جهان در برابر هجوم و غنیمت آوردن ما بیگانه - حیوانی نورسند  
فکران حکومت سرمایه‌داری در برابر ما - مقاومت می‌ورزیدند و بر سر شوخیهای  
زیاده شده و آرزوهای در میان نرفته. نشان‌های بر یادمانه و نشان‌های  
نما شده پیدای بسته بودند که امروز می‌باید بزبان خود آورد شوخا گویا  
او را در آن گنجه. هر یک که عوچی از این مبارزه را ندانند و مراد و مبارزه  
آینده و گذشته می‌باید ما را فرا گرفت. کالج پرشانی بیگانه‌دوروزی با همه عظمت  
و شکوه ظاهرش فرو ریخت. درهای زنه آن هائی که سالها مبارزه است. بی  
بیگانه‌دوروزی را در خود خفته بود گم‌شده. بیگانه‌دوروزی بیش از آنکه چشم  
علت داشتی را بگریه دراز کرد.

شهریور ۱۳۲۰ هجری قمری برای کسانی که به پشتیبانی ناپایداری امپریالیستها دل می بندند درس آموزنده ای بود. درسی که گویا طبقه حاکمه نادان ما آنرا فقط با مرگ فرا خواهد گرفت.

حادثه شهریور ۱۳۲۰ گرچه بحکومت رضاخان خاتمه داد و دموکراسی نسبی را برای ملت ایران هدیه آورد ولی در ترکیب واقعی طبقه حاکمه ایران تغییری نداد. محاکمه مختاری و سران شهربانی در عین حال که بحکومت رژیم پلیسی و زجر و شکنجه را در برداشت، وسیله ای بود که خشم و کینه عمومی ملت را بخود معطوف سازد، برده ای بود که سایر چنانیکاران چهره خود را در پس آن بیوشانند. ولی اوضاع زمانه دیگر بطبقه حاکمه امکان نمیداد که عملیات خود را بشکل گذشته تجدید کند و دیکتاتوری برقرار سازد. عقب نشینی او که از جنایات خود وحشت زده و هراسان بود با چنان اضطراب و شتابزدگی صورت گرفته بود که ملت خواه ناخواه سنگرهایی را بتصرف آورده بود. آزادی خواهان ایران توانستند از همین دموکراسی نسبی برای گرد آوردن نیروهای خود استفاده کنند و بمنظور بیدار ساختن توده های ملت و نمودن راه نجات با آنها بکوشش پردازند. این وظیفه تاریخی بر عهده حزب پرافتخار توده ایران گذاشته شده بود. حزب توده ایران که در اولین روزهای پس از حادثه شهریور بدست شاگردان دکترا انی و مبارزانی که تازه از بند رسته بودند تأسیس شد، وارث مبارزات گذشته ملت ایران در راه برانداختن حکومت مستمگران و احراز آزادی بود.

بزودی توده های محروم ملت وهمه کسانی که از حکومت طبقه حاکمه و فشارهای امپریالیسم رنج میبردند دعوت حزب توده را جواب گفتند. حزب توده ایران موفق شد که در مدت کوتاهی قسمت اعظم قوای مترقی ملت ایران را در صفوف خود جمع کند. حزب توده ایران بعنوان هدایت کننده نهضت زحمتکشان ایران در رأس کلیه جنبشهای ملی قرار گرفت. حزب توده ایران در مدت هفت سال مبارزه آشکار خود بنحو محسوسی محیط ایران را تغییر داد. حزب توده ایران بزحمتکشان ایران، همه کسانی که شوق آزادی در سرداشتنند درس مبارزه آموخت و راه رهایی را نمایاند. حزب توده ایران بکارگران نشان داد که چگونه بطور وحشیانه استثمار میشوند و چگونه بانیروی و جهمت خود میتوانند در برابر این ظلم آشکار قیام کنند. بدقتان آموخت که قدر و حشمت زایشان نتیجه عشرت بی حساب مالکین

ظارتگر است و پایه برای آن میان برداشتن این دستگاهی بگوشی و میاوره  
 بر مازان، بروشنگر است که وقت که طبقه خاکه + اینت دشمن خوبی  
 ز سگستان - تا کردن در سینه و زکات و تباهی فرورده و گسیه بخدمت  
 آورد آید تا به انتظار و تا گوی شرافتمندانه داشته باشد، با این امر است که  
 آفتاب من طبقه خاکه بر اینم است بدوری تقوا میباید که افزون کند و  
 نوبت ملک مرا برسد. آنها را دعوت نمود که ما این ونگر دوین خود را  
 در خدمت تو و ما بگذاریم.

حزب دولت ایران برای اولین بار به پنج نفر غایب طبقات و حاکمان  
 را در میان تو نهادن خود داد و برای میاوره آنها را با ما شن میاوره مسلح  
 ساخت.

حزب توده ایران در همه جا در کارخانه، موزه، در موزه و دانشگاه  
 تبلیغ برداشت و میاوره توده ساز را برپا نمود.

حزب توده ایران در هر میرزا خطاب از بهر طرف طبقه خاکه بر گرفت و  
 طبقاتی او را بر ملا ساخت. حزب توده ایران برای کرد آوردن همه  
 نیروهای ملی بر علیه امپریالیسم میاوره بر توری را ادامه داد. در اثر همین  
 میاوره بود که ازها همه های تجاور کارخانه امپریالیستها با ما است شناخته  
 شد و این موافق گردید.

با این طبقات حزب توده ایران مورد کینه و حسنه طبقه خاکه و حامیان  
 یگانه اش قرار گرفت.

طبقه خاکه در نظر بدعت مان گذشت از هر حادثه ای برای سلب حزب  
 توده ایران و سازمانهای آن استفاده کرد. در هر حمله گروهی از مبارزان  
 را بر تان افکند و زجر و شکنجه داد.

در نتیجه سازی بر علیه اسراء حزبی و یگانه سازی آنها از مبارزان ایران  
 ناشد بود. حزب توده ایران با سر بلندی از عهد، همه این آرمایشهای دشوار  
 بر آمده و پس از هر حمله سرسخت تر و تورو شدتی میاوره توری ادامه داد.  
 در آخر ۱۳۳۵ که از تصدع ایران با رشدهایی امپریالیسم خارجی اعسار گسیخته  
 با آزادی و نامشغالی از این راهنامه ملت ما طبقه آورد و بگشتار و حبس و  
 شکنجه آزاد میاوره برداشت و حزب توده ایران نیز مورد سلبه شدت  
 مجرمه های اروپایی قرار گرفت. ولی کسانی که چنان خود را و نیاه  
 آزادی ملت قرار داده بودند از این مفهوم هم بهر اسپند و راه میاوره  
 را و مانگرند.

حزب توده ایران در دوره این آزمایش دشوار آبداده شد و برای مبارزه قلمی تری آماده گشت .

ارتجاع ایران که باز هم شاهد توسعه دامنه نفوذ حزب زحمتکشان و تقویت روزافزون نهضت آزادی بخش ملت ایران بود، پی بهانه ای میبگشت که باوردیگر وحشیانه تر هجوم خود را تکرار کند .

کارگردانان دوران سیاه دیکتاتوری ، کسانیکه از میکیدن خون ملت یاد کرده اند ، کسانیکه حلقه بندگی امپریالیستهارا بگردن دارند ، زمینه سازی چنین نقشه شومی را بر نهاده گرفتند .

امپریالیستها که حزب توده ایران را بعنوان نیروی مؤثرترین سد راه نقشه های تجاوز کارانه خود شناخته بودند ، انهم بخش اجرای این نقشه شدند .

واقعه ۱۵ بهمن که مقدمات آن بوسیله امپریالیسم و مزدوران ایرانیش فراهم گشته بود ، وسیله ای برای این حمله وحشیانه قرار گرفت . دشمنان ملت باین وسیله پرده تیرهای ساختند و در پناه آن بکشتار آزادی و حبس و محاکمه آزاد مردان دست بردند . آنها بر عم خود حزب توده ایران را غیر قانونی اعلام نمودند ، سپس قانون اساسی - قانونی را که هر مظهر آن باخون مجاهدان نوشته شده - با سر نیزه بار باره کردند . انگلیس و دلقکهای که هفت سال صدای حق طلبانه ملت مظلوم ناراحتشان ساخته بود بغوش رقصی پرداختند ، و بشکرانه بیشتر اسیر ساختن ملت چشمها بر پا کردند .

درواقعه ۱۵ بهمن هیئت حا کمه خاطره سببیت بی پروائی که در تشکیل محاکم غیر قانونی و کشتار بیدریغ مردم آذربایجان نشان داده بود برای مرعوب ساختن مردم استفاده میشود ؛ چرخ آدم کشی بکار افتاد ؛ شکار مردم شروع شد ؛ از کارخانه ، از مزرعه ، از مدرسه ، از پشت میز اداره ، از بالای تریبون دانشگاه ، از کنار اطفال بیگناه ، مبارزان حزب ما را مورد تعقیب قرار دادند و زندانها را از آنان پر کردند . در طهران ، مشهد ، اصفهان ، کرمانشاه ، وشت ، شیراز ، مازندران ، خوزستان ، محاکم نظامی متعدد برپا شد و صد ها نفر از مبارزان حزب ما در چنین محیط وحشت زایی بر نیگمت اتهام نشستمند ولی دو همه جا ، چه در طهران و چه در شهرستان ها آنها بر رژیم ترور غلبه کردند و در هر جا که کمترین راهی یافتند از فرصت استفاده نموده مقامیت حزب توده ایران را با صدای بلند اعلام داشتند .

کسانیکه برای برانداختن نفوذ امپریالیسم از بیمن خود مردانه کوشیده بودند ، مردانیکه برای صیانت ثمرات انقلاب ایران از دستبرد قدرت





و ابلاغ نمایند .

درداد گاه « ۱۴ نفر » احمد قاسمی نویسنده حزب - د کتر کیانوری و د کتر جودت استادان دانشگاه - د کتر یزدی چراغ و دانشمند معروف - نوشین هنرمند نامی - بچرم مبارزات درخشان گذشته معا که میشدند . صمد حکیمی عضو کمیته مرکزی کارگر سپینموری در میان متهمین بود . اکبر شهابی امیر عبدالملک پور - جواهری - شورشیان - غفور رحیمی - ضیاء انصافی عزیز معسنی و شریفی - هر يك نماینده طبقه ای با چهره گشاده بر نیسکت اتهام نشسته بودند .

کتر کسی است که د کتر کیانوری - احمد قاسمی - نوشین - د کتر - یزدی - د کتر جودت را نشناسد - از مدارج دانش و مبارزات درخشان آنها در راه رفائی توده های زحمتکش و نجات وطن آگاه نباشد . این چهره های روشن در زمره ستارگانی هستند که بر پیشانی نهضت مقدس زحمتکشان ایران میدرخشند .

و کلاهی مدافع درداد گاهی که دشمنان ملت بر پا کرده بودند قضایات را متوجه شخصیت و ارزش اجتماعی مردانی که بر نیسکت اتهام نشسته بودند کردند . د کتر شایگان در این باره گفت :

« متوجه باشید که يك عده از برجستگان ملت را بنوع گناهی پای »  
« میز معا که گشاده آید . امثال آنها در مملکت ما فراوان نیست »  
« اصراف نکنید ... »  
ملنگی گفت :

« عده ای از متهمین حاضر از بهترین اطباء - استادان دانشگاه -  
« از بهترین دانشمندان و نویسندگان و هنرمندان هستند . »  
از نخستین روزی که محکمه نظامی معا که چهارده نفر از در یکی از اطاقهای شهر بانی تهران آغاز نمود معلوم بود که دستگاه پلیس میکوشد این معا که تاریخی را دور از انظار مردم در سکوت و خاموشی بیابان رساند . دستگاههای شهر بانی و حکومت نظامی از تمام وسائل برای مخفی نگاه داشتن جریان داد گاه استفاده کردند از همان روز آغاز معا که صد ها نفر در برابر عمارت شهر بانی برای حضور در جلسات داد گاه حاضر میشدند و چون با اشکال تراشیهای پلیس مواجه میگشتند ساعتها در برابر پنجره ای که از اطاق داد گاه بغیابان باز میشود بامید دیدن چهره رهبران خلق و نخبه فرزندان ملت میایستادند . بارها از طرف متهمین و و کلاهی مدافع بر این روش پلیس

اعتراف شده باستانه قانون اساسی و اصل آزادی مساواتی نداشته که سندهای غیر قانونی از پیش پای مردم قرار نگیرد تا دستشان در بر خود را نیاندازد آنها میخوانند و برداشته شوند. دادگاه نیز بر این امر اصرار می نماید که آزادی حضور تماشاگران را مأمین خرابه کرد. ولی نمایان هم با وجود همه و با تمام تندی و حتی هنگامیکه نوبت آتش بین دفاع و متهم رسید از حضور پانصد نفری هم که تا آن زمان برای حفظ ظاهر در جلوسات دادگاه پذیرفته می شد چارگویی بعمل آمده است. همین گیری های بی اساسی و سینه که از مراجع کاتبان شناسنامه خواسته سران در حاشیای بود که برای دادن برای عوارض موسسه این ساختگی و محتاج بازار شناسنامه نمود.

روزنامه ها در تاریخ دو آتی کوشیدند که جریان واقعی دادگاه و از نظر منتهی بپوشانند. روزنامه های روزگار ادعا نامه داشتند که این دادستان را بقوله یکی از کاتبان دادگاه منی دانسان هزار و یکصد بارها توبان کردند و ادعا می نمودند که آنها با آن و آن خوانند. ولی هنگامیکه نوبت جریان بدستاسوا و اختیارات رسید بزرگان جهان و حتم دم فرو بستند. کوشیدند که دیگر نامی از معاکه بیان نیابند و یاد آفت از خاطر ها دورند شود. خواستند بپوشانند با کمال بوشانند. ولی این کوشش بیفرونده بود. سدهای حکومت بر احقاق دادگاه معصوم و تساند. مسئولان پلیس مانع از این شد که بازاری اختیارات آیین متهمین و مدافعان دو تسان آتیا همین بشان میگویند مردم برسد و مرشانی که بشود آزادی بکارگیری کند.

متهمین از این روشهای پلیس و معاکه غیر قانونی خود را از استانه آزادی و حسن و معاکه آزادی بخرامان ملی نامه ای بسیار مزین عالی شکایت کرده و نسخه ای از آنها برای ارسال بفرستادند و از همان سیر شده. دستگاه پلیس که تنها از ارسال این نامه چارگویی کرد بلکه آنها بتوان سندی بر رو نامه اتهامات افزودند دادستان آنها بجهان سفارت مشورت با حکومت بهمان اعلام حکومت نظامی مورداستناد قرار دادند.

هر وقت که از ارسال این نامه جلوگیری شد. برای مخفی داشتن جریان دادگاه کوشش قراران بهمن آمد. هر حادثه ای بهانه ای بود تا آزادی قراران گرفتند. برای گمراه ساختن افکار عمومی و دیگر گونه جلوه دادن مطابق بهمت جا که از دهنه و سوال استفاده کرد. توانست ملذرا بفریاد یا دیوار از قانون شکنیهای خود بی تبرگدارد. اعتراضات سازمانهای حقوقی کرانمان جهانی بر روش خود در کراسی و آزادی بخشی هیئت معاکه ایران شادمانی

بر این منحصراً بشمار می‌رود. جامعه حقوق‌دانان دموکرات - سازمان جهانی زنان - سازمانهای دانشمندیان و جوانان - سازمان روشنفکران هواخواه صلح دولت ایران را بنسبیت سلب آزادیهای دموکراتیک از ملت و برپا کردن محاکم غیرقانونی مورد اعتراض قرار دادند. جامعه حقوق‌دانان در نامه مفصلی دولت ایران را از نقض مشور ملل و اعلامیه حقوق بشر بر حذر داشت و متذکر گردید که بموجب اعلامیه حقوق بشر که بصورت مجلس ایران نیز رسیده، داشتن و تبلیغ هر نوع عقیده سیاسی و اجتماعی آزاد است و باین جهت ایجاد محاکم قرون وسطائی تفتیش عقاید بمنزله نقض تعهدات بین-المللی دولت ایران بشمار می‌رود. در این نامه تلافی شده بود که تارسیدن نمایندگان سازمان بین‌المللی حقوق‌دانان دموکرات تهران چو بان محاکمات متوقف گردد. قسمتی از این نامه بوسیله یکی از وکلای مدافع در دادگاه خوانده شد ولی رئیس دادگاه بتوان اینککه مندرجات آن اوتباطی ببا اتهامات وارده ندارد، از قرائت بقیه نامه جلوگیری کرد.

تضمینات و تعهیلات خلاف قانون بهمینجا مسئود نشد. در دادگاهی که هیچ قانونی اجازه تشکیل آنرا نمیداد کلیه تشریفات ظاهری محاکمه هم بزیر پا گذاشته شد. با آنککه دادستان یکطرف دعوی محسوب میشود در برابر دادگاه بر متهم قانوناً امتیازی ندارد، در اینجا دادستان بدادگاه امر میداد و از آنده خود را بر تقاضات تکمیل می نمود.

در اولین جلسات دادگاه مأمورین آگاهی حتی برای ورود چینه تماشاچی از دادستان کسب اجازه کردند و کلای مدافع بر این روش شدیداً اعتراض نمودند و دخالت دادستان را در وظایف دادگاه شاهد این حقیقت دانستند که در چنین محکمه‌ای هرگز قضاوتی بیطرفانه صورت نخواهد گرفت.

با وجود اعتراضات مکرر نقض قانون ناپایان کار دادگاه ادامه یافت. دادستان در گستاخی خود تا آنجا پیش رفت که يك بار در برابر اعتراض وکلای مدافع و متهمین مبنی بر علنی نبودن دادگاه صریحاً اظهار داشت که «دستور داده‌ام باندازه گنجیاش محکمه تماشاچی پذیرفته شود.» و نتیجه این «دستور» آن شد که از روز بینه مأمورین پلیس را بالباس سیویل بر نیمکت‌های محسود تماشاچیان بنشانند.

اگرچه محاکمه در شرایط ترور و خود سری حکومت نظامی آغاز شد ولی این امر مانع از آن نگردید که عده‌ای از بهترین و معروفترین

و کلاهی داد گسترش یافتند و کانت میسیون را برپا کردند. تعدادی هالی می تر  
 بی بیسی و سگوست نظامی قرار داشت. هر یکی دو نفر از آنها را از سر عرب  
 سازد. کت شایگان استاد دانشگاه - شهینزاده و دکتر شاهکار - بهوانی  
 مسکنی - خرنیا و دایران جوانی دیگر از کلاهی درجه اول داد گسترش از  
 مردانی که در راه خدمت ملت نانی آنان آمده بود. دفاع کردند از نظمین  
 جلالت و روش داد گاه در خیابان ایرانیت نظامی و کلاهی متذلل و سپهرت  
 ملی بر دم سلامت و ساکی از این بود که جن سران و پوزیور آن صحت  
 معلوم حکومت سران کرد. و کلاهی متذلل بدل این کورا کون داد گاه و  
 غیر متذلل شناخته و دکتر شایگان در باره یکی از بهجت عدم صلاحیت  
 گفت:

«پسوند شاه اول قانون حکومت جمهوری ۲۷  
 در سال ۱۳۲۹ از وقتور که حکومت نظامی اعلام می شود اموری  
 و کرا بر پایه مشورت و اجازت عمومی است با تهریب دولت و وزراء  
 را تودع و وزارت چاک اجرا خواهد شد. سریع این ماده مستقر  
 است بر اینکه اموری که قبل از حکومت نظامی بر او عیوضه  
 دخالت در صلاحیت میساکم نظامی که معسکه حاضر یکی از  
 آتوانست نباشد. طبق ادعای ماده ۲۷ قانون نظامی موکلین  
 «بجانب مشورت با اینکه در معینی که برام اعتباری را بلیط  
 «مشوریه مشوریه داشته اند و از این راه به «امنیت» کشور اطمینان  
 «و آرد آورده اند... و معلوم این است که «ملاز حکومت نظامی  
 «با معنی حاضر حزب توده ایران متکون بود است «بایران  
 «اورتکلی این بیم - بشاید «ملاز دادستان در زمان حکومت  
 نظامی بر او نیافته است. بایر دلیل «مکه حاضر بر این چه گوی  
 «بانهات منسبه صالح نیست...»

سپس دکتر شایگان اضافه نمود که لزوم این استدلال در صورتی  
 است که بتوان «ملاز حکومت نظامی را قانونی دانست و حال آنکه حکومت  
 نظامی که در آغاز این بدست مشروط خواهانست برای حفظ نهان تودع  
 مشروطیت و جلوگیری از تصدیه استبداد بوجود آمده امروز ملای جن  
 آزادی شده و در دست دشمنان مشروطیت قرار گرفته است.  
 شهید زاهد نامتدک قانون تقاضا کرده که چنین اتهامی منسبه به  
 مزاحمی دارد داد گاه بدست بهجت متذلل تمام نماید و درباره یکی دیگر

از جهات عدم صلاحیت دادگاه چنین گفت :

« یکی از موکلین اینجانب آقای دکتر مرتضی یزدی »  
« در بهار سال ۱۳۲۵ وزیر کابینه قوام السلطنه بودند اگر »  
« بدعای دادستان اتهامات استمراری و مبدأ آن از سال ۱۳۲۰ »  
« است - ایشان در زمان وزارت هم بقول دادستان ارتکاب جرم »  
« را ادامه میداده‌اند و طبق ماده ۱۸۹ قانون اصول محاکمات »  
« جزائی هرگاه وزیری در زمان وزارت متهم بارتکاب جنحه »  
« یا جنایتی شود چه سیاسی باشد چه غیر سیاسی - در جلسه »  
« عمومی دیوان کشور معنا که خواهد شد ، قانون راجع بمعنا که »  
« وزراء مصوب ۱۶ تیر ماه ۱۳۰۷ برای تعقیب و محاکمه رزوا »  
« تشریفات خاصی وضع کرده که مقدم بر همه اجازة مجلس »  
« است... »

دادستان در جواب بسفطه های مضحکی متوسل شد ، برای رد  
ایراد اخیر « استدلالی » کرد که همه را بخشنده انداخت :

« آقای دکتر یزدی قبل از وزارت و بعد از وزارت »  
« این جرم را مرتکب شده‌اند ، آن قسمت که وزیر بوده‌اند »  
« بجای خود نماند ، فعلا دادستان قبل از وزارت و بعد از وزارت »  
« را تعقیب مینماید . !! »

و کلای مدافع بدادگاه خاطر نشان کردند که در این زمان استناد  
بقانون ۱۳۱۰ اصولا میسر نیست زیرا منشور ملل که بتصویب مجلس ایران  
رسیده و صورت قانون یافته قانون سیاه دوران دیکتاتوری را ضمنا نسخ نموده  
است و امروز با وجود داشتن این سند که زائیده اراده آزاد ملت های  
جهانست نمیتوان کسانی را بجرم داشتن یا تبلیغ باک عقیده بر تیمکت اتهام  
نشانید .

دادستان باین اعتراض هم جوابی داد که بار دیگر شنوندگان را بر  
بیمایگی خود خندانند .  
او گفت :

« بمعنی از آقایان مدافعین محترم و آقایان متهمین »  
« اشاره بمنشور ملل متفق کرده‌اند ، منشور ملل چه میگوید ؟ »  
« منشور ملل متفق میگوید دولتها باید حقوق اجتماعی مردم را »  
« رعایت کنند و عدالت و آزادی را محترم بشمارند . . . منشور »

و مثل تأیید می‌کنند که قوانین هر کشوری که مقتضای عدالت و رفاه و روح و آداب آن ملت و مخصوصاً مقتضای آداب و هوای آن ملت است باید برای مردم آن کشور واجب‌الرعایا است. این قوانین نباید مانع از آنکه ملت آنجا گرفتار مقتضای آب و هوای آنجا و رعایت حقوق اجتماعی مردم و همچنین ضرورت عدالت و آزادی آنرا بشکند قانون جهان در امور عدالت است. دادگاه در هر جایی رسیدگی باین ادوات عدم صلاحیت حتی بفظاظ هم می‌تواند. رئیس محکمه بدون آنکه از جمله مشاوران اعلام کرد که دادگاه خود را صالح می‌داند.

دادگاه مدعی بود که از آغاز رسیدگی بصلاحیت دعوی و شروع دفاع و کلامی و دفاع و تحقیقات بفرایند دفاع و کلامی بخصوص آخرین دفاع مشتمل بر آن است. در دفاع که پیش از همه از آن رساله بود. بدست بسیار کوتاهی محسوس آزادی ملی اظهارات شدید منتهین و و کلامی مخالف و مقومت سرسختی که بر اساس اظهارات و مباحث آمده دادگاه را مجبور کرد که یک قدم عقب بپوشد. و کلامی مخالف موقع آمدن با وجود تحقیقات و محسوسات بنا بر وقت بخورد منتهین برآمد بسیار عیان و عیان و بگویند. باین ساری و کلامی مخالف نشان این بود که پس از هفت سال مبارزه مستقیم ما تغییر اساسی یافته است. هفت سال مبارزه هر چه بوده ایران امکان مقاومت در برابر مستکبران را صلوات ما آموخت. مبارزاتی که زجر و شکنجه دیدند ولی تسلیم نگشتند. آزاد مردانی که جان می‌دادند ولی در طلب آزادی از یاقه تشنگی به بیخه گان در سپاه گرانمایان از مبارزه و مقاومت آموختند. بدنیایی که شوق آزادی داشته نیرو محسوس است. اگر در دادگاه نظامی - دو برابر برقی سر بزندان مردانی مثل داکتر شایگان و شهید زاهد بدفاع گریهی از تهیه فرزندانی مدت اظهار کردند. نشان این بود که امروز دیگر همه کسانی که با ملت بودند دارند همه کسانی که باورزهای انسانی احترام می‌کنند از حکومت ظلمها و زاهدتها از حکومت گفتار ما و گر کسی نفرت دارد.

دکتر شایگان خطاب بقضات محکمه گفت:

«متوجه باشید که همه از برجستگان و مبارزان و گاهای جهان می‌دانند که گداخته‌اید. شاید برای محکمه ثابت باشد با شما که این اتهامات ناروا بر منسوب وارد نیست ولی قضات»

«دادگاد پیش خود خیال کنند که نظم عمومی و سیاست بیاری»  
 «مستلزم آنست که متهمین حاضر مجازات شوند. اما این نظم»  
 «شبهه آنست نظمن خواهد شد که در قرن ۱۹ بانسلط روسیه»  
 «تزاری در لهستان مستقر بود، نظمی که با کشتن و زدن»  
 «باجرس و شکنجه، با بریدن زبانها و شکستن قلمها بدست»  
 «میآید.»

«ولی نظم مطلوب ما این است که آرامش و انتظامی»  
 «ایجاد بکنیم که بقیت سلب آزادی و جانف و مال مردم تمام»  
 «نشود. بمصلحت مملکت نیست که اشخاص نظیر دکتور بودت»  
 «قاسمی... دکتور کیانوری بصرف اینکه در حزبی بوده اند و»  
 «آن بزعم کسی منشاء اغتشاشاتی شده است، محکوم شوند.»  
 «شاید قضات محترم بگویند که اینها اشخاص ناراحتی هستند و باید»  
 «آنها را محکوم کرد. من در قسمت اول دفاع خود ثابت کردم که»  
 «آنها مانع دادستان بگسره بی پایه است. امروز هم ثابت میکنم»  
 «که اینها را نباید محکوم کرد. اینها مضر بحال مملکت»  
 «نیستند آنها باین آب و خاک خدمت کرده اند. برای درك»  
 «ایست حقیقت لازم است افکار آنها را بدانید از يك جهت»  
 «میتوان گفت که جامعه دارای دو صنف است. بیکدسته «علاقه»  
 «دارند که از تمام مزایای زندگی: زن، پول، خانه و وسایل»  
 «آسایش بهره مند باشند از این دسته گروهی از واه شرافتمندانه»  
 «در خیال مقهور و بیرون ناولی علمای دیگر فقط دقت و درام بگویند»  
 «و در هر راهی که آنها را ممکن است بقتصد برسانند قنم»  
 «میگذارند. اینها بدست ترین و رذل ترین افرادند. اینها منشاء»  
 «فساد و بدبختی جامعه هستند. اما دسته دیگر میخواهند در»  
 «اجتماع منشاء آزاری بشوند. اینها بفکر شکم خود و خانواده»  
 «شوند نیستند. اینها برای منافع عموم زحمت میکشند. متهمین»  
 «حاضر از زمره این مردمانند. توشین هنرمند توانا و دگر»  
 «کیانوری مهندس زبردستی است. اینها اگر میخواهند برای»  
 «عشایر شودشان اعمالی انجام دهند میلی خوب و خیلی بهتر از»  
 «دیگران میتوانند. ولی اینها نخواستند. شاید بارها با آنها»  
 «توصیه کرده باشند که بیایید و گلیم خود را از آب بیرون بکشید»



«اما آیا قوراً، تکریمه، برای خدمت ملت، مزبور، چون آورده اند؟  
 «آنها را نباید بپایر گذاشت، معذور کرد. شما هر ادعای دیگری  
 «باید در مذاکره با مسئولین دولتی و علیه آنها داد و ستد منجمله  
 «بصورتها بگذاریم که اگر مکتوبین حاضر را بدو، قابل  
 «تفاوت نیست معذور کنیم تماماً احوالک جبهه است که در این  
 «و قویه شد است که این طرفین نیز بشود اگر که کنید. اگر  
 «بازماند را بدو، دلیل معذور کنیم در حقیقت اولاً دولت و کار  
 «دگری را بدو، در صورت صورت خواهد کرد. زیرا مردم خواهند  
 «ذاتت بحریه بررگی که در دولت و مجلس شرکت داشتند بپایر  
 «توانند و غیر کردند از ما بیمانند است. اگر بیست خاکه  
 «بسیار توبه را میسر دارند این خود قابل تاز او است. در وطن  
 «نورده و گواهی باشد که مردم در شکوهت و رسود است  
 «توانند است. اگر مردم از راه اجزای از راه در سر نوشت  
 «ببود در حالت که دیگر هیچ صورت خودی بیوانند عمدتاً  
 «در سبب همی از این مورد است و وظرفها از دست»

«بسیار دیگر اهمیت این معنی که «وقتیت بین المللی»  
 «باز است. موافقت این مثل پرو و شولین نیست امروز دنیا  
 «بناظر جریانی است که در جهان ماینگرد. «وسائلی که از  
 «بسیار حقوق از اروپا و سایر سازمانها رسیده دولت ایران  
 «بناست این در صورتها غیر از ده ساله این است  
 «دکتر شما در این ذات که مورد توجه دنیا است. با تمسبی که  
 «بهر گویید باید ثابت کنید که ما شد دویم و دیگر نیست به دستور»  
 «دیگر این در قسم ...»

«دیگر شایگان چنانچه توضیح کردیم که از شرکت در دادگاه و قبول  
 «و قیام دفاع امتیاج کند. چون دیگر شایگان این تجویز را پذیرفت کلان  
 «تهدید کرد. در کش شایگان در این باره گفت:

«... یعنی با این میگویند بهتر است کنار بروی بعضی دم  
 «است لال میگوید که چون کلان از پیش میبرد و سنگین است دفاع ما  
 «تاریخ خوشی داشته باشد نباید کنار گیری کرد. کسی که این  
 «است لال را بپایر در شایگان نظر به همی تپانی در به باشد و لالی از  
 «بناظر اجتماعی بهمانکه خیانت کرد است. گاهی که این خیال در من»

« پیدا می‌شود و بدانند بمن می‌گویند که هفت سال از نتیجه کار ملت  
 « ایران در خارج کشور گذرانیدی، تحصیل کردی، مقامات  
 « بزرگ رسیدی، حالا که وقت امتحان رسیده است میخواهی  
 « کنسار بروی؟... »

دکتر شایگان از وکلای مدافع - در باره ماهیت و واقعیت دادگاهی  
 که بازو و سر نیزه اداره میشد چنین گفت :

« چهارده نفر را اینجا جمع کرده‌اید و آنها را با اتهام داشتن عقیده  
 « بمسالك معا که می‌کشید اما دادستان این حقیقت را نمی‌گوید .  
 « بلکه می‌گوید شما با اساس مشروطیت و امنیت ایران مخالفید  
 « دادستان نمی‌گوید شما طرفداران اخذ حقوق منضوبه و دزدیده  
 « شده مردم هستید، می‌گوید شما تبلیغ مرام اشتراکی می‌کنید .  
 « اگر نوزده ماه سلطنت ناصرالدینشاه و حکومت حاج میرزا آقااسی  
 « برای ادامه دستگیریها مردم را بجرم توهین بسطان شکنجه  
 « می‌کردند، آنروز هنوز خون ملت ایران بر روی بنای مشروطیت  
 « نریخته بود . اگر در آن اوضاع واحوال هزاران نفر رعیت  
 « رنج می‌بردند، زحمت می‌کشیدند تا می‌بایه املاك ارباب از اعداد  
 « چندرقمی پر شود، آنروز مردم از دموکراسی و مساوات اسمی  
 « منتبیه بودند و مخصوصاً اعلامیه حقوق بشر در کتب اطفال  
 « دبستان وارد نشده بود . طرز تولید بمرور زمان تغییر کرد .  
 « اجتماعی شد، طرز تقسیم ثروت بضرورت طبیعت باید تغییر کند .  
 « با سیستم کنونی بچنگ دنیای نسوین نمیتوان رفت - جریبان  
 « همگامش روزگار را با میل و شهوت و فالتزی نمیتوانی  
 « عقبی ترفی کرد . »

و کلامی مدافع بر روی یکایک ادعاهای بی‌پایه و دشنامهای نزاروای  
 دادستان انگشت گذاشتند دادستان مردانی را که برای نجات ملت و آزادی  
 وطن بر سر جان بمان بسته بودند به « اجنبی پرستی » مشتم ساخته بود .  
 این روش برین طبقات حا که است که بر طالب آزادی نام « بیگانه پرستی »  
 بگذارند . حشده حا که ما که از بندگی خود در برابر بیگانگان استعمار طلب  
 با میانهات یاد می‌کنند سالم است که فرزندان مات را با این قبیل تیرهای زهر آلود  
 مورد حمله قرار میدهند گمانیکه در برابر همه دشواریها و اتهامات راه  
 پسکار مقدس را زمانیکه نه بودند : در دادگاهی که با مر بیگانه بر باشد بود  
 بجزایب شایسته ای باین اتهام دادند . ولی پیش از آنکه نوبت بعود آنها برسد

و کلاهی مدافعیهم قسمتی از حیثیات را از آنها جدا سازد.

- ملکی که از او کلاهی جدا نمائیم در امر باقی نگذاریم. شداید آنکه جدا شد
- و اندامهای جسمانی که به طور شایسته و مستند باشد و سپهر استوارند
- و دیوار استوارند و به یمن و با شانه شسته و با کت و راستی آزادی روح
- و در هر کس ایستادن در همه و در کجا در همه و در کجا در همه و در کجا در همه
- و چون آزادی را میسر از دست ایشان میسر از دست ایشان میسر از دست ایشان
- و تا آنجا که از اندام میمانند ایران میمانند ایران میمانند ایران میمانند
- و تا آنجا که از اندام میمانند ایران میمانند ایران میمانند ایران میمانند

علاوه بر این برای پادشاه و امپراتور هیچگونه اختیاری در امور ایران  
 باقی نماند. در این صورت، پادشاهان در هر مورد امری در ایران داشته  
 در کشور است.

چون در همه ایران امری یکی از شرایط خود میمانند و در همه ایران  
 میمانند و تا آنجا که از اندام میمانند ایران میمانند ایران میمانند

- در همه اینها در همه اینها در همه اینها در همه اینها
- و تا آنجا که از اندام میمانند ایران میمانند ایران میمانند ایران میمانند
- و تا آنجا که از اندام میمانند ایران میمانند ایران میمانند ایران میمانند
- و تا آنجا که از اندام میمانند ایران میمانند ایران میمانند ایران میمانند

- گمان که با ما از هر یک است و ما از همه اینها در همه اینها
- و تا آنجا که از اندام میمانند ایران میمانند ایران میمانند ایران میمانند
- و تا آنجا که از اندام میمانند ایران میمانند ایران میمانند ایران میمانند
- و تا آنجا که از اندام میمانند ایران میمانند ایران میمانند ایران میمانند
- و تا آنجا که از اندام میمانند ایران میمانند ایران میمانند ایران میمانند
- و تا آنجا که از اندام میمانند ایران میمانند ایران میمانند ایران میمانند
- و تا آنجا که از اندام میمانند ایران میمانند ایران میمانند ایران میمانند
- و تا آنجا که از اندام میمانند ایران میمانند ایران میمانند ایران میمانند
- و تا آنجا که از اندام میمانند ایران میمانند ایران میمانند ایران میمانند

چنانچه از هر یک از اینها در همه اینها در همه اینها در همه اینها  
 امروز چه کسانی برای اجرای همه اینها در همه اینها در همه اینها  
 و تا آنجا که از اندام میمانند ایران میمانند ایران میمانند ایران میمانند  
 مستشاران بیگانه تبدیل کرده اند. و تا آنجا که از اندام میمانند ایران میمانند  
 برای حفظ ما را بر باد داده اند. و تا آنجا که از اندام میمانند ایران میمانند

میله‌های زندان را ندانند .

در جریان کار دادگاه بارها از طرف مقامات حکومت نظامی بوکنای مدافع توصیه‌ها شد که دست از دفاع بردارند . بعدها توصیه‌ها صورت تهدید پیچود گرفت .

نخستین روزی که شهیدزاده با شهامت دفاع از حقیقت را شروع کرد ، با همین ماجرا مواجه شد ولی او هم از میدان بدر نرفت و بنحوشایسته‌ای وظیفه خود را بیایان رسانید . شهیدزاده ضمن دفاع خود با این تهدیدها اشاره کرد او گفت :

« در روزهای اولی که ادعا نامه تنظیم شده بود ، روزی از این شدت :  
 « و وحشت نبود و آقا باندا ، به بنده افتخار دفاع را دادند یکی از »  
 « آقا بان خارج من باب نصیحت پندارانه بمن گفت که این کار خوب نیست ، به صلاح تو نیست ، ممکن است این منافع برای تو و خانواده »  
 « هایت اسباب زحمت شود ، این شرط عزم و احتیاط و دور اندیشی »  
 « نیست . من باو گفتم مامتویچه جمیم این شرایط هستم و نمی‌مطلبم »  
 « اینست که ما وظیفه‌ای داریم . فرضاً اگر بطبیعی گفتند در »  
 « کردستان مرض طاعون بروز کرده ، بروید برای مبارزه »  
 « با طاعون ، آیا این طبیب که ده پانزده سال است طبابت می‌کنند »  
 « و از این راه زندگی کرده ، افتخار و حیثیت کسب نموده حق »  
 « دارد با احتمالی اینکه بروی طاعون بگیرد و بسوزد ، بگوید من »  
 « نیروم ؟ »

« هر شخص با وجدانی خواهد گفت ، - حق نداده ، »  
 « فرضاً در چنین موقعی اگر این طبیب امتناع کرد چه تصمیمی »  
 « برای او هست که طاعون شایم نشود ، بهترین نایب او را در »  
 « همین جاهلاک نکنند ؟ چه بهتر که قبلی از موقع بسیار زود اقدام کنند »  
 « شاید در قدم اول طاعون را بفروارند . اگر هم موفق نشوند ، لااقل »  
 « پیش وجدان خودش آسوده هست که در مراک شود و دیگران »  
 « مسئولیت نداشته ، اگر رفت و توانست که جلوی طاعون را »  
 « بگیرد که چه بهتر ، ولی اگر از طاعون شکست خورد و مرده »  
 « این افتخاری برای اوست که وظیفه خود را انجام داده ، ولی »  
 « اگر رفت و طاعون بتهران آمد و او را در همین جا کشت هم »  
 « مسئولیت کشته شدن مردم را ندارد هم مسئولیت کشته شدن »

« خودی را زور با تو میگویند اگر از دور اولدند بود کاره  
و اینها بیگانه است »

« حالا اگر افتا بر اینان دفاع من خطری متوجه است »

« کی من خبر میدهم که اگر من زوری و خیزد صورت خود »

« گاه من و گتم آقای بر این شما تکلیف خود را بیاورید »

« خطر بالاس نباید برداشتم مرا بگردد و بنام این بود »

« که ما را خود را انجام دهم و آنطور که باید انجام دهم »

« اگر خطری رود من بر او اگر خطری بودند موافق بودم »

« در وقت آنرا آنرا بنویسم - اگر هم خطری ما را گرفته »

« در وقت آنرا انجام دهم ... آری و اینها حرفه است »

« من و خطره اندکسار آمیوی داشته باشیم و در آنجا »

« شعری است که در این زمین بودیم است »

باز من از این شمس از جمله منی است که در طاعتون شبیه کرد

درینجا که آن خود را از آنکه در این دیگر کشید با این شعریه

کشید و اینها خود را از آنکه در این شعریه است »

شود در آن زمین از آنکه در این شعریه است که در این است آورد

و در آن زمان گفت »

« روز ها یونان قلعه بحرانی در تاریخ ایران حساب »

« در وقت آنرا در آن روز بعد هر یکی که اولادند یعنی در ملک »

« این تغییر در این است که در این است که در این است »

« حالا که من نظایر آنرا اولین شایع و آثار این است »

« اینها در زمان است که اگر توفیق داشته باشیم با اینها خود را »

« و خود را شام و شب است من کنم که این در این طرف شد »

« در آن روز این را و در آن روز این را من معتقد نیستم که کسی »

« در آن روز این را و در آن روز این را من معتقد نیستم که کسی »

« در آن روز این را و در آن روز این را من معتقد نیستم که کسی »

« در آن روز این را و در آن روز این را من معتقد نیستم که کسی »

« در آن روز این را و در آن روز این را من معتقد نیستم که کسی »

« این معنا که قطعه بوط با این چهارده نفر نیست و آثار آن در این  
 « معینه و زمان معهود تمام نمیشود . این معنا که اولاً بوط بیک  
 « معاکت بوی ۶۵ ساله یون مردم ایران است . ثانیاً بوط بهمدنیاست .  
 « ثانیاً بوط بیک تجویز تاریخی آتیه است . »

او قضات را از این تصور واهی که معنا که چهارده نفر با معکو میت  
 آنها پایان مینماید برخوردار داشت و در این باره مآلی آورد که قضات داد گاه  
 را با عهده پیگیری با همیشه واداشت . آثار اضطراب در چشمهایشان خوانده شده  
 انگار بیک لطف آینه را دیده و از چشم انداز آن مضطرب شدند .  
 شهمینزاده در این باره معنا که ۵۳ نفر را مثال آورد - او گفت :

« این پرونده ۵۳ نفر که الان روی میز داد گاه است مربوط به  
 « معنا که ای است که در شرایط خیلی سخت تر از امروز بر گزار  
 « شد . آن روز خیلی پیش از امروز کوشش میشد که معنا که ۵۳ نفر  
 « آن حجت زمان و مکان معهود باشد . معنا که در نهایت اختفاء و  
 « سرخت گذشت و ظاهر قضیه نشان میداد که مقصود با موفقیت  
 « تمام شده . ولی امروز که برو خدمت شاه ششم دوم مرتبه است که  
 « این پرونده باز هم روی میز آمده است . یکمرتبه در معنا که سران  
 « شش بانی روی میز آمده و روی چیز عجز مطالب آن بحث شده  
 « بی حد در وقتها نامه داشتند قمار « هر فتنه است ، یکبار هم  
 « امروز روی میز آمده و خدا میداند که بعداً هم چند بار دیگر روی  
 « میز بیاید . سالها بی فهمیم آنها که خیال میکردند آن معنا که  
 « در آن زمان و مکان معهود تمام شد اشتباه میکردند . فرض کنیم  
 « که این معنا که هم سخت تر شود ، تر اوها زیاد تر شوند همین  
 « چند نفر شاهان را هم بنادگاه رانده اند ، آن دوستونی را که  
 « روز نامه ها می نوشتند و از دیشب دیگر نمی نویسند ، نویسنده  
 « بنویسد راجع ببنادگاه پرده ها را هم بکشند باز هم این زمان و  
 « مکان معهود نمیماند . هر وسیله ای که بکار بندند این معنا که  
 « عملی خواهد شد . »

یکی از اتهامات دادستانان خدمت باسلطنت مشروطه بوده و کلای  
 مدافع با طرح ضلالت های گذشته حزب توده ایران نشان دادند که عجز  
 ز خدمتگشان برای استقرار مشروطیت میکوشیده است .  
 شهید زاده در باره این اتهام گفت :

« برای تعریف این مردم کافی است که سلطنت مشروطه را  
 برای آن بپذیریم. اساس مشروطیت آنگاه در کتب سابقین سلطنت  
 مشروطه ایران را آن نظر مرقع تعریف کرده و آورده که  
 « سلطنت مشروطه ایران از نظر شکل بر دو قسم از دین است. یک  
 قسم اساس شورای ملی است. داشتن یک آراء مجریه و پیش نویسندگی  
 موجود شعب اول منکات بنام پادشاه را امکان نوری نام دیگر  
 « اینرا شکل حکومت سلطنت مشروطه است. اما از نظر  
 دین (Law) و منعیست که بخواهم فعلا صرفا صرفا کلیه نامه  
 اسرار قانون اساسی و تمام آنرا برای این بخواهم و نوی چون  
 « مرا تصور کرده بود که منقصر منجبت کم بدگر کشان اکتفا  
 درینکس از نظر ماهیت اصل ۲۱ تمام قانون اساسی بر یک  
 شورای منکات ناشی از ملت است. پس طبق این اصل اول  
 « برای مابوی سلطنت مشروطه ایران حکومت ملی است یعنی  
 « در این مباحثه ما کجاست و صورت مملکت با ملت است. اصل  
 « دیگر از اوکل مابوی مشروطیت ایران انقلاب است  
 « قانون اساسی شورای منکات و قضایه و مجریه را از هم جدا  
 « دانست. و تطایف و حدود استیارات هر یک را تعیین کرده  
 « است. استیارات هر یک از این قواعد عبارت از ماهیت است  
 « در استیارات و حقوق تمام سلطنت اصلی ۲۱ تمام قانون اساسی  
 « دریکوید »

« شصت بادشاه از استوایت میراست فورا در دولت  
 « در همه امور مساوی میباشند. اصل ۲۵ میگوید کلیه  
 « قوانین و دستخطهای پادشاه در امور منکاتی و قضی امرا میشود  
 « که به امضای وزیر مسئول برسد و مسترد صورت موصول آن  
 « فرمان در دستخط همان وزیر است. این یکی از ارکان اساسی  
 « فراجزیه مابوی بسیار مهم مشروطیت ایران است. « محضطور  
 « قانون اساسی در باره آراء قضایه و اقتدار عدل گنات موابوی  
 « داری - اصل ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ قانون اساسی است  
 « این فو را تأسیس نموده است بعد قانون اساسی حقوق مابوی ایران  
 « در تمام این دستگاهها تا به حقوق ملت است. ایران  
 « در باره همه و ضرورتیست و ملک در گرفت تا حقوق ملت حفظ شود »

«از اصل A تا اصل ۲۵ متمم قانون اساسی که ترجمه ای از»  
«اعلامیه حقوق بشر است. حقوق ملت ایران بتفصیل ذکر»  
«گردیده است. اعلامیه حقوق بشر مرتباً تکامل پیدا کرده تا»  
«پدرچه امروزی رسیده است و دولت ایران هم که عشو»  
«سازمان ملل متفق است آنرا پذیرفته. اگر آنرا با وضع فعلی»  
«با قانون اساسی مقایسه کنید، می بینید که در آنجا حقوق ملت»  
«خیلی بیش از حقوقی است که در قانون اساسی ذکر شده. ولی»  
«ما همان حد اقل را که ۴۰ سال پیش بتصویب رسیده امروز»  
«هم قبول میکنیم طبق این اصول مردم از حیث زبان، عقیده»  
«و نژادشان آزادند. از حیث مکان مصون از تعرض هستند. در»  
«مقابل قانون مساوی الحقوقند. عامه مطوعات، همه انجمنها»  
«و اجتماعات آزادند. اینها بطور کلی ماهیت و حقیقت مشروطیت»  
«ایران است. آقایان دکتر شایگان و دکتر شامکری و ملکئی»  
«صحبت کردند و با ادا غیر قابل بحث ثابت نمودند که حزب»  
«توده ایران بهیچوجه رویه ضد سلطنت مشروطه ایران نداشته»  
«باشد. میگویم اساساً این جرم ممکن نیست. ممکن نیست که»  
«کسی در شرایط فعلی جمعیت یادسته ای تشکیل دهد و با سلطنت»  
«مشروطه ضدیت بکند. این جرم مستمم است، زیرا وقتی»  
«دیشود این جرم را انجام داد که در ایران سلطنت مشروطه ای»  
«وجود داشته باشد در ایرات سلطنت مشروطه ای نیست.»  
«شاید این حرفها بگوش بعضی ها سنگین باشد ولی من دلیل»  
«دارم.»

«برمیگردیم به تشریحی که از مشروطیت کردیم: ملت»  
«ایران حقوقی دارد که قانون اساسی بیکایک آنها را شرح ده.»  
«مردم حق آزادی قلم، بیان، عقیده، اجتماعات، حق تباری»  
«در مقابل قانون و محاکم و امثال اینها دارند. قوای سه گانه»  
«از هم منفک و مجزا هستند و هر يك حدود و اختیاراتی دارند»  
«سلطنت دارای مسئولیتی نیست و غیره. «سال به پیشیم اینها»  
«وجود دارد یا ندارد؟»

«حقوق ملت حق آزادی بیان - آزادی قلم - آزادی»  
«اجتماعات همیشه باشکال گوناگون مورد تجاوز قرار گرفته.»



«تا امروز که شما بانه باره فاتحه همه حقوق و آزادیها را خوراید از مردم چنان هم قان نمی گذارند و عیناً آزادی نهضت را خوراید و سلب کرده اند حکومت نظامی نظام موجود است. امروز آنچه هان سلطنت و آزادی است هر چند است که پس از سه روز اندک هم حکومت نظامی منقرض می شود. در گمان که در عرض یک هفته خواهد بود و متعلقه است که ما در این فرمانداری نظامی یا شهریانی و از دیوار خانه اتن بالا بروید و از راه زندان بگذرید. بنابراین در این منظره بماند و بماند. موجود نیست. خواهی بود فرود آید. اینها هر دو یک چیز است. اعتبار ما همولا مراجع با «مسئله عالی» در کشور است و برای من هر یک دو دست نامه بود و فرمانت صالح عالی» تا کشور مطهر می افتد. الان که ما در همه کشور این «ما گفته» مسرات خوب بود. دستام مسائل بسیار مهمی از نظر سیاست و دانشی و خارجی صادر شرف و قریح است. من این تدابیر که در «اینها» اظهار نظر کنم این سخن از من سلب شده. از وقتی که «تاریخنگاران» در وقت آمدند و آقای گلشایان وزیر داداری» در وقت نیز نشاندند. حکومت نظامی اعلام شد. روزنامه ها را در وقت و در این مسئله گفت. تشکیل مجلس باید تشکیل می دادند. «موسسان» بر نامه چند ساله از دنا و شمال اسکندران و وزارت «مسئله» بگردن جان افتاد. آقای دادستان اگر حکومت در و ده» تو افسر وجود آوردن بنابر این که در دولت بر این میوه اعم است» «با اینست که اظهار نظر کنم بر سبب اظهار نظر یا طبق آمدن در مسامح» «در این نظر است در معیار تمام فرماندار نظامی تمام این مسائل» «تا از من گرفتند. در این شرط و طبع عملا تعارض است. سابق» «مناب» با هم اگر در همه جا کپیست علی از میان رفت. اشکالاتی که وجود دارد نیست. زیرا قوه مجریه هم در تمامه بر هم دو قوه «تقاضای» و دولت بکنند. قوه مجریه قانو نگاری می کنند. تشکیل» «اصح که می دهد که این مسئله شروع آید. بنابراین این همه» «مبتکرین هم که در این سلطنت مشروطه وجود ندارد» «مضامین» با چنین چیزی چه می توانی بوسی»

در این نامه می بارد شده دفاع شهروندان را قطع کرد و با رسوم در همه بر آنکه از ادامه دفاع بیاموزی کند. بر آنکه این بود که «دفاع

از موضوع صحبت شده و وقت داد گناه «ضایع» گردیده است!!! مشهورین بر این روش شدیداً اعتراض کردند. دکتر کیانوری برخاست و فریاد زد:

« ما میخواهیم روشن کنیم آیا اصولاً ما متهمین که در « اینجا نشسته ایم، حق دفاع داریم یا نداریم؟ »

« اگر حق دفاع هست با وجود تمام تهمیناتی که تا « کتون شده و ظاهراً میخواهد شدیدتر شود و سو کیل مدافع حق « دارد آن چیزی را که او برای دفاع صلاح میدانند تذکر دهد « داد گناه بیاین ترتیب حق دفاع را از ما سلب میکنند »

داد گناه مجبور شد دو اینها هم بکنند عقب بنشیند. شهیدزاده توانست بدفاع خود ادامه دهد.

قیادیان یکی دیگر از وکلای مدافع - ضمن دفاع خود - درباره اتهام « بیگانه پرستی » چنین گفت :

« من میخواهم پرسیم اگر اینها وطن فروش هستند « از حاصل این فروش چه نصیبی برده اند ؟ آقای دکتر « جودت « همه چیز خود را فدای مرام کرده آنوقت باو میگوشد بیگانه « پرست ؟ ولی آنهایی که با مزایای شکفت خود در ما حکومت « میکنند بیگانه پرست نیستند ؛ واقعا قابل قبول نیست که دکتر « جودت - دکتر کیانوری - دکتر بزیدی - احمد قاسمی - عبدالعزیز « نوشین که هیچ چیز ندارند مملکت میفروشند و آنها که همه چیز « دارند مملکت را حفظ میکنند. »

قیادیان مردانی که بر نیکیت اتهام نشسته بودند خطاب کرد و گفت :

« من واقعا شما نیرنگ میگویم که واقعا آنها گفته اند « عمل کرده اید. من بکش نثر ایرانی ، می بینم کسی که هر چه گفت « عمل کرد شما بودید. »

بنیم طبقه جا که از نهضت توده ای ما در همین مجالست ، آنها که از ستم پنهانند ، از بدیها و زشتیها شکوه میکنند ولی برای بر انداختن بنیاد بنیاد گریها و زشتیها قدمی بر نمی دارند برای حلقه حاکمه نظری ایجاد نمیکنند ولی آنها که توده ها را با کوشش خستگی ناپذیر بر راه رهائی میکشانند ، بنیاد گران آینده ، با سواران زندگی ، در گوش طبقه حاکمه آهنگ مرگ میوزند . دشمن کند و زنجیرها زنده آنها و دارها

را برای آنها آماده کرده و بر تاختناخت . روشنی افق آرزوی هم از بهریت  
کوشش سر و سامان بگیرد .  
تبلوتی و کبر مقام گفت :

«من برای این مرتان که شادان روزی کنی بسوی»  
«تکلیف با ما آن است . این جام نیکم از برای گناهان مرا کب نشاندند .»  
«اینها دسترسند از مرگ و زندان هم بیسی ندارند . بالاخر»  
«هم میسکنند باید بدست اینها اصلاح شود .» «میتواند هم»  
«شوند شدت گناهی که در زندان زجر کشیده»  
«بودند همه در کوی حزب توده را تشکیل دادند . پیغمبر»  
«حزب توده میآزادی و مشروعیت از این توده گرفت . معنی آزادی»  
«را بر دم میماند . سنگی همین درست کرده بود و سنگینی بسته»  
«تاریک . همه بجزب توده از ایندا شروع میشود که اینها توده»  
«انرا در راه تربیت میگردند . بنظر کار و دستان بیستمانند جوانی»  
«به بختری آتیا چوست . چه چیز آنها را با این روز انداخته و برای»  
«رعایی چه راهی باز در پیش بگیرند . این برد گزین گفت»  
«حزب توده بود . این باک با هم قواعد انسلط مأمور چنین جمله ای»  
«شدند . او گفت من میفهمم حزب توده را بهم بر تو . این نازک»  
«در بدبختی است که با خوبی که بشود ولایت و آزادی خدمت میکرد»  
«بود آتیه چون جاگو تشکیل شده بود باین توتیب . عضویت»  
«روزت . قوام السابزه یک عده کور و کچل را جسم کرد و»  
«شواست در برابر منبکهای باشکوه سوپ توده برده ای . سال»  
«و آنها درست کنند . قوام بعداً در مجلس علی گفت من در تری»  
«گرم و بر شوهر گریتم را او است که با حزب توده مخالفت کنم»  
«گزارش کردی قوام هنوز در مجلس باقی است مرا گویند راست»  
«است که تودینه ولی چون برای مخالفت با حزب توده پول و»  
«در شوه گرفته بیی نداشت بی . امروز هم گمان دیگر تو مانده ای»  
«چوبند و ولی استنادا نشا گمان از روی گریسی استادی گرفته اند»  
«در دنیا شادمانند» .

فریاد و کتیل و تافع بدایع از حزب توده ایران بر داشت و از میان  
ایه شور و لوتیک آن دفاع کرد .

دامنهان بانک نظری در کولاه بیانی ادعا کرده بود که حزب توده بر

این تمایلات عده معدودی بوجود آمده است .  
فریاد را این باره گفت :

« لازم میدانم بعرض برسانم کسبه حزب توده ایران »  
« بنا بر تمایلات افراد معدودی بوجود نیامده است بلکه بر اثر »  
« مبارزات متمدنی که قبل از مشروطیت و بعد از آن ملت ایران »  
« برای نیل دموکراسی و آزادی بجای آورده است و این مبارزات »  
« گاهی شدید ، گاهی ضعیف و زمانی سختی بوده است ولی در هر حال »  
« قطع نگر ندیده ، بوجود آمده است . »

فریاد از سابقه این مبارزات ، از کوششهای دولت استعماری انگلیس  
و روسیه تزاری برای تقسیم و تملک ایران سخن به میان آورد و از نقش بزرگ  
انقلاب کبیرا کبیر در سر نوشت و آزادی وطن ما گفتگو کرد . در این باره  
گفت :

« میتوان بیقین گفت این انقلاب موجب رهائی ایران »  
« و اعاده استقلال و تمامیت ارضی ایران میباشد . اگر انقلاب »  
« اکبر بوقوع نمی نمود نقشه شوم ۱۹۰۷ و تقسیم ایران »  
« عملی شده بود و البته امروز دیگر کسی برای استقلال »  
« ایران سنگ بر سینه نمیزد فقط انقلاب کبیر شوروی در سال »  
« ۱۹۱۷ و تشکیل دولت سوسیالیستی تازه که نظر استعماری »  
« نسبت بممالک و اقوام همسایه خود نداشت و مخصوصاً از جهت »  
« آنکه نسبت با ایران نظر کملاً دوستانه داشت سبب شد که هم »  
« قرارداد عمالی نشود و هم ملت ایران تکیه گاه تازه ای پیدا »  
« کند ... »

فریاد در باره ترکیب طبقاتی حزب توده ایران چنین گفت :

« لازم است با اطلاع داد گاه برسانم که در اوایل »  
« مشروطیت احزابی که در ایران تشکیل میشد چون تجرید و »  
« اطلاع کافی نداشتند دارای ترکیب طبقاتی هماهنگی نبودند »  
« و چون واقف نبودند که طبقات مشترک المنافع میتوانند در یک »  
« حزب جمع شوند اشخاص مختلف المنافع مالک بر عین کارگر »  
« و تاجر و روشنفکر را در یک حزب واحد جاداده بودند غالباً »  
« تضاد منافع افراد حزبی که جبراً منتهی بمبارزه بین آنها میشد »  
« حزب را از پیشرفت باز میداشت . ولی چیزی که در اساس »

در حزب توده اولین اهمیت شده ایران است که حزب توده ایران از آن  
 دانشمندان و محققان باافر تشکیل شده و چون این طبقات با هم  
 تضاد منافع ندارند در حزب توده ایران حدم گشته اند. بهین  
 جهت حزب قدرت و نفوذ کافی دست آورد. ... سرانگیزی وجود  
 در حزب توده ایران در پیکار است تاریخ - در دهه مبارزه طبقاتی  
 است.

سری قریبا بشهرت میوان براننامه حزب توده ایران پرداخت و ثابت  
 کرد که حزب زحمتکش ایران بیون باک ضرورت تاریخی است بر این منحل  
 ساختن از ایران نیروی تیزران بیون جنگای برینور و ملیتاتی سرپوشی گشته اند  
 نواز میوز و ضامن سازی حزب توده ایران. از گشتی آن برای حفاظت علیه  
 و کسب استقلال ایران از بیونی منظمی و علمی حزب توده ایران در پیاره  
 سیاست خارجی - از گشتی فداکارانه آیت برین استمرار حکمران ملی و  
 در پیاده گراسی و افسر دراز توپخانه های افسر بالیسم برای منشی کردن آیت  
 مبارزه ملی منصفانه است. میان آورد. او گشت :

- «چهل سال پیش ملت ایران برای احراز دموکراسی انقلاب کرد.»
- «پس از انقلاب مشروطیت افسر با استیلا بر مجلس و افسر بالیسم»
- «انگلیسین که از بوجود آمدن دموکراسی در ایران منافقان»
- «جنطریان افغان» دشمنان مشروطیت و بر مات مسلط ساختند.»
- «حکومت ایران مخالف مشروطه بود و بی همیشه توطئه گان»
- «مجلس را نمایان سرمایه بزرگ و فواید و منافع و رشوه خیز»
- «تشکیل داده و می دهته. مثلا از میان ایل قشقایی رئیس ایل قشقایی»
- «میرزا تالدوله نماینده مجلس بود اسر زخم ایران او با استیلا»
- «مردم مجلس می ایستد. هرچین در قستی از ایران استبداد را»
- «ذوالفقاری اشغالی را با استیلا گوی خردش بر خیزد و بر شاه امر»
- «میران ملت مجلس میرستان و عالیه پسرهای او همین است و»
- «در مجلس است آوردند. چون هیچگاه ملت ایران»
- «و نه اندک که نمایان گان واقعی خود را بر مجلس بر سر نهادند»
- «هیچگاه مشروطیت ایران معانی قانون اساسی نیستند»
- «تا امروز من این توانیم بگویم حکومت مشروطه دایم همیشه»
- «طبقات است از» که ما هم آنها با ملت ایران نشانه واقعی دارد خود»
- «در این ملت ایران تحصیل کرده اند. مبارزه بین ملت ایران و»

«دشمنانش باقی است . این مبارزه هم جهت داخلی و هم جهت  
 «خارجی دارد. جهت داخلی را برض رساندم. جهت خارجی اینست  
 «که طبقه خاکمه ایران دست پرورده ممالک استعمارطلب است و  
 «همواره بضرر ملت ایران اقدام مینماید . . . چون در ایران  
 «دموکراسی و حکومت ملی نیست حزب توده ایران برای احراز  
 «آن مبارزه میکند .»

یکی از اتهامات تبلیغ مرام اشتراکی بود . طبقه خاکمه باستناد قانون  
 سیاه پک بار دیگر محاکمه تفتیش عقیده برپا کرده بود . فریاد دربارہ این  
 اتهام گفت :

«اگرچه همکاران بنده در بساوه مرام اشتراکی مطالبی برض  
 «داد گاه رسانده اند ولی چون این موضوع در قانون خرداد ۱۳۱۰  
 «تعبیر نشده است در فهم موضوع اشکال ایجاد شده و هر کس  
 «بسیاقه خود از آن تعبیر و تفسیری مینماید .»

«از این جهت اینجا بنم نظر خود مراجعه میکنم و میگویم  
 «اگر مقصود قانون از تبلیغ مرام اشتراکی تبلیغ رژیم همسایه  
 «شمالی ماست لازم است بطور خلاصه و تر چمت کلمه اساس رژیم  
 «سوسیالیستی دولت شوروی را تشریح کنم . قبلا لازم است بدانید  
 «که هنوز حکومت شوروی حکومت سوسیالیستی است و هنوز  
 «رژیم کمونیسی در آن کشور برقرار نشده است . این  
 «کشور در راه وصول حکومت کمونیستی است . در رژیم  
 «سوسیالیستی مالکیت وسائل تولید اجتماعی است . یعنی همه  
 «از آن برخوردار هستند نکته دیگر اینست که در شوروی  
 «اجازه داده نشده است که یک نفر از دیگری استفاده نماید یعنی  
 «نیروی کار او را بخرد یا او را مورد استفاده خود قرار دهد . در  
 «حالی که در کشورهای که مالکیت خصوصی وسائل تولید  
 «برقرار است کارگر باید نیروی کار خود را در قبال مزدی که  
 «میگیرد تحت اختیار مالک کارخانه قرار دهد و بدیهی است در چنین  
 «موردی چون مالک کارخانه ارزش تمام نیروی کار او باو نمیپردازد  
 «استثمار از همین جا حاصل میشود . . . ما قبلا گفتیم که حزبی نمیتواند  
 «تشکیل و ادامه یابد مگر آنکه تقاضای آن حزب بر طبق  
 «تقاضای ملت باشد هر روز ملت ایران تقاضایش بحدی رسیده

« که مقضی تشکیل دهنده سوسائیت است یا گوییمند با نامه آن سوسیه  
 در تشکیل خواهد شد خواه آن سوسیه بر طرف آن سوسیه باشد یا نه »  
 « امروزه آقای مدافعین هر یک طریقه خود را تأیید می نمایند و در  
 برابری شان در این دو قسم روزنامه کار داد گاه بر دو نامه ای از قضایای  
 نامه به نامه را می بینیم . از امروز داد گاه و اخبار و دادگاهت حکومت نظامی  
 و سهام از پیش هر روز تطبیق از زمان ایجاد می گرفت . داد گاه تهیه کرده بود  
 که تا اول آوریل پس بعد گاه را به این زمانه . بر هفته باسفی رئیس داد گاه  
 و عدالت را می بینیم . که در صورت اینها این تهیه در چه سوسیه ای از نامه خوانده  
 باشد . معلوم شدیم که از این اخبار آقای مدافعین همیشه با اطلاع گذشتن  
 در یکی از روزهای آخر امضا شده و نیز به کسی بر داد گاه اطلاع  
 داشت که بعد گاه از خواه باید بیان رسد . آن روز احدی فاسفی به فاسفی  
 و گاه است اما این روش اخبار از این داد گاه طریق دیگری است که در دست  
 دعا چرا می بینیم . آن اگر می خواندند ما را پیش از آنکه از خود دفاع کنیم  
 معقولیم کرد دیگر در جلسه داد گاه حاضر نمی شدیم . همیشه تا این قضایات  
 برای چیست . دشمنان ما از زبان مملکتی ما می شناسند . آنهایی قضایات است  
 آن را می بینیم و تعلیم مملکتی می بینیم .

فاسفی بجای خود قسمت و ای استاپند نامه به مدافعین عدالتی مملکت  
 داد گاه را تشکیل داد . صورت حقیقت به حقی رئیس داد گاه است که در  
 روز آن روز هرگز چیزی در این باره گفته نشده و داد گاه کار خود را ادامه داد  
 چون تحقیق یافته که مدافعه را تا اول آوریل در این بیان رساندیم .  
 تطبیق از این تاریخ گذشته . تصمیم گرفتند که در داد گاه در تعطیلات  
 نوروز هم ادامه دهند . رئیس داد گاه ادامه کرد که این تصمیم برای هر دو  
 حال و سوسیه اتخاذ شده است .

اسمه فاسفی در این باره گفت

« منقلی با اینکه در بیان مطالب دین تعویلات می دانستیم  
 « امروز بر این داد گاه اوسطور اختیار شد که از این صبح از این  
 در عایت مملکتی در نظر گرفته شده است لازم است با اطلاع  
 در این نامه بود که ما همیشه از در لحاظ با این در این صبح  
 در اول آنکه این داد گاه از لحاظ شخصیت افرادی که در آن  
 در این که همیشه در این لحاظ با آن سوسیه که در سوسیه  
 دولت ایران خواهد داشت . مدافعه غیر عادی و بسیار با اهمیت است »

«است. نظر با اهمیت متعاقباً که جایز نیست در این مکان شتابزدگی»  
«روا داشته شود و احیاناً استفاده از احساسات آنی را ملاحظه»  
«عمل قرار دهند. دوم اینکه در صورتیکه منع تعطیلات عیدان»  
«لحاظ مامتهین است» ما صریحاً در معترضین دادگاه اعلام میداریم»  
«که مراعات و حفظ شعائر باستانی که عید نوروز بزرگترین آنها»  
«است برای ما بیش از مصالح خصوصی دارای اهمیت است»  
«و این ظلم فاحشی است که حتی در زندان هم مارا زیاد بود»  
«بزرگترین جشن نیاکانی خود معروم گردانند. در صورتیکه»  
«سرعت عمل تا باین اندازه در نظر بوده است باعث تعجب ماست»  
«که به آقای دادستان فقط برای تهیه بیان ادعا بیش از چهار»  
«روز فرصت داده شده است.»

هیئت حا که در حالی گروهی از بهترین فرزندان ملت را از یادبود  
عید باستانی معروم میگردد که خود ریاکارانه بدولت عراق پیمانیت منع  
تظاهرات عید نوروز اعتراض مینمود و در روزنامه اطلاعات ارگان امیر بالیستها  
در تهران برای حفظ شعائر باستانی هیاهو برپا کرده بود :

تضییقات هر روز شدیدتر میشود. کار تهدید و تخویف بجای رسیده  
که فرزانه و کیل مدافع را در یکی از دادگاههای ساختمانی نظامی محکمه  
شماره ۲ که عده دیگری از توده‌ای‌ها را محاکمه میکرد با مرئیس محکمه  
کنک زدند. در آنروز متهم بیماری را بجای آنکه بیهوشی ببرند؛ حتی  
بدون حفظ تشریفات ظاهری قانون، کسان کسان بدادگاه آورده بودند.  
فرزانه و کیل مدافع متهم بر این روش اعتراض کرده بود. حاکم نظامی  
دادگاه در جلسه رسمی محکمه در جواب این اعتراض گفته بود: قانون  
چیست؟ اینجا محکمه نظامی است. رئیس بجزم اینکه و کیل مدافع از  
قانون اسم برده است، سر باران دستور داده بود که او را در همانجا کنک  
بزنند. سر باران با سر نیزه و قنداق تفنگ صورت و پای او را شدیداً مجروح  
ساختند. معلوم است که شکایت فرزانه بجای نرسید. مجلس هم - نامه  
شکوائیه او ترتیب اثری نداد. چون طبق قانون وجود دعوی جزائی بین  
و کیل مدافع و قاضی دادگاه از مواز در قضای شناخته شده، فرزانه تقاضا کرد  
که حاکم نظامی دادگاه تعویض شود. جوابی که باین تقاضا داده شد این بود  
که فرزانه دیگر حق حضور در آن دادگاه را ندارد!

دادگاه نظامی استفاده از وسایلی را که قانون برای متهمین ممکن



داشته بود. صنایع، باستان، متهودین قانقنا کرده بودند که برای کشف حقیقت،  
شهرهای و در شاه گاه باشار کشید. قوام انماطه و کتبه مصنف و الامیر و  
اوقاف سالیان از جمله این شهر بودند. دارگاه و وجود بنا گران مگر در  
متهودین و و کتابی مدافع او نبود. این کتابی فارسی اشباع در زینت، این  
سریه داشت خاکه بود.

هیئت عالی میگویند هیئت را این که مستکن است و دو چشمه در برساند  
مستور کشد. در انجمن این مقصود از هیچ رسوایی و نظریعت در گردان زود  
در نوبت کار دادگاه مگر در نظامی دست بسلی و در که معصوم سیاسی بر  
رسوایی ها و رسوایی شکنی های گذشته امروزه سر منانه عدلی یکی از نشانیان  
بعضی دادگاه پس از بیان از همان دادستانی یکی از کلامی معصوم گناه بود  
این نشانیان و ادبی بر این معصومیت بود که پس از دست نیامده بر رسوایی دادگاه  
بسی کرده بود که سر منانه عدلی باشار است تا دشمنانیک باستان و جبهات  
مأثورین انگیزی را و سوان عدلی جرم بیان در بیرون در انجمن و از این بیان  
کارنامه گاه تا گران بر دایره قانونی بیرون هیچ چیزی از سر منانه معصوم را  
بر دانشمندی سر منانه عدلی و ا که پیش از این بر و نده در حق سر از تشاد در  
و بر سایرین او از بیان داشته برایش نشانی شد.

دانشستان در ادما نام نبود به پرونده های زیر آب و آبیان استاد  
کرده بود او مدعی بود که پرونده زیر آب و معنویات آن منجمه اشراعات  
روستای انگلرانی و نشان میسود که سر منانه عدلی در آن فصلتیم  
مسئولانه داشته است و همچنین ادعا میکند که بر انتصاب بزرگ تبر ماه  
کار گران وقت شوربا آمد بود در این انتصاب نشانی گان را و بنا و بار و داد است  
است و دانشستان بر این قسمت از ادعا نامه خود با بر شرمی نه بر آوردن از  
شر کتبه و تکیه گاه سیاسی و اقتصادی، امیر ایسوم انگلستان در میوهها  
منازع کرده و پیش از منتهزار کلر گران بر این و ا که در شراعت کلر طاعت فرما  
موسسه مشاوران انگلیسی بر حدان استشار میگویند «بخش» خوانده بود .  
متهودین در حدان روز های اول تشکیل دادگاه حاضر کرده که  
پرونده های زیر آب و آبیان بر این روشن ساختن حقیقت این بیان دادستان  
بند گاه آورده شود . ولی این کار بمرکه نامستان و از با با نش نام همیشه .  
در پرونده ساختگی زیر آب هیچ مدرکی بر علیه مرتب نموده ایران وجود  
نمایش در استان و ایسوم و آشکارا بجهت دست زده بود به همین جهت او که  
پرونده زیر آب و اصلاح نمودند است . پرونده انتصاب آبیان نشان میسود

که دست چپايشكار خداوندان انگلیسی شش گت نفت بخون کارگران مقتول آخته است. پرونده حاکی بود که استاندار خوزستان و فرماندار نظامی آبادان در اجتام این جنایت اواخر شش گت نفت را اطاعت کرده اند. پرونده شامل حکم محکومیت سرگود فاتح فرماندار نظامی و سرهنگ لقاوی رئیس شهر پائی آبادان بود. واضح بود که دادستان دروغ پرداز از آوردن این پرونده ها به محضر دادگاه امتناع خواهد کرد. تا پایان کار دادگاه متهمین بیش از بیست بار این تقاضای خود را تکرار کردند ولی هرگز پرونده های زیر آب و آبادان بروی میز دادگاه نیامد.

سه کوشش دلی برای برنشاندن حقیقت بیفایده بود. پرونده های متهمین هم چیزی در بر نداشت. آنکه بنا به اعتراف دادستان، هیئت حاکی از چند سال پیش مشغول پرونده سازی بر علیه حزب توده ایران بوده است، هنگامیکه بداندشاق آزادی پر خاست چیزی جز یک فحش نامه مبتذل در دست نداشت.

شبهه زیادی باره مستویات پرونده کتر بزدی چنین گفت:

- « پرونده آقای د کتر بزدی شامل یک پرونده و چند ورقه است. این اوراق یکی دستور توقیف ایشان از طرف « شهر پائی گن گنور است. ورقه دوم شامل تحقیقاتی است که « از آقای د کتر بزدی به عمل آمده. بعد نامه ای است که روز نامه « مردم با آقای د کتر بزدی نوشته که ایشان مقاله ای را چه بخصوصیت « زندگی اجتماعی د کتر بزدی تهیه کنند. یک اعتراض بر قرار « توقیف و دوسه برگه و کالت نامه پرونده آقای د کتر بزدی را « بیان می رسد. پرونده ایشان پرونده دیگری ضمیمه است. « تروی این پرونده نوشته شده، مربوط به بیمارستانها. با همین تر « نوشته اند: از حزب توده بدست آمده. و شاید همین جمله که « نویسنده آن معلوم نیست ما را هدایت کند که وقتی مأموریت « فرمانداری نظامی مأمورین قانونی یا بی مجوز قانونی بر حسب اینکه « این بیان را آقای دادستان بکنند یا بنده حد آرشیر حزب توده « را بهم رده اند. این پرونده را بدست آورده اند. کسی که « این پرونده را نشوایند از ظاهر اتهام که « ضدیت با سلطنت « و مشروطه است خیال میکنند که آیا چه چیزها در این پرونده « موجود است. مثلا از طرف حزب نوشته اند آقای د کتر بزدی «

« پشما با بیوریت صادر میشود و در استعمار پارسیان پناه میمانند  
 تکه‌های بگادویس و پشما بیوریت داده میشود ازین پاره‌ها آهن  
 برای منجمی کشید و ولی وقتی که پروانس را باز میکنند چشمتش  
 در پنهان است این نامه میماند ( شماره ۷۷۸ تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ )  
 در کتب یزدی بانو و آتش کج آتشار عشق استعداده کلر گرامت  
 در کرماتشاه مرشدان از تکه‌های کرمات استعداده کلر گرامت  
 « است . و وقتی که دانشمندان بدانند که ایشان را در پارسستانی  
 و تقاضای مری وزیر پارتی بود و این مطالبه کنید »

« همه شکر و گمان بود از کج دانشمندان میماندند و در این پاره‌ها  
 و تقاضای مری گفت .

و استی چه غفلان است است

ماین برزیده ما هم پیش از این چیزی غور انداختن گزارشهای  
 بطبیعی و سادار تکی در یادوستی این لغت و مقاصد بود که گمانی باز نامهای از کربل  
 آهوا امشاع میخواند . بکنی از گزارشهای مکتوبی که در این  
 گزارش است و سرالی نازم باز آورد . یک نامور آگاهی گزارش  
 بود که :

« این گزارش دکتر جودت دین سلوک در این  
 « هر گوی واقعه در خرابان تهری که دارای تابلای نام مطبوعه  
 « در کتب پیرا بودند ( خوارزمی کثر بودند ) میماندند و آمدن  
 « حرف توده کماکان ادامه داشته و بعضی ها از تهر نامور دیده  
 « آخرین نامه داده و پس از حضور از مجموع که میکی که در استی  
 « خانه واقع است و در حیاط کسب کسب شوری کرده و پس از  
 « دانشمندان از تهر از محل خارج میگرددند .

احمد قاسمی ضمن آخرین تقابح خود بر این پاره گفت :

« ملاحظه میکنید که در کتب این پاره‌ها که آتش  
 « دانشمندان یاد اطر آنها را اندام یا پاره‌ها در سینه اند سران سر  
 « توده ایران وارد شده است . اتفاقاً این گزارش از میان گزارش  
 « گزارش دیگر مورد امان نظر و قوی و نه قوی گزارش  
 « در ادیان قاسمی و بدون ادامه کلر آگاهی را بهمانه میل  
 « خوانده و به نتیجه اینطور میورده است پس کرده اند  
 « چشمه‌های کلر کشور و صورتی بجای آورده است که در

«صحت و سقم اطلاعیه برك ۷ پرونده در گذر جودت ساعت ده»  
 «و نیم ۱۲ ر ۱۳۲۷ با حضور آقای متمدنی معاون اداره»  
 «کارآگاهی محل مزبور باز دید و مشاهده گردید که در کوچه»  
 «مسعود سعد واقع در خیابان نادری تابلوی بانو پیرا جودت واقع»  
 «و خود بانو کلیمی و هیچگونه ارتباطی با دکتر حسین جودت»  
 «(متهم) ندارد و بین منزل بانوی مزبور با کنسولگری شوروی»  
 «متجاوز از صد متر فاصله و بیش از چهارخانه متعلق باشخص»  
 «دیگر واقع شده و با این وصف تصور نمیرود خانه مزبور را»  
 «کنسولگری داشته باشد. دادیار نظامی سرگرد فتحی.»  
 «معاون اداره آگاهی متمدنی.»

«آقایان قضات! خوب ملاحظه کنید که میان گزارش»  
 «کارآگاه تا حقیقت واقعه چه فاصله عظیمی است. ملاحظه»  
 «کنید که پاپوش دوزان شهر بانی در همسایگی نیر انسانی خود»  
 «تا چه درجه بی پروائی دارند. آن کسی که کمترین اثری از»  
 «وجدان بشری در او باقی است چگونه حاضر میشود با يك گردش»  
 «قلم بزرگترین اتهامات را بشارفتند برین مردم روا دارد»  
 «این گزارش دروغ ناشی از اشتباه نیست ناقابل اغماض باشد.»  
 «ممکن است کارآگاه مزبور در اثر مسامحه بانو پیرا جودت را»  
 «خواهر دکتر جودت دانسته باشد ولی چگونه ممکن است چهار»  
 «پنج خانه ای را که طبق گزارش دادیار نظامی میان خانه بانو»  
 «پیرا و کنسولگری شوروی فاصله است ندیده باشد؟ این»  
 «نیست جز سوء غرض! این نیست جز پیروی از روشی که با»  
 «محکوم شدن مختاری در پیشگاه قوه قضایی ایران محکوم»  
 «شده. کسانی که تا این حد پست شده اند که برای دریافت مبلغی»  
 «پاداش بجعل زشت ترین گزارشها و ایراد خطرناک ترین»  
 «افتراآت دست میزنند و با مرنوشت خانواده ها بازی میکنند»  
 «باید مانند حیوانات موذی در زیر پای چاهمه خورده شوند.»

«آقایان قضات! در این پرونده یکبار بر سبیل اتفاق در»  
 «صندت تحقیق گزارش برآمدند واقف باشرفین حقیقت را بر سر»  
 «دادگاه رسانید ولی هزاران بار دیگر این حسن اتفاق دومین»  
 «نیست و هزاران دروغ دیگر مانند مارگزنده دو کسین مردم»

شرایط و نحوه خوابگاه

۱۳۳۵

از روز گذشته تاکنون هر دوین ماه ۱۳۳۵ آخرین دفاع سپین شروع شد  
در آن روز همه آنها برای حضور در دادگاه بشیربانی عرضه کردند و این  
فصلنامه جدیدی نوشتند، از واهی که بیس او را گرفته بود بگزارند و  
در جلسه دادگاه حاضر شوند.

چون بعضی از این دوین ماه در صورت شوربانی او بناخ کردند و این صورت  
بر بعضی از آنها از دوین ماه مشورین پلیر و حکومت نظامی بمشورین  
مناظرین آنها را داشتند، در داخل دادگاه در تعداد سر نیزها آوردند،  
بیرا میتر سینه.

چرا بعضی ها که با سر نیزها که میخواستند خود گذاشته و با از سردانی  
که حتی در دادگاه در بعضی هم بر سمت اجازه مشورین کردن میبایست و اینکه  
و آنها داشتند و دفاع از حقوق خود میخواستند در بی داشت که سر نیزها میخواستند  
دادند و بندها را گذاشتند.

این بیم از اسبها سر نیزها میگیرند که تکره کامپای طایفه جا که پس  
نامشوار است و طایفه جا که پایدستی خود را بر آن میبندد و از روزش هر یک  
نامشوار است بر خود میبازد و او مستقیم فکاست.

۲. توبل بزور در تلی «چهره تعلق و شکست نسوی» شیب سا که  
است. (۱)

ساعت هجده روز شنبه در تلی و دست دادگاه و اعلام کرد و این مقامی  
را برای این آخرین دفاع دعوت نمود، دست درگاه و او را گوانه بود.

این مقامی از جابر حاکم پیرانده تلی را که در این مقام دست گرفت،  
به اینکه در این مقام تعلق قرار گرفت او را تلی از پرونده در این  
آورد و چونش از او میخواستند و بر او میخواستند و روشنی آینه در چشمهاش  
خوانده میباید، او میخواستند از سر دفاع کند و «لا» از این وظیفه دفاع نمیشد  
را بر سر نه داشت، او را تلی که در تلی داشت حاوی اسمانله علت آن بر آن  
بر تلی میباید جا که بود، بیات آینه بود که بگذاشته فرموده نام هر گاه آورد،  
از این پس ساخته دادگاه و در تلی او دعوت گرفت.

(۱) - ادامه مقامی آخرین دفاع

نمایندگان ملت می بسا که جلادها و زندانبانان او برداشتند. افکار مشهور  
برگزینی قضایوت نشستند و سندی آغشته بگو نهاد اشکها و انباشته از کوششها  
و آینههای ملای را بر علیه طبقه حاکمه ارائه دادند، او را متهم کردند و  
برسگرم ساختند.

احمد تقاسمی پیش از آنکه به بیان آن قسمت از دفاع عمومی که بر عهده  
او بود بپردازد گفت:

«از ماهش نفر عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران پنج نفر دفاع عمومی  
و کلی را بر عهده داریم و هر يك از ما چهار قسمت دیگر را قبول دارد و آنرا  
تأیید میکنند». باین ترتیب بداد گناه اعلام شد که اعضاء کمیته مرکزی حزب  
توده ایران بالاتر از دفاع شخصی بدفاع از نهضت بزرگ و حمتکشان ایران  
خواهند پرداخت.

احمد تقاسمی دفاع عمومی را از ادعای دادستان شروع کرد:

«وقتی که يك انسان، انسان آزاد، انسان وارسته از غرض و کینه»  
«حیرانی به موضوعات این ادعای نامعقول نظر میکند آنرا حقاً انصافاً»  
«انجام نماند میماند، ولی وقتی که از موضوعات بکلمات توجه»  
«مشهور نام دیگری نیز شنیدم بذهن می شود: فعش نامه، بسیار»  
«بنای تأسیسات که آقای دادستان بصرف عبارت پردازیهای»  
«شود و پیش از آنکه ادعایی در محضر دادگاه بشود برسد متهمینی»  
«و آنکه از لحاظ قانونی و قضائی هیچگونه سلب حیثیتی از آنها»  
«اجازه داده نشده است با صفت جاه طلب - بی مسالک خان - اجنبی -»  
«پرست و غیره مشهور میسازد و متأسفانه هنوز شخصیت و حیثیت»  
«افراد در مسالک ما ایضاً تأمین ندارد که دادگاه از این هتک»  
«حرمت بخلو گیری بردارد. البته کسیکه هیچگونه قدرت»  
«منهلی ندارد ناچار است که ادعای خود را با اینگونه کلمات»  
«نیرومند، ولی از لحاظ قانونی هر کلمه دارای وزن خاصی است»  
«در محضری که شاهین عدالت باید دره منجی کند کسیکه»  
«شود و نماینده قانونی می خواند حق ندارد کلمات نسنجیده»  
«باز بیاورد»

«آقای دادستان کلمه پست فطرت را نیز بدریغ بسرو»  
«کتاب بر نای می کشد و اگر چه این کلمه را از میان آنچه دشنامها»  
«رس گرفتند نظر باینکه توضیح مختصری درباره این دشنام در»

«مناقصت تفاوتند داد گاه میتوانند برین پایه در این دو جهت اکتفا  
 «در صورتی خواهیم کرد - بجه کسانی پس از نظر بند وجه کسانی بخواه  
 «پس از نظرات باشند - آنگاه کسی که میماند از آن کسی که در حقیقت  
 «از آن کسی که میماند در هر دو جهت آن کسی که در حقیقت مانده است  
 «توانند اذعان برین دو جهت از آنجا که میمانند که در  
 «اما آنهایی که چشم در چشم رفته اند در حقیقت و با کمال آبرو و با  
 «فرمان میمانند که سر از آنجا باشند و بگویند اینها هرگز بر آن  
 «در نخواهند آمد - هرگز بر این نمی توانند اکتفا - اعضای پنج  
 «اینواع - شکم بر ستها و انگوا الیه با آنکه در هر دو است  
 «باینر داشته باشد و در مقابل هر قسمی بگویند اینها هرگز بر آن  
 «دوای بر آن کوشنده ای که بازماند چشمه ای است از آنجا که  
 «شورگن میمانند در روزی که در ستمی میمانند  
 «آقای دادستان مدعا چهار گروه تقسیم کرده اند»

«باین تو ایست»

«در آلتین از جوانان تحصیل کرده و سواد نواح  
 «عند آن مردمانی که در ادوار - این شهری از اسماهر میماند  
 «با دوازده از اوضاع داشته اند - «عده ای پس از سواد حاصل  
 «بی مسلك که همیشه در پی امر اهری و منافع هستند و در میان  
 «ضریفی در مقابل جوانان بی سواد و بی سواد  
 «با یک سواد در راه فریک از این آن امانت آید و در آنجا  
 «توطیع میدهم»

«در دادستان میگوید آلتین از جوانان تحصیل کرده  
 «در سواد نواح در هر دو جهت این از برداند - در حقیقت  
 «حقیقت شهری است که آقای دادستان نیز میمانند و در  
 «جوانان تحصیل کرده را بر سر میمانند و آن انگوا که در  
 «حقیقت را با درگاه اقلیت و سواد نواح - در سواد  
 «است آنرا میمانند - اما سواد کسانی که بر هر یک از اینها  
 «حقیقت مذکور از هر دو جهت ایران که در این و در سواد  
 «همین خصوصیت آنها نشان میدهد - کسی که جوانان تحصیل  
 «کرده خصوصیت آنها را از آن بود و از آن جهت در آن

« کرده از آنها پشتیبانی مینمودند . . . برای اینکه بی مایگی »  
« ادعای آقای دادستان را مشاهده کنیم لازم نیست زیاد دور »  
« برویم ، هم اکنون کسانی که بنمایندگی روشنفکران مبارز ایران »  
« بر روی نیمکت اتهام نشسته اند سوابق تحصیلی و مدارج علمی »  
« آنها حتی بشهادت مقامات هیئت حا که از درخشانترین سوابق »  
« و عالی ترین مدارج است . اگر اینها بیستی تن داده و حاضر »  
« بفروش خود شده بودند یقیناً از آقای دادستان گرانتر خریده »  
« میشدند ، اما کسانی که امروز بر نیمکت اتهام نشسته اند این راء »  
« آسان را که هیئت حا که ، خائن تر اش با هزار انگشت با آنها نشان »  
« میداد در پیش نگرفته و ارزش بشری را مازوق این آلودگی »  
« دانستند ، حتماً از همین جهت است که شما آنها را ساده لوح مینامید ، »  
« حق دارید آقای دادستان محیط آلوده هیئت حا که ، کسانی که »  
« هم رنگ محیط نمیشوند و مافوق اجنبی زارها قرار میگیرند و در »  
« راه حق و حقیقت ، بهر شکنجه و عذاب بی تن میدهند ساده لوح مینامند »  
« هر که این الوقت نیست ساده لوح است ، هر که نان بشرخ روز نمی »  
« خورد ساده لوح است ، هر که بشیوه ((جهان بینی گان)) انبان »  
« دروغ بردوش ندارد ساده لوح است . این سادگی بر ما و آفت »  
« جهان بینی گمی بر شما ارزانی باد .»

« ۲- آقای دادستان میگوید حزب توده ایران را یک »  
« عده از مردمانی که در ادوار سابق بنحوی از انحصار رنجش و »  
« ناراضیاتی از اوضاع داشته اند ، تشکیل میدادند ، ولی لازم بود »  
« آقای دادستان جمله بنحوی از انحصار را تفسیر میکرد ، اکثریت »  
« ملت ایران همگی بیک نحو و از یک جهت از دوره سابق دلخوتند که »  
« عیار تست از ظلم و ستم بی پایان آن دوره ، در دوره بیست ساله ژاندارم »  
« غارتگر شکایتی نداشت . پلیس با پوش ساز آسوده خاطر بود ، »  
« مأمور املاک از شادی در پوست نمیگنجد . جلاد آدمکش در »  
« ایمنی بسر میبرد . آن کسانی هم که بعلمت و سمعت میدان غارتگری »  
« مورد بدگمانی دیکتاتور واقع شدند و چندی از اوج سروری به »  
« روز گار توده مردم افتادند اینک همگی در صف هیئت حا که و عمال »  
« دوره بیست ساله قرار دارند ، فتووال زادگان ایران نیز امروز »  
« هیچ یک در جناح ملت نیستند اینگونه ناراضیان دوره بیست ساله »





«اربابان خود مشغول شدند. هیچ بوقلمونی باندازه گیاده»  
«کشاکش سیاست ایران رنگ عوض نکرده است. بر عکس»  
«آنکه از اول يك سخن گفت و بر سر آن سخن ایستاد، آنکه»  
«طوفان حوادث را بیازی گرفت و امواج محن و بلا را درهم»  
«شکست حزب توده ایران بود. اگر دشمنان ما تعداد زجر»  
«دیدها، حبس رفته‌ها، تبعید شده‌ها و کشته‌های حزب توده ایران را»  
«بشمارند خواهند دید که حتی از دروغها و نهمتهای هیئت حاکمه»  
«نیز افزون است. بگذارید آقای دادستان تهمتی بر نهمتهای»  
«دیگر بیفزایید. ما قضاوت را بهات ایران واگذار میکنیم.»  
«ع- آقای دادستان طعنه میزند که یکمده عوام بی اطلاع»  
«حزب توده ایران را تشکیل میدهند.»  
«اگر مقصود وی اشاره با کثرت ملت ایران است که»  
«در سایه حکومت جا برانه این هیئت حاکمه از نعمت دانش و»  
«فرهنگ محروم مانده ما از این توده هر قدر عوام و بی اطلاع»  
«باشد دوری نمیجوئیم.»  
«بی اطلاعی توده های مردم گناه آنها و ما نیست»  
«بلکه نتیجه جنایت آنهایی است که بیداری و هشیاری ملت را»  
«با هزاران دسیسه جلو گیری میکنند. مبارزان حزب توده»  
«ایران بجای اینکه در کاخهای مجلل بیارمند و بجای اینکه از»  
«ربالای بالکن بر تفتن عالم نمایی بر توده های محروم تفت تعقیب»  
«بیندازند در دورترین نواحی و در تار يك ترین نقاط وطن ما»  
«بسرای مردم فراموش شده رفته با آنها از حقوق بشری سخن»  
«گفته و آنقدر که حملات ارتجاعی هیئت حاکمه اجازه داد»  
«روزنی از دنیای جدید بر روی آنها گشودند. از این جهت»  
«توده های محروم این کشور که شما بنام عوام و بی اطلاع از»  
«آنها یاد میکنید حزب توده ایران را بعنوان یگانه پشتیبان»  
«یگانه رهبر و مصلح خویش شناختند و این افتخاری برای حزب»  
«توده ایران است که توانست هشیارترین و بیدارترین آنها را»  
«در سازمان خود متشکل گرداند. بگذارید آقای دادستان از»  
«اکثريت زحمتکش این مملکت بعنوان يك توده قابل تعقیب»  
«و بی اهمیت یاد کنند. قضاوت آخرین با محکمه تاریخ»

## داستان

سپس قلمی بر دامنهای بی اساس دامنستان برداشت و نوشتن هاشمی از گزارشهای یابری را که مدتهاست از عیالها بر رویه گداورانه داد آنگاه کتاب از سپهر روانی تنظیم کنندگان ادعاینامه برداشت.

او در این باره گفت:

«بر او ایسکه برداد گاه روشن نمود که این داستانها به «از طرف به اشخاص و به مقاماتی تنظیم شده است و نیز برای «استعمار ملت ایران است و تئوریک که گرض باین مسکله برده در ضمیمه را لازم میدانم.»

«در قرض این چند سال در چند دوره مروج نمیشد آزادی که این از قهری یابری است که سالها مضامین بسیار از یک سو و گریه و زاری از سوی دیگر در مجله قلم عسای از یابری ستودار این نوعیه است و که همیشه در دست قهرت قرار دارند و خود را در حواشی ارضت «آزادی ایران» میخوانند و از طرف دیگر اختلافاتی که در میان «سایه های حیات» است که اینست موجود بود عسای از آبانرا «این داستان بوسی آزادیخواهان انداخته این اشخاص که «همچو گاه شکستهای مبارزین و افسی را نمیتوانستند داشته باشند» «رومرو سزا که از جوانب منافع عمومی خودشان «تورقیب» «بر شدند» با انقلابی مآبین و تند رویی های غیر معطوفی بین داخترده «بالتبعه و کیفیت سولات خرمین از تنجیح به آزادی ایران روی» «داد آنها با شانزده گن و سرامیستکی بوقت زنده و یا ششم و «کین به فواید بر او است جمله برداشته و برای ایسکه توبه خود» «را از نظار آزادی ثابت کنند و این مورد بر از صف جلوه «افغانده» شیرین کاری کردند و عاقلان را خنای آزادی را با آب» «کیمه حیوانی خویش تابیدند» «تا از گاشته دور آفتاب دامنستان» «تصمیمت نیکویم» «میگوشد ایشان حضور داد گسری بودند و «بسات عام صحبت عمل از آنجا را نند شدند» «میگویند ایشانرا» «تیسار روزم آزاد با درجه ستوان بیگونی برده از اش کردند و ای» «اما باین گفتن ها کاری نداریم» «چیزی که مسلم است آفتاب» «دزدانستان در زدنایی که سر لشکر توتم و قوس عتاد او اش بود» «از کاری کتاب» «و در برای سر کار آفتاب سر لشکر روزم آزادیخواهان»

«میکرد»

«در این دوره نهضت آزادی ایران نیز با آقای ارفم»  
 «بلت عملیات غیرقانونی او در مبارزه بود و بالطبع آقای سپهبد»  
 «رزم آراء و طرفدار ایشان آقای مهتدی بجانب این نهضت»  
 «گرایش نشان میدادند.»

«آقای مهتدی مأموریت داشت که در معاضد آزادی-»  
 «خواهان نفوذ نموده نظر آنها را با آقای سرلشکر رزم آراء»  
 «معطوف گرداند. در این موقع یکی از جراید چاپ نمای تهران»  
 «روزنامه داریا بود که ارگان حزب آزادی شد و آقای مهتدی»  
 «نویسنده باین روزنامه پیوست و عضو حزب آزادی شد...»

دادستان احساس میکرد که محاکمه او آغاز شده فرزندان شایسته  
 ملت ، در جایگاهی که همه قدرت در دست اوست ، بشیروی حقیقت و منطق  
 شریک شکست را در کادش خواهند ریخت . احساس این تلخی برای کسیکه  
 هنگام بیان ادعا با هزاران دشنام باد در گلو انداخته بود آزار دهنده و تحمل  
 ناپذیر بود . مهتدی از رسوائی نمیترسید ، از بی آبرویی ننگ نداشت . او  
 میترسید درد آتشی که فروخته پیش از همه بچشم خودش برود. او بیمناک  
 بود که صدای حقیقت از میان سرنیزه ها بگذرد و از معیض محدود دادگاه  
 بیرون بیاید . باد آوری گذشته ها مخالفین سابق او را بان کنونیش را  
 بر او خشمگین سازد و نردبانی که با فروختن همه خصایص يك انسان شرافتمند  
 بچنگ آمده از زیر پایش کشیده شود . مهتدی برای کتمان حقایق دست  
 بکوشش پیهوده ای زد ، شتابزده و بدون کسب اجازه کلام قاسمی را قطع  
 کرد و مثل جنایتکاری که از سیاهی درویش بیش از همه میترسد گفت :

«از اتهامات دفاع کنید وارد خصوصیات نشوید!»

با هزار اشاره رئیس دادگاه را وادار کرد که از او پشتیبانی  
 کند . ولی همه چیز نشان میداد که طرف محکوم است و حتی قدرت ته کم  
 هم از او سلب شده .

قاسمی دادستان را بجای خود نشان و رئیس دادگاه را وادار بسکوت  
 کرد . او گفت :

«چرا آقای دادستان ناگهان دستپاچه شد؟ او که آنهمه»

«دشنام داد چرا تحمل شمیم حقیقت را ندارد؟»

«ما با آقای علی اکبر مهتدی نویسنده روزنامه داریا»

«آقای سرهنگ مهتری دادستان نظامی کار داریم اما کجایی ؟  
 » «نعمت منم که از خود دفاع کنیم ، ما قلاب از چپ ، کلاهکرازی ؟  
 » «بر خواهم داشت و سرشکویال را به دولت خواهیم نشان داد ،  
 و خوب است که آقای دادستان اینبار سوار زدگنی نشکند ، ما  
 تابانوارا بشکیدی دعوت میکنیم »

فلسفی به بیان دفاع ادامه داد ، قسمتی از مقالات عفرای نیز عمومی  
 و از روزنامه دایو تراکت کرد ، در آن مقالات علی اکبر مهتری دوم  
 و همکار سرانگهی رژیم آزاد قانون اساسی را لغو میکنند ، و بعد از آن  
 میکنند ، آنکه هر آدمی مانده حزب بوده ایران را با مسئولیت خوانند  
 در آن امران متهم ساخته بود سرانگهی از هم را مسئول خوانند و بعد از آن  
 در آن امران را تکیه بدی رفته ارتش و سر و زدن از سرش میمانند  
 دولت بود که قانون دایو سرانگهی که دادگاه تنظیم شده بود می شود  
 آورد میگرد که هیئت آذربایجان بهضد ملی و ضد کرات است می نوشت  
 که هیئت دمو کراتهای آذربایجان برای از میان برداشتن نظام و سرور  
 کسانی که خون مردم را میگردانند بوجود آمده ، کشورشان سلطان روسی  
 وجود شاه را زائله میسرده ، از تشکیل کابینه اصلاحی و شرکت و در رای  
 نوبتهای دوقوات ایران شرف و امین آری میگرد ...

ولی همیشه باز زود و مراد رسید ، همیشه همردیند میتوان زدیم  
 اخراج شده با توجه همردیف سرانگهی مقام دادستانی ارتش و الحراز کرده  
 میباشد نوشت آزادی ایران در برابر هجوم و مشرک از تصاحب موقعا عقب  
 نشسته ، عاجز نوز شد و سرهنگ مهتری تنظیم اعلامیه بر علیه سران  
 حزب توده ایران و در هم ساخته نوشتی که روزی بر آستان آید و بنام  
 میساید یونایت ،

سرهنگ مهتری از قاضی شدن مشایق نواز است و مضطرب بود ، از  
 رئیس دادگاه تقاضا کرد که زودتر جلسه را بعنوان تقاضای تمام کند ، ولی  
 که تقاضی داده شد کسیکه آرمه تمام داده بود نامزدانه گریخت و کتر  
 کیانوری گفت :

«آقای سرهنگ شریف داعیه نباید ، هنوز ایشما نکره

» «داریم ؟»

شبه کشیدند و بر موافق کوری که آبی درین شهره شوریده اند  
 لایحه استواران رسید

احمد قاسمی در پایان این قسمت از دفاع عمومی گفت :

« آقایان دادستان ! این است هویت آن کسی که »  
« امروز بنام دادستان بر ضد ما دعوی میکند . حقیقت اینست که »  
« چون قوای ارتجاعی چیره گردید و در اثر تحولاتی نهضت »  
« دموکراتیک ایران تضعیف شد آقای دادستان و امثال ایشان »  
« بدو جهت با آزادیخواهان ایران با کینه بی حساب حمله ور گشتند : »  
« یکی از آن جهت که سابقه خویش را بیوشانند و دیگر از این »  
« جهت که با خبران از سابقه خویش را نابود گردانند . گشتار »  
« بیدریشی که در وقایع آذر ۱۳۲۵ بعمل آمد عطف به هیئت »  
« دو جهت بود . چه بسیاری از بیگناهان که بدون هیچ معصا که ای »  
« بقتل رسیدند و چه بسیار از آنها که با امید دروغین عفو زبان »  
« از گشتار فرو بستند و اسرار فراوانی را با خود بگور بردند . »  
« سرعتی که در اعدام افسران فراری بکار رفت موجب شگفتی »  
« همگان گردید ولی همگان نیز دانستند که آن افسران قربانی »  
« اسراری گشتند که در سینه داشتند . کسانی که در جناح مخالف »  
« ارضه و باند او در ارتش قرار گرفته و بفرار افسران کمک کرده »  
« و در روزنامه ها سند بدست داده بودند اینک لازم داشتند که »  
« سرپوش بر اعمال گذشته بگذارند . عجا که کنونی نیز یکی از »  
« آن وسائل سرپوش گذاری است . مقامات ارتش میخواهند »  
« با حمله بعزب توده ایران و در قید کردی رهبران و فعالین آن »  
« سابقه مذاکرات و ملاقاتهای خود را با این حزب مسکوت »  
« بگذارند . متأسفانه ما را در زندان از تهیه وسائل دفاع محروم »  
« کردند و از این جهت مجبوریم از اسناد فراوانی که در دست »  
« حزب توده بوده است بنا کر سند ذیل اکتفا کنیم . این نامه »  
« بخط و امضای آقای سر لشکر رزم آراء رئیس ستاد ارتش »  
« است : »

« حاجی علی رزم آراء . سرهنگ افسر از موقم ورود »  
« ستاد ارتش و شروع بکار ملاحظه کردم که گزارشاتی نسبت »  
« باعمال شما مرتباً رسیده و انتقاداتی نسبت بکارهای نظامی شما »  
« میشود . حتی در بعضی روزنامه ها و اوراق منتشره بشما حملاتی »  
« شده و باعث رنجش و کدورت شما را فراهم نموده بود . من »  
« درصدد رسیدگی و تحقیق حقایق امر بودم تا آقای قاسمی را »

«مفاد آن بوده و در ستانه از ایشان و سایر اطلاعاتی که در دسترس  
 «آن روز» این قسم فریبم که شما نباید در امور دولت  
 «بگیرید نظامی صحت و شایسته و بیسابقه مشتک بوده و آن فریب  
 «مفاد یعنی که آنرا بر آن است که این سوزان است در نظر اندازی  
 «چون قلمبر را در این روشن آمده و روی سوره نبوت و سوره نظریه  
 «شده لذا از آقای قاسمی خواهش کردم که در موضوع امر است  
 «تنگرگان شمارا با لاف و آن گفت: را هم از جهت تکلیف بشمار  
 «با رسانده در ضمن با جنابعالی نسبت با مشکلات و مشکلاتی که  
 «دارند صحبت نمائید. همیشه اشخاص همیشه در این مشکلات  
 «را با سبب نظر بر روی حل کرده هر گونه مانع را از پذیرش  
 «مراحمه داشت. حال جنابعالی هم ایستای با آقایان شما کرده و  
 «آنچه مقصود است در موفقی کردن این اختلاف اقدام می نماید  
 «مأموریت شما سانه و هیچگونه افزودگی جزئی و سیاسی ندارند  
 «دوستان ما در ایجاد نظم و انتظام و برقراری آرامش در آن  
 «اصحاح بود. آقایان هم با سبب با چشم انداز نمی این مأموریت  
 «نگاه کرد و باشما آنچه در قدرت دارند کمک نمائید. شما هم  
 «دیدید. > آقایان دارای جزئی و سیاسی بودند زیرا که سیاسی  
 «شود دارای اصول و اصولی هستند و شما نباید بپوشید. چه  
 «دیگر که باید و یا بنام قبایلی اشخاص یا مستحبات اقدام  
 «نمائید بلکه با سبب فرماندهان نظامی بر طرفانه با در نظر  
 «گرفتن مأموریت اصلی خود از روی کمال بینظیری و بینظیری کار  
 «نمائید. امیدوارم پس از این ملاقات رفیق شود و تقاضای  
 «دشمن و شما در انجام مأموریت نظامی خود موفق شوید  
 «آقایان فضیلت محترم شهرت مأموریت و مسئولیت شما  
 «در روز ۱۳۳۱ سیاسی خود سعی می نمایند. - (روز ۱۳۳۱)  
 «امروز هم آقای سرلشکر درم آرا رتیر مناسبت  
 «دارند و با تهیهات ایشان است که سیاحت کنونی نیست. چه می تواند  
 «ایران انجام بگیرد. ما که امروز بعزت فراموش نیست خود  
 «بماندگان چنانی نظامی کشانده شده ایم. ما در کسانی هستیم  
 «که آقای سرلشکر درم آرا در پایان نامه خویش مؤید بود  
 «دوستان در کمی سیاسی آرزو کرده اند آقای درم آرا را با این آقای  
 «در میان برداشتن مأموریت های دانش مرنا که افطسی با مرتب بوده»

«ایران گردانیدند. اگر حزب توده ایران هم‌نهایت غیر قانونی داشت»  
«چگونه رئیس ستاد ارتش برای تأیید آن حزب دعا می‌کرد و این»  
«همه راه‌سازش با او در پیش می‌گرفت؟»

«خلاصه می‌کنیم: اینست ادعای نامه از طرف گروهی»  
«تنظیم شده است که بنام بیطرفی سیاسی بهر رنگ سیاسی در»  
«آمده و بارها به حزب توده ایران گریخته‌ها کرده‌اند و اینک»  
«زجر و شکنجه دادن ما را از یکطرف نشانه توبه از طرف دیگر»  
«وسيله پوشاندن اسرار خود قرار داده‌اند. ممکن است امروز»  
«موقتاً پیروزی داشته باشند ولی تاریخ پرده در بزودی اغراق»  
«آنها را بر ملا خواهد ساخت.»

قسمت دوم دفاع عمومی مربوط به ملل پیدایش و نقش تاریخی حزب  
توده ایرانست. بود. ولی پیش از آن لازم بود که خلاصه ای از تاریخ  
مبارزات طبقاتی و عوامل محرکه تاریخ بیان شود، انقلاب مشروطیت  
ایران از نظر جهان بینی علمی قرن مائتعلیل گردد و واقعیت دوران دیکتاتوری  
بیست ساله نمایانده شود. این قسمت از دفاع عمومی هم تا پایان انقلاب  
ایران برعهده احمد قاسمی بود. قاسمی در مقدمه این قسمت گفت:

«معا که ای که امروز بنام موضوعات تازه ای آغاز»  
«می‌گردد در حقیقت دنباله عصبی که ای است که در ۵ سال پیش»  
«در روزگار ظلمانی دیکتاتوری برای محکوم کردن دکتر تقی»  
«ارانی و یاران او تشکیل شد. در آن روز عده ای از کارگران»  
«و روشنفکران که بقول دکتر تقی ارانی در محیط ایران نظیر»  
«آنها را با چراغ باید جستجو کرد. با تهمات داشتن یک عقیده»  
«اجتماعی به محکمه جنائی که محفل می‌گامه قاتلها بزدنها و»  
«راهزنهاست دعوت شده بودند. امروز نیز جمعی از استادان»  
«دانشگاه، نویسندگان هنرمندان قضات و کارگران با اشرف»  
«بجرم اینکه به ساد محیط پشت پا زده و مال و جان خود را در»  
«مدت هفت سال در راه بیدار کردن ملت فدا کرده اند از طرف»  
«محکمه ای که بنام تنبیه شروازان و چاقو کشان تشکیل شده»  
«است پهای مین معا که کشانده شده‌اند. در آن روز کسانی که»  
«برای خوش آمد دیکتاتور بر اهزنی علم و دانش می‌پرداختند»  
«چنین می‌پنداشتند که زمانه را بازنجیر کردن هوشیاران زمانه»



«میتوان از سر کمر بارداشت و ایات آسمانیها را نادانسان داد گاده  
 «را بشکال معادله نوی قانونی برانداخته اند هنوز در گام اول»  
 «توسیع مشاوره و از آنجا که با سه گام کردن ما بسیار خود پرورزی»  
 «علاوه بر شایسته و ایران میباید غیر ممکن بود بلکه ما دسترس نیست  
 «توسیع در میان ما کسانی هستند که در آن روز میفرمایند که  
 «بر روی نیکوکاران و سستی و آنکه با خود خندانند بیکانطور  
 «در فضا، بهنگام انسانی شده و در این امر بجای ظاهر و صاف  
 «در بالای مرتبها پیش کت آمده بود بپزیدند بود دروغین بود  
 «رنگها و صافند حسن و زجر و نیند آنها در سبب تازه او  
 «داد و در اولین درستی که در کنار ملت قرار گرفته و طبقه  
 «توسیع و تقرب خود را با اشیا تازه دنبال کردند خود نگاه  
 «و از دستهای ریخته شده ثمرات تازه ای دادند بجای  
 «در پیچان و دستها و صافها هزار نفر بستند از آن  
 «توسیع شد، تعداد توهمین و آنگاه افزایش خود گاه  
 «تا آنروز از تصایح ایران بدو اهدا همای را اینجا گاه  
 «بگفتند باید معجزه ای بپوشای ایران استیلا شد»  
 «توسیع نکرد عرصه با این تفاوت که از تصایح ایران و صاف  
 «توسیع و نه دنیا میبگند در آن نقطه اول قرار ندارند. دنیا  
 «توسیع فاشیم و با کوشش فداکارانه ای از برای در آوردن  
 «توسیع هیچ صافت را به ملت ما نرود داده است. ملت ایران  
 «توسیع از حال زمین گرمی بیرون آمده و بر ناسته و بر آن نجات خود  
 «توسیع شده است. پایه های ارتجاع ایران به از انحطاط داخلی و  
 «توسیع از انحطاط بین المللی روست و در جهت بزرگی این پارادایم  
 «توسیع از پای در خود اهدا آتش امروز از تصایح ایران و صاف  
 «توسیع است. نتیجه که صاف ما باشد صاف و کت ایران  
 «توسیع برای صاف کوتاه در دیوارهای صاف. با همان صاف  
 «توسیع معجزه باشد امروز صاف ایران بر صاف بهتر از صاف  
 «توسیع تفاوت میانک و پیش از آنکه در صاف این معجزه  
 «توسیع خود را اعلام داد و صاف خود را هم در بار صاف  
 «توسیع در بار داد که اعلام کرده است. قدرت تفکر و صاف  
 «توسیع نمایان اخیر بر صاف که حکومت نظامی و روز نامه»

« اطلاعات آرگان که مقامات ژوروفلدی است مجبوراند هر روز ،  
 « بامیدگمراه کردن افکار عمومی اعلامیه جدیدی صادر کنند .  
 « مبارزه های اهمیت حاکمه در پیشمی دارد محدود بود بهمان  
 « نوع محیط ژوندان و محکمه نیست بلکه شامل کلیه ملت  
 « زحمتکش ایران و گسترده در سراسر خائش و طاقان است .  
 « این مبارزه مبارزه امروزی نیست - باد کتر ازانی شروع  
 « نشده و باما ختم نخواهد شد . ما بدعتی بدنییا بیاورده ایم ،  
 « مبارزه سنت دنیاست . از همان روز که بشر در عرصه جهان  
 « ظاهر شد با عوامل مخالف و سرکش طبیعت دست و پنجه نرم  
 « کرد و دست و پنجه امروز او نتیجه و بادگار همان کشا کش  
 « است و از روزی که در اجتماع بشری انسان ستمکش استعمار  
 « کننده و استعمار شونده بظهور رسید مبارزات اجتماعی نیز  
 « آغاز گردید . »

سپس قاسمی بیان طرحی کلی از انوار زندگی اجتماعی بشر  
 پرداخت و خصوصیات دوران های بردگی ، فئودالیسم و سرمایه داری را بیان  
 کرد . از این پس صحنه دادگاه باز هم برای اثبات محکومیت طبقه حاکمه  
 بکلاس درس تبدیل شد . قاسمی از دوران بردگی و مبارزه میان بردگان  
 و برده داران سخن بیان آورد . از شکنجه های هولناکی که بر بردگان  
 روا میداشتند ، از کار اجباری و طاقت فرسای آنها ، از تضادهای اجتماع  
 بردگی ، از قیام های شجاعانه بردگان ، از کشتار های بیرحمانه برده داران  
 و بالاخره از نابودی رژیم بردگی ، علی رغم تلاش های صاحبان برده گفتگو  
 کرد . از مبارزات آن دوران قیام دلیرانه اسپارتا کوس و بردگان روم قدیم  
 را مثال آورد و انتقام عادلانه اسپارتا کوس را از برده داران بهیمنت  
 حاکمه گوشزد نمود :

« اسپارتا کوس بهر يك از خداوند گارانیکه در جنگ  
 « اسپیر میشنند يك درس بر فایده میداد . یعنی با آنها رفتاری  
 « را که با غلامان داشتند تکرار میکرد . یعنی آنها را در میانهای  
 « عمومی بچنگ با درندگان وادار مینمود تا آن مردم کرخ شده  
 « لااقل در آخرین لحظات زندگی حس کنند که شکنجه با بدن  
 « انسان چه میکند لااقل بفهمند که در مدت عمر خویش چه بروز  
 « افراد بشر میآورده اند و خوب بفهمند که اگر آن موقعیت اجتماعی »

« که بزور اسوار کرده اند و مردم از اجتناب آن یاد بردند و  
 در آن زمان به نروآلیا جلب شوونیان به اجاره زبون و نامواشته  
 تا این حال اسپس تا کوس اسوز هم میواند برای کسانی که یاد  
 « شد تری و بر اعصاب و پا که با سنگه شان از برجهای تری و  
 « مینگره در آن مری بافت و پلان پا که سردیگر از من آورند»  
 « پیش از آنکه بر شود آنها میانه می کنند »

« سپس زایم شود الویسو که در غروب در آن بردگی خلاص نمود مورد  
 بدت قرار گرفت . تکمیل از آن تولد و بدای استشار و بالتیجه داد مبارزه  
 « این استشار کنگه گین و استشار خواندگان و غنوسیان اسوزیم تشکیم  
 های رفته آور و بعدا گمان هولناک این دوران بران شد و با چند مانی از  
 « و شد و نیم موجود در سادگت مامور دنا به قرار گرفت »

« اگر دوره فکودالیت را بتوانیم تشبیه کنیم بحال  
 « کنونی ما شباهت بسیار دارد . در کشور ما نیز از پیش بزرگت  
 « در دست همه مشرفی است که چون در واسط ساسلی و تجرفی و  
 « در کشور ما وسیع نیست همین که در ظرو خود نوعی از  
 « استقلال وجود مصلحتی دارند . قانون عبارت از آزاده آنها  
 « حق قانون منحصرا با آنهاست . حکومت من گزی با بیودما  
 « دولت را غریب میداند که پس از مشروطیت در دوره حکومت  
 « قدرت ساله توانی بگمانی برای کلبه تمام کشور و در مشروطیت  
 « نیست و این ادعا فقط بروی کاغذ صحیح است . در قاطره  
 « که این مانکن بزرگت حکومت میکاستانون حتی فکودالیت  
 « کدام رئیس دادگستری انجام رئیس شهر یا تری کدام رئیس  
 « اقتصاد است که بتواند در خلاف آزاده فکودالیهای ایران  
 « زیادهای دست بیاد قانون در این تمام باید بپذیرد . بیوفایی  
 « اضطراب شود که از هر موردی که ما امروز فکودالیها نشان  
 « هستند قابل بیور باشد . عمل دولت برای ورود به  
 « آنچه فرمانروایی فکودالی باید قبلا از برای آنها بگذرد  
 « فکودالیها مثلطور که بارها در جای آزادبغراه بسته شده  
 « مشرف پرواندهایی که در پایگانی دادگستریها که ما امروز  
 « قلمرو خویش در آن معرجهای خاص و آلا در هر و شکنجه اند  
 « در هر مقامی که زبان باعتراف ما کند آورد و سیه پالیا حفظه

« میکنند . کدام دهقان ایرانی میتواند از قلمرو ارباب بگریزد ؟  
« از بابها همه با هم متحدند و با کمال قساوت مخالفان مشترک »  
« خویش را سر کوبی میدهند . ما در ایران در دوره ای زندگی  
« میکنیم که دنیا قرنهاست آنرا پشت سر گذاشته است . دو  
« دوره افتودالیته دهقانها در اسفنا کتر یون وضعیتها بسر  
« میبردند خانه آنها مانند غار و در عین حال اغل گوسفندانی  
« بود . خوراک آنها ریشه درختان بود لباسی جز پارچه های  
« چرک آلود نداشتند . از این حیث نیز وجهه مشابهت بسیاری  
« میان آنها و دهقانان امروز ما دیده میشود همانطور که در کتر  
« تقی ارانی در دفاعیه خود توضیح داد قضاوت میان سنوور و -  
« سرف باین طریق بعمل میآید که سنوور سوار بر اسب با زره و  
« کلاه خود و نیزه و تیر و کمان از یکطرف و سرف با تن برهنه  
« و پای پیاده و دست خالی از طرف دیگر وارد میدان میشوند .  
« و با هم نبرد میکنند تا هر که فائق شد حق بجانب او باشد  
« ولی بدیهی است که باین تدارکات همیشه حق بطرفی بود که  
« همه گونه وسایل دفاع داشت و بالاخره نعل سرف را بتواند  
« منگوم از میدان بدر میبردند .

« در اینجا اجازه میخواهیم توجه دادرسان منگوم را  
« شباهت آن حاکم قروبن و سغنائی با منگوم حاضر جلب  
« نمایم . در منگوم ما نیز هیئت حاکمه که بوسیله امیر یا ایسم  
« تا این دندان مسلح شده است ، با زره نامی مز دور ، با  
« رادیوی تهران در یکطرف و ما با دست بسته و قلم  
« شکسته ، بگردن از توده های مردم که تکیه گاه ما هستند  
« در طرفی دیگر قرار داریم ما دو طرفی را باین دو  
« وضعیت نامتساوی و مختلف برای مقابله در محکمه حاضر  
« آورده اند تا هیئت حاکمه بتواند از مسابقه پیروز  
« بیرون آید . ولی حساب غلط اینجا است که در این  
« گاه تر از او فقط ما نیستیم . ملت ایران باهات و این  
« وزنه سنگینی که هیچ چیز ادعای ابرایی آنرا نمیتواند  
« داشته باشد در دهه حال ما را برتری میدهد .  
« همیشه هیئت حاکمه منگامیکه طبقه خود را از

و بعد از آن درین معسومیت حسن میگویم و آنکه کسی را در دولت  
 و این خودی من بند کنگ راوی بر سر زدن و اقیانوس حیات در وقت  
 و میراث و اکتیه باشد کار را معسومیت میماند که آنان نیز از  
 « کوری استعجاب نمایند . از اینجهاست که حیات ما که از بهر  
 فریادش مردمان را در پیج میرسد و با هموار میگویند کوری به اقیانوس  
 « آنها میرد از در در دوره خود البته بر سر میورد میگویند به هم  
 و و کوری پس نظیر بر داشته . این مبارزه فروری نام مذهب و  
 نامست کشید از این راه و آن خود دو جانوری از ملک در آن  
 باز برگ و هوای و انصار بنیاد است . ما که بر دست و مذهب در  
 دست آنها مذهب و سینه آن برای استراحت حکومت استوار  
 در دستگیر میسوزد . هر فکر نوی که به خاطر نامیر سینه  
 در در طرف مذهب نامیر تاثیر داشت و ممکن بود برای اتمام  
 « کوری خود البته زبان نفس باشد از طرف روسان و زبان  
 در عنوان « مذهب و ایمت و هر کس زبان ظاهر میگرد  
 و پیش از این و پیش از این معسومانها مانند مثلا شریک  
 در معسومیت معسوم بر گشته . در دوره خود البته زبان حد اکتی  
 « نگردد و به قطع اعمال اشخاص بلکه نیت و اندک آنگار  
 « نیز مورد تمسخر از دادند و برای او مظلوم را طرفه کشید آن  
 « تا آن معسوم ای نام انگور بیرون « گفتش عیان بود وجود آمده  
 « که نامور گزشت در وجهان است اشخاص بود . این معسوم  
 « در مدت ۱۸ ساله ۱۰۲۱۰ هر را معسومین ۱۸۶۰ نفر داشته  
 « در ۱۸۶۳ و ۱۸۶۷ هر را بنفویان دیگر معسومین کرد . کالیله  
 « از طرف بانوان این معسومه بود که بدست دفاع از بشریت کرد  
 « فریب معسومیت . و چون وزیر گردید . داشت ما که مذهب  
 « که میخواست بر وضع اجتماعی را ثابت نگاهدارد لازم داشت  
 « که همه چیز منی فکر از هر که باز ایستاد . امادین کالیله  
 « کالیله را مانند هائیک بسوزد . همیشه ما که زده . زمانه فریاد  
 « کرد که موجود اینجه . معسومان برای گناه بان « ناموجود اینجه  
 « در روز و کلاه خودها . ناموجود اینجه . سر لیره مذهب شکاف  
 « که برای بانو گیر و از تله لوس کشید و است کالیله  
 « فکر میگویند از موی بر پهرند . دنیا در سر گشت است .

«در تسول است و طبقات محکوم بنما روز بروز بپرتگاه نابودی»  
 «زردیک میشوند. چه شباهت عظیمی میان آن محکمه ها»  
 «و محکمه امروز ما موجود است. قرینها از عهد»  
 «گناهیله میگذرد و هیئت حاکمه ایران و حاکمه اورا تجدید»  
 «مینمایند در دادگاه حاضر عده ای که میخواهند فکر کنند»  
 «میخواهند خدمتگذار عالم باشند، عده ای از روشنفکران»  
 «و دانشوران و کارگران بنگاه خواندن و فهمیدن به»  
 «محاکمه دعوت شده اند. ( این مرد گناهکار است»  
 «زیرا که خواسته است فکر کند) این محکمه، است که»  
 «هیئت حاکمه در خطاب بها تکرار میکنند...»

تکامل ابزار تولید، بوجود آمدن طبقات جدید بورژوازی و کارگر  
 صنعتی در اجتماع فئودالیت، تشدید مبارزه طبقاتی در پایان زندگی فئودالیسم  
 ظهور انقلاب بورژوازی، از میان رفتن رژیم پوسیده فئودالیت، استقرار  
 نظم جدید بورژوازی مشروطیت در دادگاه مطرح گردید.

خصوصیات رژیم بورژوازی، بقای استثمار و مبارزه طبقاتی در  
 این رژیم، تکامل روزافزون وسائل تولید و رشد طبقه انقلابی کارگر،  
 بالاخره انقلاب پرولتاریائی که اولین انقلابی بود که در قسمتی از جهان  
 جامعه بدون طبقات را بجای اجتماع کهنه و پراز تضاد بورژوازی پدید آورد:  
 «طبقه کارگر از حوادث خونینی گذشت، اما هر -»

«حادثه ای درس تازه ای باو داد. او را در مبارزات خود مجهز تر»  
 «و برای پیروزی آماده تر گردانید. طبقه کارگر دانست که برای»  
 «سرنوین کردن حکومت بورژوازی باید دهقان بی چیز همقدم»  
 «او و دهقان متوسط پشتیبان او باشد. اینده اوژی طبقه کارگر»  
 «اقتدار جهانرا سیاحت کرد و از هر گوشه ای توفه ای برتجاوز»  
 «خویش افزود. در آلمان و ایتالیا هلند بلژیک - اطریش -»  
 «فرانسه - اسپانیا - انقلابات بورژوازی و جنبشهای عظیم کارگری»  
 «روی داد. از اواخر قرن ۱۹ قطب انقلاب از مغرب بشرق»  
 «اروپا منتقل شد و بالاخره در اواخر جنگ بیس الکبلی اول»  
 «بزرگترین تحول تاریخی روی داد. انقلاب کارگری»  
 «در کشور عظیم روسیه نتیجه رسید و حکومت کارگری»  
 «در بزرگترین کشور اروپا برقرار گردید. استثمار فرساز»

### دور دور کشور شور را با بر آفتاب

«سوسیالیسم بیاید نهاد و نهاد مستقر نشین بر آری»  
«تسلیم و دعوای کراسی بر وجود آمد»

«از من زبان مغول بسیار زان حیوانی مشتق تو را زان تر»  
 «گر بپوشد او را با طرف کلبه طراوت از در شکس بهمان چشم او بر شکس و»  
 «دعوی کراسی و انسی و صلح با دنیا عوخته و رسته دنیا را تو زان»  
 «سرانیت دیگر نه و از طرف دیگر هفت مانع جا که دنیا تمام»  
 «دعوی شویش را منو جهان هدف منست که خواهد منی بیستم»  
 «فرا در نطقه شده کشش و جسدش کشور بهر کردگی در چو ل»  
 «با کشور شور را با ساچور شدند و با شکست سر او بر سر گردیدند»  
 «نامدنی کوشش شده که از نایب سوسیالیسم و از در اثر محاصره»  
 «واقعیاتی گرفتار شکست گردانند و حتما دور آید بر روزی»  
 «سوسیالیسم و شور و شوق اشتیاق بوده حتی اروپا و ناز جنگ»  
 «باکوی نایب سوسیالیسم آورده اند و نایب سوسیالیسم معنی کلبه آزادی دهی»  
 «دعوی کراسی و تقویت حد افروزی سلیتاریسم بر انداختن»  
 «با نصابهای کار گیری و شروع سالیان از این سیاسی دعوای کراسی»  
 «چون گوید کردن ملت با استفاده و جنبانه آید و نایب سوسیالیسم»  
 «هفت سلیتاریسم داری انحصاری است که این سوسیالیسم نامیده»  
 «میباشد و موسویشی را سوسیالیسم جهانی تقویت کرده»  
 «تا اولاً بر روی جهانی دعوای کراسی را که در خلق سالیان و در اثر»  
 «جنگ بین انقلاب اول برای توده های کشور اروپا عامل شده»  
 «بود از جنگ آید بر بارش و نایب سوسیالیسم بر روی جنبه شرق»  
 «اروپا و جنبه پیش کشور سوسیالیسمی در روی وجود آورده»  
 «کنند و نوجوانان نایب سوسیالیسم نسبت به سوسیالیسم از تمام سالیان»  
 «استگاههای نایب سوسیالیسم نیز اروپا و دیگر در امر اسکیان شوند»  
 «مانی کنند که جنبه شرق اروپا نظیر از آنست مشاهده»  
 «میکنند و نایب سوسیالیسم نهایت تمام فریب را در نایب سوسیالیسم»  
 «بکش میرد و با آنکه از طرف او نجاع بین المللی با کمسال»  
 «فوتی پشتیبان میشد بالا عرض توانست از راه سالیان و از»  
 «دولت مجلس آلمان سوسیالیسمها را که در مجلس آلمان»  
 «دستچنان جان آگای بن بودند دچار شکست کند و شی اشتیاقند»

«وضیف‌ها و سستی‌های سوسیالیستهای آلمان میدان موقیبت»  
«فاشیسم ندان. از این جهت دستگاہهای ترور فاشیستی، آدم»  
«کشی، نهمت، افترا، برهم زدن اعتصابات کارگری، منفجر»  
«کردن اقدامات دسته‌جمعی روز بروز از طرف فاشیست‌ها»  
«شایتر شد. تا آنکه در سال ۱۹۳۲ فاشیستهای آلمان برای»  
«تخلیل پارلمانی که بهیچ نیرنگی نتوانسته بودند در آنجا»  
«اکثریت پیدا کنند دست بتوطئه خطرناکی زدند و رایش‌تاک»  
«را بدست حریق سپرده با اشاعه اکاذیبی نظیر آنچه امروز در»  
«ایران مہمول است خود کرده را خواستند بگردن احزاب چپ»  
«بیندازند و عده‌ای از سران احزاب آزادیخواه را باین اتهام»  
«پنای میز محاکمه کشیدند.»

«دیپتروف در نرس کنونی جمهوری بلنارسن از این محاکمه»  
«استقبال کرد و با کمال شہامت بدنیہ نشان داد کہ طبقہ محکوم»  
«پنای سرمایہ‌داری برای جلوگیری از انہدام خود بمنظور»  
«آلودہ کردن تحول بزرگ جهانی بچہ وسائل ناجوانردانہ و»  
«بیشرمانہ‌ای دست میزند. آنروز صدای دیپتروف و امثال»  
«او کہ فاشیسم را بر کرسی اتہام مینشانند باندازہ کافی»  
«شنیده شد. جنگ خونین ۱۹۳۹ لازم بود تا دنیا چنانکہ شاید»  
«و باید بمصداق حقیقی فاشیسم پی‌برد.»

«جہالت استالین تمام فقط شکست نظامی نبود»  
«بلکہ در این واقعه عظیم در حقیقت شکست ایدئولوژی»  
«فاشیسم در مقیاس بزرگ و وسیع هویدا گردید.»  
«شکست استالینگراد نشان داد کہ رژیم هر کشور هر»  
«قدر نیروی سر نیزہ جنگی باشد هر قدر مسلح شود»  
«و هر قدر از طرف قوای ارتجاع بین‌المللی تقویت»  
«گردد تا وقتی کہ بر روی تودہ‌ها تکیہ ندارد و حافظ»  
«یک مصالح پایدار و دموکراسی حقیقی برای ملت نیست»  
«امکان پایداری و دوام نمی‌تواند داشته باشد.»

«کسانی کہ آفت فاشیسم را بادم خویش گرم کرده و»  
«جان داده بودند عده‌ای از آنها پیش از آنکہ در محکمه»  
«چنانکاران حاضر شوند با کمال سستی و بزدلی مبادرت بخود»



لا کثیری گردند ، خود کشی بران هاشمو خود یکی بزرگوار از  
عشایر مسکوت مدعی آنست .

خان بخت و ساسان سارته کنان جوانان مسرجه در  
شبه ستر برده خون و زنی بر مبارزان ستر آت گردانده در غرضاً کثیری  
« بعداً کلمات با کمال سرازاری حاضر شده با نهایت دلیری از  
آرمین را به آل خودی دفاع کردند ، زنده زنده در آب و  
خوش آباده شدند ، بالای دار بسته ، در گوشه های پناه  
چپالها بوسیدند ، سینه ها شدند ، زنده آن بسیاری از آن سرب  
« گداخته ریخته شد و در تمام این اجرام جز فریاد ونداری  
نفس بیفنج زده ، گراسی از آن پاشیده شده ، ولی یکبار که  
ناوبه به دشمنان طقه کارگر رسیده توانسته قتلین افکار  
دشمنی را تحمل کنند ، زان محاکمه تاریخ را نشانده و برای  
دایکه از چنان مکافات بگریزد شود پاداش دادن خویش ادامه  
شود . آن همه از سران قتل شدند که مسکوت کتاد و کتاد  
چیزی جز غصه و زبونی اشک درانته و نفسی از آنها مانده  
و کورنک و حیمار با کمال به چارگی انتظار کردند .

شبه این افسان و این محاکم در گذروا نویسه  
شده و سراسر کثیری از نوحه های دارد این او این خفته  
در کافران سرفی بران در جنگال حیت ما که اسیر شده اند ،  
« مبارزی کارگر بیجان در زمین و هلال جان داد و سگرمه  
فرخ شاه بر سر نگرده که مسکوت او را اشکال شده .

در زبان شوق گری به در می افروغی اشقی نیز چون دستاوری  
« سر را بجززاید کسی سر آمد محاکمه آنها را نکرد و مسرجه  
« قبل با سوار داده و شتابی آن داده شد ، در همین که کسی  
« نیمه میان با همسر خود هم چنان آنگاه از حکومت نداشت در  
« روزگار ظالمانی دیکتاتوری که گمشدین اعتراضی ، اشک و نوحه  
« فراتر بر رومند که کفر از الهی ، در حالیکه در زبان هادی  
« دوستی فانی با همزده با کمال سوار می در وحکت مسکوتی  
« در شتابی که حتی تماشای آنهم از آن راه نفس بودند  
« حاضر شد و تمامه ایران را از دیکتاتوری دیکتاتوری مانده  
« شایق بسورت برت ما که نواخت ، دست بر میاورد او را راه

«آنقدر شکنجه بدهند که بمیرد. اما او گفتنی‌ها را گفت و برده»  
«هزار در بند و ماهیت حکومت ایران را بدنیانشان داد.»  
«بعد از سوادک آذربایجان در مازندران توطئه‌ای»  
«بر ضد حزب توده ایران و سایر سازمانهای دموکراتیک از طرف»  
«هیئت حاکمه برپا گردید. دستگاه اتهام بکار افتاد و صدها نفر از»  
«کارگران و زحمتکشان به محکمه‌هایی جلب شدند که شلاق و»  
«دست‌بند قیانی و داغ و درفش در آنجا حکم و ابود. حتی در این»  
«محکمه‌ها نیز صدای حق طلب و محکوم کننده افراد حزب مسا»  
«و سوائی و شکست هیئت حاکمه را بملت ایران اعلام داشت.»

«اینک محکمه تازه‌ای از طرف ارتجاع ایران برای»  
«افراد مترقی این کشور برپا شده است و عده‌ای از فرزندان لایق»  
«ایران بنام داشتن عقیده اجتماعی به‌جا که دعوت گردیده‌اند.»  
«تکفیر سیاسی را هیئت‌جا که امروز ما اختراع نکرده بلکه»  
«آنرا از بایگانی‌ها که تاریخ بیرون کشیده است. از اولین»  
«روزهای که اولین آثار مشروطیت و دموکراسی قدم به خاک ایران»  
«گذاشت تکفیر سیاسی مخالفین با آن همراه بود گاهی بعنوان»  
«بیایی، زمانی بنام بیدین، و وقتی باسم طبیعی و دهری و بالاخره»  
«بدست آریز مرام اشترایی با طرفداران حقیقی مشروطیت و»  
«دموکراسی مبارزه شد و قانون اساسی کنونی که از اسناد»  
«گزارشهای تاریخ ما و خوبیهای هزاران نفر از آزادگان وطن»  
«مامت بدست همان کسانی گرفته شد که مورد این اتساعات و در»  
«معرض حملات ناجوانمردانه بودند...»

در اینجا قاسمی بتحلیل علمی و تئوریک انقلاب ایران از نظر اهمیت  
زحمتکشان ایران پرداخت. این تحلیل برده‌های تیره‌ای را که امپریالیسم  
انگستان بر چهره انقلاب مشروطیت کشیده در بره و ارزش‌ها و فداکار  
کاری‌های ملت ایران را آشکار ساخت، ثابت کرد که علی‌رغم ادعای تاریخ  
هایی که از منابع انگلیسی اقتباس شده انقلاب ایران یک صحنه ساختگی و انگلیسی  
نموده، از نارسایی توده‌های مردم سرچشمه گرفته، از منبع آشکار انقلابی  
جهان نفوذت شده، از انقلاب ۱۹۰۵ میلادی که در زیر بوغ‌تزاریسم رنج‌میردانه  
کسیب تجربه و نیرو کرده، چهره‌های درخشانی مثل حیدر عموغلی و علی-  
مسیو آنرا هبیری کرده و زان مردانی مثل ستارخان و باقرخان برای پیروزی

آن اسطوره بدست گرفته است.

امانگ استاز بنا بر شرح دیرینه از جرمی است از اقلاب سوره استفاده کرده  
از دین تالیف خود را در آن مجاز و بدین ترتیب که با قرار دادن انگین ۱۹۶۹ و  
کودک ۱۹۶۹ و کراسی جوان را اضافه کرده و داستان پیش و بعد از آن اوضاع  
مسلک ساخته.

دین ترکیب فرزند دین شایسته است از کوشش خودکارانه پسران خود  
از خود میانی و بیخه شده در راه انقلاب ایران دفاع کرده و تا آنجا نبردند که  
میتواند که ایران همیشه بدست خود است کرده و میماند.

احمد قاسمی، نو اینها وظیفه خود را در برابر آفتاب است از دفاع میوه که  
برغم همه نبود بیایان سازد و دفاع از تمام می شود و داغ است. احمد قاسمی در  
دفاع اختصاصی هم بخوبی داغ است. او بدست دیگر بیشتر رسوا کرد و در داستان  
و هیبت ما که همان در دفاع از خودی خود میماند در برابر نقشه ها و توطئه های  
نارواست. هم زمان میماند بر آن است که در دیگر در دادگاه عالی  
عرب. داستان در میان دفاع خود را در سر آویخته گان و خنجر دین گنوه  
بسیار آورده و در حقیقت کتاب روح افراست از مستطیب و انتشار کرده بود.  
قاسمی در این باره گفت:

«من گویم که در روح افراست از آفاق داستان ترجمه نگردانند  
توضیح آنرا به روزگار نومان میماند و این سوره و این خیر  
«متوان کار و تاریخ من نمیگویم آفاق داستان میماند و این  
: که ایشان طبق همه در هیاله کتاب شش ماهی هستند در این سوره  
در کتاب شش ماهی استحق کتاب ششم ابتدایی ضروری است. پس  
«ایشان مسلمانان سال در این سوره اما در سوره شش ماهی که شش ماهی نام  
«در این سوره میماند و این سوره میگویم. اما آفاق داستان از  
«کتاب شش ماهی استحق مستطیب و مستطیبی فاصله است. فاصله میماند  
«در این سوره. این سوره استحق لایق میگویم مستطیب میماند است  
«در حقیقت کتاب روح افراست که همان داستان و هیاله دیگر  
«از بهترین مستطیبی. این سوره استحق مستطیب میماند است.  
«ترجمه سوره میماند بطور دقیق با اصل برابر است و در سوره از  
«چنانچه آفاق شش ماهی دارد. بدون آنکه بخوانم در پس  
«فصلت مستطیبی از این ترجمه ششم کتاب را باز میماند و یکی  
«فصلت را باطلاع آفاق داستان مستطیب میماند»

در اینجا قاسمی از صفات مختلف متن فرانسه کتاب روح القوانین چاپ پاریس قسمتهایی خواند ، ترجمه صحیح آنها را ذکر کرد و ترجمه منطوق و احیاناً معکوس مترجم خائن را در برابر آن گذاشت و پس از آنکه انگشت بر این رسوائی نهاد گفت :

« بطوریکه شنیده میشود آقای مهتدی امسال بدریافت مدال دانش  
 « نائل آمده اند : »

« جائی که پشک و مشک بیک نرخ است عطار گویند کافرا  
 « بپرنده فرهنگیان که مهتدی نماینده آنها باشد ... »

قاسمی ضمن دفاع اختصاصی هم چنین برد اتهامات دادستان بر حزب توده ایران پرداخت :

« آقای دادستان میخواهد چنین جلوه دهد که حزب  
 « توده ایران را افرادی با اغراض گوناگون که همه برگرد  
 « معصوم خود خواهی شور میزند تشکیل دادند ولی آقای دادستان  
 « با این اظهار نظر در حقیقت بر هیچ نویسی از درک تحولات  
 « اجتماعی گواهی داده است . احزاب تسوده ای را که موجود  
 « تحولات تاریخی میشوند هیچگاه نمیتوان بنا بر تمایلات شخصی  
 « بوجود آورد . مرامنامه هر حزب توده ای باید با مقتضیات  
 « زمان و تقاضاهای مردم مطابق باشد . شخصیتها ایجاد کننده  
 « تاریخ نیستند بلکه جریان تاریخ است که شخصیت ها را بوجود  
 « میآورد ... آنهاست که جریان اصلی تاریخ را درک میکنند و  
 « در رأس آن قرار میگیرند نایب اند و آنهاست که از درک  
 « جریان اصلی عاجز مانده ، بوامانندگان شاهراه تاریخ میچسبند  
 « مترسکهای ارتجاعی بیش نیستند ... »

« وظیفه یک حزب توده ای این است که راه آینده  
 « را ببیند و در آن راه گام بردارد و شرط رهبری چنین حزبی  
 « این است که از توده ها در مورد ترک مقتضیات اجتماعی عقب  
 « نماند و پیوسته در پیشاپیش آنها حرکت کند ولی آتشور هم  
 « جلونیفتند که او را ببینند . حزبی که مدعیات او از طرف توده  
 « مردم فهمیده نشود هیچگاه یک حزب توده ای نخواهد بود و  
 « بصورت یک سکنت در خواهد آمد ... اگر حزب توده ایران  
 « توانست توده های عظیم را در زیر پرچم خود گرد آورد برای »

« این بود که بر طبق ملت ایران مشفق گفت: «بر اساس اعلام او اسکاتس»  
«از کتابهای توده‌های مغرب بود.»

«آقای دادستان مدعیان از سازماندهی و پیوستن ایران به نهادهای  
«سلطنت مشروطه ملهم گردیدند. سلطنت مشروطه یعنی پادشاهی  
«عموماً این گفته با معنی از در اقبال و ماتم: «یکی از شعرون گفته  
«الفاظ است و دیگری از شرط که لفظ «میشود» است.»  
«تفاوت بر مابین این گفته می‌باشد که با اندامان فرانسه و اسکاتس»  
«بر این دوستان باقی که بر ضد سبزه هدایت گرفته بودند و»  
«آزادی خود را بیخواستند و می‌خواستند و در آن زمان  
«شهرت‌ها را امتداد سکونت قانونی می‌خواستند که در آن زمان  
«۱۹۰۷ بود آمد بعضی دیگر می‌خواستند مشروطه یعنی حکومتی  
«که «است بشریطی است و فرانسه Genetitionnel»  
«تسکونیاد در قابل حکومت استبدادی که از ابتدا به هیچ شرطی  
«مست و فرانسه Archidre:ro خوانده می‌شود. خلاصه  
«اینکه حکومت مشروطه حکومتی است که بشریطی برای  
«آن مقرر گردیده است. شایسته با مشروطه ملت ایران می‌باشد  
«حکومت عبارتست از قانون اساسی و قانون اساسی ما در  
«در وقت است: حقوق شاه و حقوق ملت. حقوق شاه در سابقه  
«پادشاهی مشروطه ملهم و چون بود و اینکه فقط شاه صاحب حقوق بود  
«اما آنچه مشروطیت برای ملت ایران آورد محدود کردن  
«حقوق شاه و تعیین حقوق برای ملت بود که تحت عنوان فصل  
«ششم در قانون اساسی یاد کرد گردیده است. گمانیکه این  
«حقوق را زیر بار می‌توانند شایسته با مشروطه سلطنت  
«ایران را از بین ببرند. این اشخاص می‌گویند: «مستوادمای  
«طرفداری از سلطنت مشروطه داشته باشند.»

«آقای دادستان مدعی است که آنچه موجود در وقت  
«جذب نموده ایران گردیده «الفاظ اصلاح طلبی و کلمات فریبده  
«حکومت از کارگر رد نموده است. ولی آقایان قضات  
«حکومت ایران چنین میدانند که پس از شهریور ۱۳۰۲ ایران  
«دمیاری در سطح ایران ظاهر شد که همه آنها ادعای «میشود»  
«مفاهیم را داشته. اگر کار می‌کنند بود این اجزای ملت»

«حزب توده ایران در میان ملت ما بیرونی مبدل میگشتند»  
«اما همین امر که آنها مانند برف تموز آب شدند دلیل تکیه نیست»  
«گفتار آقای دادستان است که آنچه حزب توده ایران را نیرو»  
«و نیات بخشید الفاظ و کلمات او نبود بلکه روشی بود که در»  
«مدت هفت سال در راه حفظ منافع زحمتکشانی ایران تعقیب»  
«کرد.»

«آقای دادستان میگوید: جنایات مرتکبه در زیر آب»  
«و جنگل، حوادث خونین تیرماه ۱۳۲۵، وقایع راه آهن و»  
«اعتصابهای پی در پی کارگران بدستور و تحریک سران حزب»  
«توده با کارگران خائن و اجنبی پرست آن صحنه مطابق مدارک»  
«موجود و مسلم اظهر من الشمس است.»

«باین طریق آقای دادستان اعتصاب رادر شمار جنایات»  
«آآورده اند: اعتصاب که یگانه حربه دفاعی کارگران محروم»  
«است در نظر آقای دادستان جنایت تلقی میشود.»

«اعتصاب که حتی در قانون کار ایران نیز حق مشروع»  
«کارگران خوانده شده است در نظر آقای سرهنگ مهتدی گناه»  
«نابخشودنی است! نویسنده ادعای نامه از این جدهم بالا تر رفته»  
«و کارگران ایرانی را خائن و اجنبی پرست خوانده است!»  
«آقایان قضات! اگر راست است که اکثریت ملت ایران، نه دهم اهالی»  
«کشور ایران را زحمتکشان تشکیل میدهند چگونه کسی که ادعای»  
«نماینده گی قانون دارد چرات میکند و آنها را خائن و اجنبی پرست»  
«خطاب میکند؟ خود آقای دادستان در بیان ادعا بارها قبول کرده»  
«که در نمایشها و اعتصابات شورای متحده و با حزب توده ایران»  
«ده ها هزار نفر از کارگران شرکت داشته اند. در این صورت چگونه»  
«بنام داجاز میدهد که این توده های عظیم ایرانی را خائن و اجنبی»  
«پرست بخواند؟ این توهین بزرگ بملت ایران است.»

«دادستان از این جدهم بالا تر رفته و گفته است:»

«کارگران کارخانه های شرکت نفت ایران و انگلیس»

«ظاهر آ اعتصاب و در مضمی طغیان نموده ...»

«فرض کنیم که کلمه طغیان در این مورد صحیح باشد.»

«طغیان برضد کی؟ برضد شرکت استعماری نفت جنوب، بر»

«خدا کسانیکه نمون ایران و ابا کشته‌های ایلیان را بیجا بزارند  
 «بروین‌های کور صلح میکنند . بر اطمینان کرده‌اند بر ایوان کنگه  
 «دکترین سخی بیات را هم در آن شب از آنها سینه تیر خورد  
 «است . چرا آقای دادستان ایشان را برای عات ایران سخی قاتل  
 «نویس که اشمای کارگران ایران را بطیوان تیر و تیر تیر کرده  
 «و همه آنها را بجزع ایرانی بودن و خون ماریمن خانی و انیس  
 «پیرست بنام می‌آورند و خائن و احمق می‌گویند که آقای هاشم کشته  
 «مناظر ملت شویش را با کمک پستی زیر مانده «دفاع از  
 «است مبارز طالبان خود را بر او اسپه دارند»

«آنوقت این آقای دادستان مدعی است که حزب توده  
 «ایران را زارت خود را (پیشرو بیگانگان است) بر دست عدالت  
 «آبان) انجام میدهد است . و در سینه سخن دیگر این حزب را  
 «دست نمانده اجتناب می‌فرماید .»

«آقایان فیساک ، چرا ما دست نمانده داریم با شما  
 «از اجنبی می‌فرمایید و برای کشور که می‌مندی و ایوان  
 «بیبیوچه مانند ترقی و اسرار حیثیت اجتماعی نیست اگر ما  
 «فرود بیوش و انلاشی هستیم چرا از ایران و شهر می‌نزدند از  
 «بناشیم ولی اگر تمام است کینه هویت از ما بجزع  
 «فرود نرواری ، اجناس و در دیویشگاه و کینه آورده شده داریم  
 «در عرناکه محیط نهاد آورده نیستیم و اگر تمام است که این  
 «همه است اجناس را استعمار طلبان بکانه بجزع آورده‌اند  
 «شاید این است که ما سر مستخرین دشمن آنها هستیم . مبارز ما  
 «داریم موجود در نهایت مبارزه با بیگانگان استعمار طلب  
 «است . فقط خط افکاران و ضد می‌بودند که نباید علاج خنده  
 «بگوش اجنبی استعمارگر باشد .»

تاسی هنوز مطالب فراوانی داشت که بگوید . اگر باو اجازه  
 «میدادند هنوز ساعتی سسی می‌گفت ولی دادگاه دستور داشت که در  
 «زودتر کار را پایان دهد و هیئت ما که را از کرسی اتهام پانویس آورد  
 «رئیس دادگاه هم تاسی را قطع کرد و گفت که آقایان حاضر در این  
 «را تمام کند . دادگاه بر خلاف قانون هیئت آخرین دفاع چهارده  
 «را که شخصیت و حیثیت مردمی و استعماریان مورد تجاوز قرار  
 «گرفته بود»

بلکه روزی معهود کرد و قاسمی را مرطوف کرد که در همان شب دفاع خود را خاتمه دهد. قاسمی در آن شب باز هم بیش از دو ساعت صحبت کرد و برده از ترس و وحشت هیئت حاکمه برداشت. او در پایان دفاع خود اذیت روشن آید و آنکه بمباران نیرو میبخشد و آنها را در راه دشوار و پراز بیچارگی بسوی خود میکشد + با انگشت خیابانی نشان داد. این نورزنگی بود که راه نیستی را بظلمت مرگ میبرد.

قاسمی گفت :

« آقا یانف قضات ! یادداشت های زیادی دارم که لازم »  
« بود درباره آنها صحبت کنم و مخصوصا درباره زندگی خودم »  
« توضیح بدهم ، بگویم که چگونه یک انسان توده ای میشود . »  
« اما آقای رئیس داد گناه دستور داده اند که باید دفاع خود را »  
« امشب تمام کنم . از این جهت ناچارم بگفتار خاتمه بدهم »  
« و بنده که یک نطق خیابانی در خطاب بملت ایران اکتفا نمائیم . »  
« بزرگوار سخنان قابل استفاده گفته اند : ( اگر »  
« میخواهی حیات ترا دوست بدارد تو نیز حیات را دوست بدار ) »  
« ملتی که میخواهد زنده بماند باید شرایط زندگی »  
« را در خود جمع کند . انسان باید در حیات طوری مشغول کار »  
« شود که گویا هیچوقت نخواهد مرد . عضوه های مرخص معیوب »  
« و طفیلی بر مضرت در ایران زیاد یافت میشوند که باید »  
« بریده شوند . در جامعه ما یا باید جهکش بود یا سندان . حزب »  
« ما یگانه عنصر آزادیخواه ایران است که همیشه در قبول افکار »  
« جدید پیشقدم بوده است و همیشه در مقابل خود دسته های »  
« مخالف از تنهایی دیده که برای از بین بردن ما عناصر دموکرات »  
« با یسگانگان ساخته اند ... باید فداکاری کنید تا آتیه شما و »  
« آتیه اولاد شما تامین شود . این زندگی را باید نگهدارید ، »  
« بر احکام حفظ الصحه آن عمل نمائید ، میکرو بیهای مخالف را »  
« معضوب نایب سازید تا زنده بمانید . زنده باد ملتی که برای »  
« همیشه زنده داشتن آزادی ، زندگی را دوست میدارد . »

در ساعت نه و نیم بهد از ظهر دفاع قاسمی را پایان دادند . در حالیکه تبسم امید و بیروزی چهارمتمین را روشن ساخته بود و سانه شکست برقیافته متهم کننده گان میلز زید .



فلسفه عدم دفاع هموسی بر عهده دکتر گیانوری بود. اسبق نسبت  
 تامل تعلیمی از بوسه دوران ریاست ساله در کنگره توری و دفاع از سرانجام  
 حزب بوده این دو صواب از این گذشته آن بود که در دوران صرف نود و ابراهیم  
 ریژور ریاست ساله و بعد از آن آریا بر کسی تسلیم نماندند و در سالها که هیئت  
 سالانه فرصت یافته و در بار دیگر بیخج دوران عموگه استوری و در پیروی  
 در کنگره پیروان از در زمانه که سالان در کنگره کوانی باز هم شایق و مشت  
 در گفت میسر فتنه هموسی از سرین شاکر در کنگره آریا پیروان در کنگره  
 در کنگره توری ریاست ساله را میگویم نمانندند. کوانی بر جان خود و برانجام  
 میگردند از این سر پیروزها نبره شدند و بازی را که تاریخ پر شوشتان  
 نیامده بود پادشاهی و شهبانست و پاسر با همی و جوانان در پیوسته در سالها  
 هنگامیکه آنان برده از حوریه ریاضی دادستان بر میمانندند گذشته  
 آریا که مودتی پیشانی بر آنندان شدت از آری میمانند و معاصر حاضر آوردند  
 رئیس دادگاه گفت بود: از آن توری نوشتن و بی معنی از بره کرد.

شاید میخواست مبارز را و آنچه توبه و دعوت کند. ولی گفتار که در  
 زندان هم از گفتن همین میسودند و از هیچ ترمیمی نمیگذرد و از اعتراض  
 هیئت دادگاه نظر آنندان که هیچ وسیله نمی توانستند از بیعتن راه  
 نود و نه آنها را به توبه برانداز کند و پیروزان دلیر حزب تودار بران بودند  
 روزیکه دکتر گیانوری مرداد گامی که سنت دوران در کنگره توری بر پاشه  
 بود برده از حیوانات در در دست ساله بر برداشت از فرمانداری نظامی  
 به دادگاه نده ای و میی که اعلام کنسیرق نازم ایو پشمار سر رفت. این نامه  
 حاکی بود که نگویا از طرف میوسن در دادگاه نظامی پادشاهی ضرورت  
 شاهنشاه همی توهمین شده است. فرماندار نظامی رئیس دادگاه تودار  
 کرده بود که از آنجهت این قبیل رضی آمده و جلو گیری کند. کنگره  
 پنجشنبه روشیای دوره بیست و سه دست برده بود و استیجاب داشتند که در این  
 و ضامان را غنیل توموس دهند و بر مجسمه ترمیم آموزش گل بریزند و بر  
 گندارها نظر بیاندازد و بر خوانها و اشکها و گریه های ملای برده فراموشی  
 بکنند ولی هیچ آبی نبود که بیای آن هم میانی را نشست و کاپر روحانیت  
 در میان گلها و برگشته و معنی سالها نشست و بیخود گندارها با هیچ معنری  
 بر طرف نگریسد و برده ای نبود که در ای اشکها و خونها و گریه های ملای  
 را بپوشاند.

دکتر گیانوری در صفحه دادگاه در باره این بیست ساله آنچه

میباست گفت، برده از رخسار بنیاد گزاران دیکتاتوری، امپریالیستهای خونخوار برداشت، نقش امپریالیسم انگلستان را در ایجاد دیکتاتوری بنظور از میان بردن آثار انقلاب مشروطیت و تبدیل شیوهت ما بسایگانه تجاوز بر علیه شوروی آشکار کرد.

دکتر کیانوری در جواب نامه فرماندار نظامی گفت: ما را از چه میترسانید؟ هیچ تهدیدی زبان حق گوی مسا را نخواهد بست مثل آقای دادستان تنها ادعا نمیکنیم، هر ادعای ما با مدارک غیر قابل رد اثبات میشود. دکتر کیانوری پس از ذکر مقدمه و ارائه مدارک روشنی مثل قرارداد ننگین ۱۹۱۹ که امپریالیسم انگلستان میخواست بر ملت ایران تحمیل کند، و در نقطه مقابل آن قرارداد ۱۹۲۱ اتحاد جماهیر شوروی با ایران که در آن زمان ملت ما را از اسارت قطعی نجات بخشید و اگر هیئت حا که به ملت خیانت نمیکرد وطن ما را یک باره و برای همیشه از بند امپریالیستها نجات میداد، درباره دیکتاتوری بیست ساله که بار دیگر زنجیرهای اسارت امپریالیستی را بر گرد وطن ما استوار کرد چنین گفت:

- «سیاست انگلستان پس از اینکه در مورد قرارداد»
- «ننگین ۱۹۱۹ دوچار عدم موفقیت گردید روش اجرای مقاصد»
- «سیاسی خود را تغییر داد و مقدمات روی کار آوردن یک حکومت»
- «دست نشانده مطیع خود را فراهم آورد و این عمل بوسیله»
- «کودتای سوم اسفند بدست سید ضیاءالدین طباطبائی عامل»
- «قدیمی سیاست انگلستان انجام شد ولی سید ضیاءالدین که»
- «دارای شخصیت اجتماعی ضعیفی بود و از طرف دیگر در بین»
- «مردم به تبعیت شدید از سیاست انگلستان شناخته شده بود»
- «نتوانست نقش خود را خوب بازی کند و انجام نقشه اصلی»
- «بر رضاخان میر پنج که در موقع کودتا فرمانده فوج قزوین بود»
- «را گذار گردید. با پشتیبانی سیاست انگلستان رضاخان میر پنج»
- «دراول کودتا فرماندهی کل قوی و پس از چندی به نخست»
- «وزیری انتخاب و مدتی بعد با خلم احمد شاه سلطنت رسید.»
- «وابستگی کودتای ۱۲۹۹ سیاست انگلیسها بقدری واضح است»
- «که حتی در مجله اطلاعات ماهیانه اسفند ۱۳۲۷ که پس از جریان»
- «۱۵ بهمن ۱۳۲۷ منتشر شده است در مقاله ای که درباره کودتای»
- «سوم اسفند ۱۲۹۹ نوشته شده عینا ذکر گردیده است:

«گودالی است ۱۲۹۶ پدین مرتفع و درونش گرافت است»  
 «گروه قرانز ساکنی از آنسنگه تا اناز و او دست بیگانه بود»  
 «این کار خیلی بوده است و اولی هر آینه دو او شایع و اسواک آن»  
 «مردن سیدی شویز ملاخطه خوانده شد که خوانه و ناخوانه ازین»  
 «این عمل صورت گرفته و چون آن راه دیگر در پیش نبود»  
 «است»

«آقای دکتر مصدق در اهلی خود هنگام بطرح اعتبارنامه سره  
 ضیاءالدین طباطبائی بانی گودالی ۱۲۹۶ در مجلس چهارم چنین بیان کرد»  
 «مجلس در آن روز سه و بیست و نهم روز و وقت در منزل»  
 «در این جلسه و در سر صحبتها و گفتگوها و گفتگوها و گفتگوها و گفتگوها  
 «توضیح الحاطه تقریر شده و عاقلانم از کرد که در انگلیس آورده و  
 «تعدادت باکی سروکار پیدا کرده است اولش شیشه دو اجرت باقیه  
 «در این روز و ای روز گذری را تکلیف کرد و بعضی معلوم شده  
 «تعدادت کیسه از او آورد چون دیگر مقیم نبود او را بر»

«پس از جریان شهر پور ۱۳۲۰ زمین و زیر خاک بود»  
 «انگلیس در روز گنریس سرخ و زمین آن کشور یعنی در مجلس»  
 «عوام انگلستان رسد که باره جویان بیست ساله ایران چنین»  
 «مستور این گودالی این سخته آنها و فریب داد که در دوره بیست»  
 «ساله بین دو جنگ در ایران حکومتی بود که با پشتیبانی انگلستان»  
 «بر روی کار آمده قدرت گرفت و اولی در سالهای اخیر این دوره بوده»  
 «آلمانها و داری سگرمات زیند شد بطوریکه در دوره چنانکه گفتند»  
 «تعلیمی را از بیست و یک دو ساله یعنی انگلیسیها) بعد از مثال (مرا»  
 «دست یعنی از آنکه زبانها برسانه هلاک کرد) عمل کردیم»

«این حکومت بیست ساله ایران را حکومت فساد و»  
 «استبداد توصیف میکنند و ضمناً و شریکانش انگلستان را نسبت»  
 «بایران مورد انتقاد قرار میدهند و رسماً اکترا فریبکننده و در اثر»  
 «آزاد و روش سیاسی که تقویت نمیشود استبداد بود انگلستان برای»  
 «پاک نسل مورد نظر و از چهارم است ایران واقع گردید»  
 «بیانات و گفته های دیگر مقابلت انگلیسی که در آن سرچشم»  
 «داد کرده بود که انگلیسیها سابق را آورده و بعضی که دیگر»  
 «مورد احتیاجشان نبود او را بر کنار کرده اند و بعضی ای تمهید»

«صالحه ۱۳۲۰ رسماً از طرف سفارت کبرای انگلستان در ایران»  
«چاپ و در تهران و سایر شهرهای ایران منتشر گردیده»  
«در هفت سال اخیر از طرف محافل صلاحیتدار ایران در»  
«باره اظهارات رسمی و زبوت خارجیه انگلستان و سایر اظهارات»  
«رسمی که در هفته‌های قبل از شهر یور ۱۳۲۰ و ماههای بعد از آن»  
«از طرف رادیوی انگلستان منتشر می گردید هیچگونه تکذیبی»  
«منتشر نشده است و همین بهترین دلیل این است که دستگاه‌ها که»  
«و مقامات رسمی ایران جریانات مذکور را تأیید می‌مایند.»  
«بطور خلاصه جریان کودتای ۱۲۹۹ و پس از آن»  
«بر کناری سیدضیاءالدین و روی کار آمدن شاه سابق يك بازی»  
«سیاست انگلستان بود. انگلستان پس از شکست نقشه اولی خود»  
«در مورد قرارداد ۱۹۱۹ مجبور بود دستگاهی را بروی کار»  
«آورد که ظاهراً قیافه ملی داشته باشد و در بعضی موارد هم برای»  
«کسب وجهت و محالفت با سیاست انگلستان تظاهر نماید و بوسیله»  
«چنین دستگاهی تمام محتویات قرارداد ۱۹۱۹ را عملی سازد.»  
«تایلات سیاست انگلستان در ایران پس از پیروزی انقلاب در»  
«شوروی شامل دو قسمت کلی بود:»  
«اول - تأمین منافع اقتصادی انگلستان در ایران که»  
«متمم امتیاز نفت جنوب و بانک شاهنشاهی و بلعیدن بحرین و»  
«املاجات مرزی با هم انگلستان در بلوچستان و خوزستان»  
«بود.»  
«در دوره سلطنت ناصرالدین شاه با استفاده از ضعیف»  
«دستگاه حاکمه ایران امپریالیسم انگلستان موفق شده بود»  
«امتیازاتی در ایران بدست آورد. از آن جمله امتیاز نامه داری و»  
«امتیاز بانک شاهنشاهی و يك سلسله امتیازات دیگر بود. این»  
«امتیازات بسیار با اهمیت در مقابل مابه الامتیاز ناچیز بدولت»  
«انگلیس واگذار شده بود ولی چون امتیاز نامه‌ها دارای ارزش»  
«حقوقی نبود لازم بود قراردادهایی مربوط باین امتیازات بر پایه»  
«هائی ظاهر محکمتری استوار شود و برای این منظور ضروری بود»  
«در ایران دولتی روی کار آید که بتواند این مقاصد انگلستان را»  
«بر آورد سازد.»

«شروع ... تأمین نظریات سیاسی انگلیستان را ...»  
 «بر ایجاد یک شبکه گاه و نظام و سیاسی متعدد می‌باشد ...»  
 «... یعنی این عده موافق نظر اولی نیستند خود را ...»  
 «... و طبعاً از نظر این بر این باورند انگلیسی‌ها ...»  
 «... چون هر یک از اینها این شبکه را در قسطنطنیه ...»  
 «... و اگر فایده انگلیستان که پس از جنگ اول بزرگتر است ...»  
 «... گاه و ناخبر باستی دریا بود ...»  
 «... و در این سده امر با این هم در مورد توری و متناهی شدن این ...»  
 «... نظایر این و عثمانی و تقاضای مقدار زیادی مساحت ...»  
 «... در این شبکه قدرت استوارتر است از آن ...»  
 «... قدر این نقشه سازماندهی سیاسی و اقتصادی ...»  
 «... مانند روسیه بر عهد این کشور سؤالاتی ...»  
 «... در این کشور با نام انگلیز لیدر ...»  
 «... و با یکدیگر ای ...»  
 «... و مسئله اجرایی ...»  
 «... در قسطنطنیه ...»  
 «... و مردمان این بنگلادیش ...»  
 «... و اهمیت ...»  
 «...»

«... از این برای این که ...»  
 «... سیاسی ...»  
 «... که ...»  
 «... این ...»  
 «... بزرگترین این ...»  
 «... و آن ...»  
 «... وجود داشته و آن ...»  
 «... انگلیس ...»  
 «... در این ...»  
 «... که ...»  
 «... در ...»

«میبایست آزادی خواهان و میهن پرستان واقعی و دشمنان»  
«امپریالیسم را قلمروقم نمایند و با ایجاد یک محیط تروری وحشت»  
«از هر گونه فعالیت آزادیخواهان جلوگیری بعمل آورند؛ بلاوه»  
«با ایجاد تیرگی در روابط ایران و شوروی کلیه بندهای ارتباط»  
«معنوی و فرهنگی بین دولت ایران و ملل شوروی را پاره کنند و»  
«با پخش تبلیغات وحشت آورده و افقیت صلح جو و مترقی همسایه»  
«شمالی را در مقابل چشم ملت ایران و اروانه جلوه گر سازد.»  
«حکومت جدید موظف بود برای برقراری یک رژیم نظامی»  
«دیکتاتوری پلیس و ارتش را بر تمام دستگاههای دولتی»  
«مسلط سازد و تا حد ممکن ایران را بسرپل حمله بر علیه»  
«شوروی مبدل نماید و بالاخره پس از تهیه محیط مساعد و»  
«خفقان آور نظریات اقتصادی انگلستان را در ایران جامه»  
«عمل بپوشاند.»

«امروز همه کس بخوبی میدانند که دستگاه حاکمه»  
«ایران در دوره بیست ساله موجودیت خود بخوبی از عهده عملی»  
«ساختن این نقشه برآمد.»

«این موضوع صرفاً دعائیه است تمام مطبوعات ایران و»  
«مطبوعات جهان و همانطور که گفته شد حتی وزارت خارجه»  
«انگلستان بطور رسمی این موضوع را تأیید نمودند. مندرجات»  
«روزنامه اطلاعات که در تمام دوره دیکتاتوری روزنامه رسمی»  
«دستگاه حاکمه بود و امروز هم دارای همین سمت است در ما»  
«هپای اول پس از شهر یور بهترین دلیل اثبات این مدعاست.»  
«کارهای دولتی که در رأس آن شاه سابق قرار»  
«داشت با سرکوبی آزادیخواهان آغاز گردید. هر روز نفوذ»  
«پلیس و ارتش در کلیه شئون دولتی و اجتماعی توسعه مییافت.»  
«دولت برای رسیدن به هدف خود یعنی برقراری دیکتاتوری»  
«مطلق نظامی و پلیسی هر گونه وسیله ای بکار میبرد. قتل و اعط»  
«قزونی آزادیخواه شهپور در مقابل مجلس و میرزاده عشقی»  
«که هر دو از مخالفین دولت جدید بودند نمونه های بارزی»  
«از طرز عمل دولت آنروز بود. دولت آنروز با این ترورها»  
«میخواست روزنامه نگاران و مخالفین خود را وادار بتسلیم یا»

ملاقل مجبور، دستکوت نیابت، هر کس تسلیم شد پس با سگوت»  
 و اینها امیر کبیر در سالهای اول پسران شدت عشق و وادعای  
 «قرولی در سالهای بعد یعنی پس از تحکیم شدن پایه های  
 دستکوتوری سر او شد قرین و مدرس و در کش آوانی گرفتار  
 میشد. ما از دو سال پیش با بنظر قیامی بیرون شاهنشاهی  
 «اعلی آینه که در سالهای ۱۲۹۹ در کاسور و  
 «برقوع بیست میبایم تنها با این تفاوت که شرایط سیاسی  
 «خویش داخلی و بین المللی تقریرات زیاد کرده است در آن زمان  
 «دانشکات دستکوتوری خیلی بیشتر بود هر روزی تحت پرانی  
 «در دستکوتوری و تحکیم ما کیمت پلیس و ارتش در دستکوتوری  
 «افزوده میشد و با تحکیم میانی دستکوتوری بقایای آزادی و  
 «مفتوح فری و اینها ای که قانون اساسی برای ملت ایران برسیست  
 «شما که بود از بین میرفت.»

دانشکاتیک بطور مسلم آخرین بقایای آزادی و عشق  
 «با تضاد سیاسی و ارتش حذف گردید موقوف قرارداد نفت  
 «میسوز در یک محیط پرخطر و خارج شد. همه خوب بهمان  
 «مدارند که برای موضوع کشدی امر قرارداد «ازسی چه نمونه»  
 «داری از طرف مقامات دولتی صورت گرفت. حالا که جریان  
 «مبارکات نفت جنوب مطرح است و افکار عمومی مردم در اثر  
 «مبارکات نفت ساله حربی برانتهار بوده ایران بهمان زیادی  
 «عرومین شهباست ما از دهان آقای تقی زاده امضاء کشنده  
 «قرارداد سنگین ۱۳۱۲ امتیاز نفت جنوب میخوریم که این قرار  
 «و داد تحت فشار انگلوس امضاء شده است. امروز آقای تقی  
 «زاده در مقابل فشار افکار عمومی مجبور است تسلیم شود  
 «بهمنالیت انگلستان در امور داخلی ایران و فشار است کشور  
 «برای گذراندن قرارداد نفت جنوب ایران و اعتراض نماید...»  
 «امروز اگر کسی درباره این قیامتها صحبت جا کند  
 «ایران را مورد استیضاح قرار دهد بوسیله تکلیف داخلی افکار  
 «اعترا کی دو مشکله میانی نظیر مشکله حاضر میا که میشود  
 «دینامی دریم بیست سال یعنی کمابیک همه چیز فو در از  
 «دایون مشکلیها و اجتهادات و تدبیرات آن دوره بیست آورده اند»

«خیلی کوشش میکنند که با بزرگ کردن بعضی ظاهر سازبهای  
تعمیر ناچیز آن دوره ماندگیت واقعی آن را زیر سرپوش  
نگاهداری آنها همیشه از ساختن چندسهمخانه و یا بخصوص  
«خط آهن نام میبرند. امروز هر کس بخوبی میدانند که راه آهن  
ایران که بیچونوجه دارای جنبه اقتصادی نیست و فقط یک راه  
«آهن نظامی است بچه منظور و برای چه هدفی ساخته شد.  
«نقشه راه آهن ایران بیچونوجه بر پایه ضروریات اقتصادی کشور  
«ما بوجود نیامد بلکه برعکس بر پایه واقعی احداث آن بر روی  
«ضروریات استراتژیکی امپریالیستها در خاورمیانه قرار دارد...  
«کسانیکه خود را مدافع جریانات بیست ساله معرفی  
«میکند تأسیس و ساختمان چند عمارت دانشگاه را بعنوان یک  
«قضیه تاریخی بسیار عظیم تلقی میکنند. این آقایان که از همه  
«جای دنیا بیخبرند نمیدانند که کار تأسیس دانشگاه و یا تهیه  
«چند ساختمان و یا فرستادن چند صد نفر دانشجو بخارج در  
«مقابل کارهاییکه ممکن است ملیتی در عرض بیست سال انجام  
«باتوجه آنهمه مشقات و فشار و ناراحتی انجام دهد بسیار ناچیز  
«است...»

«در دوره بیست ساله برخلاف ادعای مدافین سرسخت  
«آن نه تنها کاری برای توسعه فرهنگ و بهداشت ملت ایران  
«عملی نشد بلکه برعکس تمام اقدامات لازم برای توسعه فساد  
«در بیماری منظم انجام میگرفت. مثلاً آمار رسمی دولت حاکی  
«است که استعماری نزدیک دو دوره بیست ساله چندین برابر  
«بالا رفته است آمار وزارت بهداشتی در باره بیماریهای واگیر  
«دار نشان میدهد که امروز بدبختانه بیش از نود درصد از  
«تمام مردم ایران بیماریهای گوناگون واگیردار مبتلا هستند  
«در تمام دوره بیست ساله نه تنها کوچکترین عمل موثری در  
«جلو گیری از بیماریها بعمل نیامد بلکه برعکس پلیس مشوق  
«فتنشاء و فساد بوده است»

«آمار بهداشتی ارتش بخوبی شاهد ماست که تعداد  
«افزادی که سالها بخدمت سربازی میآمدند و بیمار از خدمت ارتش  
«خارج میشدند هر سال در ترازیه بوده است...»



«خود شاه سابق را سرحد و ولایت بی پایان در سلطه»  
 «و انکسیت مردم اقدام میگرد ، بدایاتی که در دوره پورسپهساله»  
 «مأمورین شاه در املاک انتصابی و انکسیت شاهنشاهی قزوین»  
 «در اموال پورسپهساله گذشتن از اموال آن که ملی در سال»  
 «شاه لاکه مان سرحد و گز گزین عملی شد با اموالهای فروخته»  
 «در سلطنتی شاهنشاهی در دوره پورسپهساله مشاور و قائم مقام»  
 «آن شاه را اندام گذشت ، همه مردم تصدیق را که نسبت به»  
 «ظرافت لری و کوچ و تر کسین پسر سلیمان سلطان دارنده ، همه»  
 «تصدیق است که در میراث سلطنتی که تمام تحت قانون کردن است»  
 «تمام اموال آن به بی ناموسها از طرف مأمورین دولتی آن»  
 «مردم عدوت میگردت ، از هزاران گز و لری و تر کسین که کوچ»  
 «شاه شاهنشاهی پورسپهساله هم سالها پسر خستار خودباز گذشت است»  
 «در دوره پورسپهساله اوجوب تمام اموال تمام اموال»  
 «برای اطفال مردم و خود تمام فشارها و تعاقبات پلیس برای»  
 «شاه گزینی از بعضی افکار مشرقی و فکرهاست که دستگام دولتی»  
 «هر روز بر مردم و رعایت مردم میافزود این عدم رعایت است»  
 «اینکه بطور غیرعادی تر را کرده و بدون نظم و انکسیت»  
 «شکل میگردت ، در گذشته و کنار دستهای تاراجی گرد و رسم»  
 «ممانعت ، البته در اثر وجود قدرت پلیس بسیار شده و رعایت»  
 «رعایت آن ظاهر این عدم رعایتها خیلی وسیع و برداشت»  
 «شهر و هر از با عکس العمل بیرحانه که پلیس روزی و میشه در آن»  
 «بسیار رعایت نظام است در آن شرایط دلیل وجود رعایت»  
 «تأثیراتی شدیدی در بین مردم بود ، این تأثیراتی است»  
 «در میان آن و کارگران بود بلکه حتی قدرهای متوسط اجتماع»  
 «همه است فشار یک بیانه در آن و قانچاقی زیر میکشیدند»  
 «مأمورین پلیس در شهر و از اموال مردمی در خارج شهر مردم را»  
 «نبرد آورده بودند کارگران ایرانی در کارخانهجات دولتی»  
 «در با بعضی زیر شلاق پلیس از روزی آنرا از مردم میبردند»  
 «در میان ایرانی در آخر سالی میبود بودند برای پسران است»  
 «و عوارض و ممانعت دشمن خود را بیرونی برسانند و شکنجه»  
 «ایرانی در محیط و شمشیر و تیر و با بعضی زیاد زندگانی»

«میکردند و رسماً از طرف مقامات مسئول بدزدی تشویق و ترغیب میشدند. روشنفکرانیکه حاضر نمیشدند شرافت خود را از دست بدهند از طرف دستگاه حاکمه بشدیدترین فشارهای روحی گرفتار میشکستند...»

«در سالهای آخر دوره بیستساله دستگاه پلیس تحت رهبری جنایتکار مهروفی مانند رکن الدین مختاری پایه حکومت دیکتاتوری را تشکیل میداد و حتی قدرت و نفوذش در بعضی موارد از ارتش هم بیشتر بود. دستگاه قضائی و سایر ادارات دولتی هم تحت الشعاع پلیس قرار داشتند. قضات دادگستری و وزراء همه از رئیس شهر بانی دستور میگرفتند...»

«قومه مقننه هم تحت نفوذ شدید پلیس مختاری قرار داشت. همه آقایان قضات خوب میدانند که در دوره بیستساله هر وقت که شعبه بازی معروف بانتهابات نزدیک میشد شهر بانی صورت کسانیرا که میبایست بنام نماینده ملت درخانه ملت جا داده شوند تهیه میکرد و همه آقایان میدانند که کلیه کسانیکه معیوض شدند در مجلس شرکت کنند فقط با نزدیک شدن به مختاری موقعیت خود را محکم میکردند. عده زیادی از کسانیکه کرسی نمایندگی را اشغال کرده بودند از اعضاء اداره پلیس مختاری بودند. آنها طبق دستور پلیس قانون میگذازانند و دادگستری هم تحت نظر پلیس عملیات جنایتکارانه آنرا بر علیه مردمان شرافتمند و مخالفین دولت با آن قوانین تطبیق میداد.»

«قانون ننگین ۱۳۱۰ بر علیه آزادی عقاید، قانونی که بطور صریح شکستنده اصول مسلم قانون اساسی و حقوق بشری است از فرمانهای ضد ملی دوره بیستساله است که کمیسیون دادگستری مجلس تحت نظر پلیس بتصویب رسانید.»

«قانون ۱۳۱۰ بتجاوزات پلیس بر علیه آزاد مردان ایران لباس موجه میپوشانید و پلیس هر گونه اظهار وجود و انتقاد و هر گونه مقاومت آزادخواهان و شرافتمندان ایران را به موجب آن قانون مورد تعقیب قرار میداد. اهر و زهر همین قانون با وجود اینکه چندین بار بوسیله قوانین دیگری»

« که به تصور رسای عظیمی در صورتی نقش شده و اوست به دستم نهاده  
 و دستشگاه حیا گنده ایران است و خدای سپهر پر خستالی را  
 « که در سپهر خود را در وادای نظامی گنگور زمانا گویا داشته  
 « بگویم که زندان در جرم گناه سنا و کار او بود از آن میانه نرفته  
 « دستمگانه جانم از آنکه باز نری از صحنه ساز بهائی است  
 « که دستمگانه حیا گنده کشور بهائی از کجای این امر آید  
 « بوی و طای مترقی بر پا نیکمندی »

« نویسنده ای که کشور گنگور و نویسنده ای که در دستمگانه ای که  
 « از اجازت موضوعی از صحت تاریخی بیگانه بود یکی از آنجانب نویسنده  
 « در بیان دوره دست سنا که مسوول بشود ۵۳ قریبه کتابی بود که  
 « بدون شک اسیر بر کسی حتی آنقدر غنای داد که در حضور آنگاه  
 « اسیر بهائی در زمانه افغانی آموزش گنگور را خوانده کرد که بعد  
 « از آنکه در این و نیز در این زمانه این آنگاه که در هیچ آنگاه  
 « در دهان آنجا نیست بود در آن روز گرفتار بنده غیر نیست  
 « حیا گنده است آنجا فقط یک جرم داشته و آن این بود که  
 « نسبتوانمندی در چنانست دستمگانه حیا گنده است میانه و معلوم  
 « در این آنجا هیچ و سناکت نسبی را هم نداشته است آنجا را  
 « جرم داشته که میفرمانند با نماندگاری خود و با نظر از آنجا  
 « هر طوری از دست دادن جان خود ملک ایران را بر تار کند و او  
 « در آن حقوق خود آشنا سازند . جرم آنرا این بود که نویسنده  
 « بیاند که کشور عزیز ما با بیجوه مظالم اسیر با ایسم باشد »

« از آنجا نویسنده ای مظالمی از حمایت دوره دست  
 « سنا که بود . بطوریکه بایدهای اسلامی رژیم حکومت - آنگاه  
 « ایران از ظلم و بود و از روی آدم کشی در داخل و بیرون  
 « معلق از او اسیر و دستمگانه اسیر با ایسم انگلستان در خارج  
 « تشکیلاتیست »

« اولی در - البهای آخر دوره دست - آنگاه عامل چندی  
 « از در صحنه سیاسی ایران قدم گذاشت و این عامل جدید بود  
 « اقتصادی و سیاسی اسیر با ایسم آنگاه بود  
 « در آنجا که گنگور در پی خود در جرم کشی اسیر با ایسم انگلستان در آنگاه  
 « در روی کار آوردن سنا در آنگاه در ساخت :

« امپریالیستها در سالهای اول استقرار نظم نوین »  
 « سوویالیستی در اتحاد شوروی کوشیدند از راه جنگهای »  
 « مداخله چو یانه و سپس از طریق محاصره اقتصادی مولود انقلاب »  
 « را از پا در آورند ولی همینکه در این راه موفقیت نیافتند »  
 « کوشیدند که کشورهای اطراف شوروی را بزراد خانه ها و »  
 « سر باز خانه هائی مبدل سازند . کودتای فاشیستی بسا کمک و »  
 « اشاره امپریالیستها و بهمین منظور در آلمان بوجود آمد . »  
 « امپریالیسم انگلستان که بدست فاشیسم نیروئی جهانی »  
 « برای مقابله با قدرت کشور شوراها بوجود میآورد ناچار بود »  
 « که نفوذ این نیرو را در کشورهای اطراف شوروی منجمله »  
 « ایران بپذیرد . ولی همینکه امپریالیستها احساس کردند »  
 « گریک که خود در دامن پرورده اند بقتصد چانشان دندان تیز »  
 « میکنند ، ناچار با او در افتادند و بسا نفعه منافع خویش با اتحاد »  
 « شوروی و توده های زحمتکش جهان در نبرد با فاشیسم همکاری »  
 « کردند . این همکاری که موجود وقایع شهریور ۱۳۲۰ در »  
 « میهن ما بود منجر به روریختن بنای دیکتاتوری شد ولی امپریالیسم »  
 « کوشید که در اثر این حادثه تحولی در عمق دستگاه حا کمه »  
 « ایران بوجود نیاید . هر چند که در دستگاه حا کمه ایران تغییر »  
 « اساسی داده نشد ولی وجود ارتش متفقین در ایران و »  
 « دخول ایران بجهت ملل متفق در جنگ بر علیه فاشیسم ایجاب »  
 « میکرد که دستگاه دولتی تاحدی ظواهر را حفظ نماید و »  
 « آزادیهای دست و پا شکسته ای را بر رسمیت بشناسد . همین »  
 « موضوع ایجاب میکرد که روز نامه ها تاحدی آزادی پیدا نمایند... »  
 « افکار عمومی ایران خیلی زود بجزئیات سیاسی دنیا و آنچه »  
 « که در ایران میگذاشت روشن میشد و فشار افکار عمومی »  
 « دولت از تجاسی و فشار مجبور میکرد که قدمهایی عقب نشینی نماید »  
 « آزاد کردن زندانیان سیاسی و کسانی که با دستگاه دیکتاتوری »  
 « مبارزه کرده بودند ، آزادی نسبی مطبوعات ، کم شدن دخالت »  
 « پلیس در زندگی مردم ، کم شدن فشار مأمورین ناصالح دولت »  
 « از عقب نشینی هائی بود که دستگاه حا کمه ناصالح ایران با »  
 « بی میلی زیاد ولی تحت فشار تمايلات عمومی مجبور بانجام آن »

«... مردم زندگیشان را فدای آزادی و استقلال و حاکمیت ملی کردند»  
 «... دوره پسندیدند، بلکه بودند و می‌گفتند که ما را چه می‌کند که در دوره  
 «... کیفیت هم‌گونی نسبی مسوولین و اساسی حرا و منافع پیدا شده»  
 «... است، همان روزی که آن دوره گذشته باشد، آن روزی که  
 «... در آن مسوولان و مسئولان خود را نگه داشته و باقی‌مانده‌های آن را به هر یک از آنها  
 «... و گوشه‌گیری کردند تا تمام مرادشان از دست رفته و با همه‌ی مسوولین و  
 «... آن روزها هر اندازه عقاوت از تمام و از آن می‌شدند تا بقدری که  
 «... مبارزه کرده‌های مردم علاقه‌مند به آزادی و استقلال و حاکمیت ملی  
 «... افروخته و بیگشتند»

«... تمام حاکمیت ریشور و مترقی کشور ما را بفریب حسرت  
 «... دیگری داد که باید برای ایجاد یک کشور اصولی و عینی فعالیت  
 «... کردی نمایند» «... جوهرهای تاریک عدم رضایت بهم نزدیک می‌شدند»  
 «... تا روزی که عظیم سعادت آرا را به‌خواهی و از بدو آفرید»

«... در حیرت آورده ایران محضول نمایان حاکمیت  
 «... در کمالیات مترقی و فعالیت‌های مختلف ملت ایران بود» «... در  
 «... آفریده ایران محضول نمایان کارگزاران ایران بود که می‌خواستند  
 «... در دوره زندگی شهرت‌ناز فعالیت‌های تفسیری پیدا کرده از خیال و  
 «... در هزار تنگ و بی‌ساخت کار تجاری چیزی نگریستند آینه از نشناختن  
 «... و وارده گشت گردید» «... سطح زندگی آنان بالاتر رود تا از  
 «... صورت بر آن بدون حق می‌باشد صورت افراد آزاد در آید»  
 «... و شواهد از حقوق حقه خود که قوام این کشور با آنها آمده است»  
 «... دست‌های نمایان»

«... در حیرت آورده ایران محضول نمایان فعالیت‌های ایران بود»  
 «... که می‌خواستند در حقیقت نظام ما را که در مسوولین دولت خلاصی باشد»  
 «... و روزی که هر انسان از این سر پایه اصول قانونی کشور پیدا کنند»  
 «... در حیرت آورده ایران است» «... محضول نمایان کتب و دست‌نویس  
 «... و از آن مترقی کشور بود که می‌خواستند به‌جای قانون و عدالت  
 «... و با از کشور می‌روند بیرون گشت و با بالا برین شرحه و  
 «... قهرناک شد» «... راه‌های مترقی و به‌شرف را بازنمایند»  
 «... تا بالاخره چیزی آورده ایران محضول نمایان تمام  
 «... چیزین بر نشان ایرانی بود که تا این استقلال ایران هدایت کردی»

«آنانرا تشکیل می داد ...»

دادستان حزب توده ایران را بتهتم کرده بود که «بتمامیت و استقلال کشور لطمه وارد آورده است».

دکتر کیانوری در این باره از حزب توده ایران دفاع کرد و تقاب از صورت کسانی که با استقلال و وطن ما لطمه وارد آورده اند برداشت. او پس از تفسیر اصل دوم مرامنامه حزب توده ایران و نمایاندن کوششهای پر افتخار حزب زحمتگاران در کسب استقلال و وطن، بدگر مواردی از خیانت هیئت حاکمه بوطن، با استقلال و منافع آن پرداخت. توطئه ای که در سال ۱۳۲۵ با اشاره امپریالیسم برای لطمه وارد آوردن با استقلال کشور بشکل «نهضت جنوب» ظاهر شد و از طرف دولت و مقامات رسمی بخیانیت بمملکت متصف شد و ای بددها سران خائن این آشوب باشند مدال نائل گشتند از جمله این موارد بود.

فرزندانیت شایسته ملت باردیگر ثابت کردند که هر دعوی هیئت حاکمه در حفظ استقلال و وطن دروغی بیش نیست زیرا اگر درست است که استقلال سیاسی بدون استقلال اقتصادی میسر نیست، هیئت حاکمه که بمستور امپریالیستها و برای حفظ منافع و تحکیم سلطه آنان در راه ایجاد منایم هزار اشکال می تراشد و با قبول وامهای امپریالیستی زنجیر تازه ای بر اسارت اقتصادی ملت ما میافزاید، نمیتواند دعوی طرفداری از استقلال وطن کند.

دادستان مدعی بود که نهضت دموکراتیک آذربایجان قصد «لطمه وارد آوردن بتمامیت ایران داشته است». کسیکه با فروش همه خصایص انسانی بتهتم ساختن بهترین فرزندان ملت برخاسته بود، از کوشش های فداکارانه خلق آذربایجان در راه آزادی ایران بنام «خیانت» اسم برده بود. مبارزان حزب توده ایران باین اتهام هم جواب شایسته ای دادند و هرگز نترسیدند که عبدالرحمن فرامرزی ابن الوقت جاه طلبی که روزی پیشه وری را بنجات ایران دعوت مینمود، در روزنامه کیهان تلوینها آنها را باعدام تهدید کند.

دکتر کیانوری از اظهار نظر دولت در روزنامه های وقت درباره نهضت دموکراتیک آذربایجان شواهدی آورد:

«دولت وقت نبایدگان فرقه دسو کرات آذربایجان را»

«بتهران دعوت کرد و با کمال احترام از آنها پذیرائی نمود»

« و ایلاتی برای اسراف و اسرافهای بی‌قصد و زیاده  
 « صورتی که جهالت ذیل در آنجاست (دو فرجه مذکور است ۱۰) »  
 « در دوره اخیر ... بعضی از آقاها در اینده گان آذربایجان اعتقاد  
 « داشته و دارند ... امیدوارم با حسن نیت و حسن وجهن بر مبنی که در  
 « در اینده گان اعلی آذربایجان احساس نموده ام در بیانی عرض کنم  
 « در مورد که نگوانی هم در این مطرفه ربا در نظر گرفتند و مطالبه  
 « قانونی دولت معاکلاته خلی از هر جهت مرا نظر گرفتند »

« در روز ۲۷ خرداد ۱۳۲۵ نیز در مجلس تصدق و زین  
 « در مجلس رأی می نمود در باره علت پیدایش فرقه صوفی گران »  
 « آذربایجان چنین گفت »

« (مطالعون که در اینده گفتند و سوخته است و آبهای گذاشته  
 « در غربانتهای بی در پی ساخته گان تعلیمی مجلس و بی اعتدالی  
 « در ایران قوانین اساسی و حقوقی مملکت مردم میباید که محترم آن  
 « در هر زمان مستحبه و مقبول ایران باشد بطور تمام از آزادی تمام  
 « نموده و تحولات اخیر آذربایجان را در وجود آورند )  
 « در روزنامه کیهان در شماره ۹۵۶ و ۹۵۷ به تاریخ ۲۵ اردیبهشت  
 « ۱۳۲۵ نوشته »

« در این باره شما نایب تهران شوید بهتر آن را تابع نمود  
 « کنید . من می دانم که پیشه روی بازار است و اکثر آن خواهند  
 « کرد و نخواهند گفت شما بیشتر حاجی بود که میخواهید بنظر اینده  
 « من بر این و شما را بخواهد بدینم ... آقای پیشه روی اولاً اگر  
 « شما بیاید و ما را دعوت بدهید بر این ما تلقی نیست برای »  
 « این که شما اینانی هستید و نباید بنگه اینانی ما را از این در مملکت  
 « دعوت نمودند و نگارید این ایرانی شما را کنید ... »

« از شماره ۹۵۶ شبیه ۲۶ اردیبهشت روزنامه کیهان  
 « در این باره در این پیشه رویا حاضر شد که جایی حرفه  
 « نیست که بساط سابق بر روی بر خواهد گذشت . باؤهم مغفرت  
 « بعد از سیاست خواهد شد . مقدمات من و شما و سایر افراد  
 « کشور را در آن گویند تعیین میکنند که توی بیق و بیوفی  
 « و بکنند و بیگانه و امور مملکت را حق و فصل میکنند .  
 « همانهایی که یک چار خراب و بیگانه بود که در تمام ایران »

«تر جمیع می دهند...»

«آزمایش شماره ۹۳۸ سه شنبه سوم اردیبهشت ۱۳۲۵»

«روزنامه کیهان:»

«... اگر دولت سر باز و توبی و فشنک بفرستد و آنجا»  
 «را با زور نظامی تسخیر کند معلوم نیست خوب باشد زیرا»  
 «ما میترسیم با کشتن نهضت آذربایجان چرنومه آزادی را در»  
 «تمام ایران کشته باشند. اگر پیشه وری و یاران او را قلم و»  
 «قلم کردند فرداست که دکتر طاهری. ما قدر است میکنند و»  
 «چوب تکفیر سیاسی را بدست گرفته هر جا آزادی خواهی را دیدند»  
 «منترش را با آن چوب میگویند. میگویند شما بودید که میخواستید»  
 «مملکت را تجزیه کنید! نو کر روس هستید! ارانذید! او باشید!»  
 «مزد کی هستید! و با این عنوان هر جا صدائی از آزادی بلند»  
 «شود آنرا خفه خواهند کرد...»

انگار پیش بینی آن روز فرامرزی درست در آمد، با این تفاوت که امروز خودش در صف کسانی قرار گرفته که چوب تکفیر سیاسی بکف دارند.

سپس دکتر کیانوری گفت:

«در اینجای لازم است خاطر قضات محترم را آهنگار»  
 «سازیم که در مورد نهضت‌های ملی قضات دولتهای»  
 «زود گذر مالک نیست بلکه حکم آخرین با ملت جاویدان»  
 «ایران است.»

«حزب توده ایران و مبارزان آن افتخار دارند»  
 «که پیوسته حوادث نیا و ایران را با منطق علمی خویش»  
 «سنجیده، بر اساس مصالح ایران عزیز باخذ تصمیم»  
 «پر داخنه و تپسای جهان بر سر تصمیم خود ایستاده اند.»  
 سالهاست که هیئت حاکمه خائن با بیگانگان استعمار طلب هزار پیوند  
 آشکار و نهان دارد. بهترین ابناء ملت ایران را به «بیگانه پرستی» منهم  
 میکنند. این اتهام از طرف دادستان نظامی چند بار دیگر هم در صحنه  
 دادگاه تکرار شد ولی این بار هم نمایندگان حزب توده ایران با هزار دلیل نشان  
 دادند که این هیئت حاکمه است که داغ خیانت و بیگانه پرستی بر پیشانی  
 دارد. دکتر کیانوری در این باره نظر حزب توده ایران را در باره



سیاست خارجی توضیح داد و اطمینان نمود که حزب توده ایران هنوز از نقطه نظر منافع اکثریت عظیم زحمتکش ملت ایران بین سیاست جنگ راه و استبدادی امپریالیست‌ها و سیاست صلح جوانانه و آزادی خواهانه اتحاد جماهیر شوروی سردیالیستی تفاوت اساسی باقی است و گویند:

«سیاست ملی کمونیست و سیاست ملی سوسیالیست است که در تمام منافع اکثریت مردم ملت باشد. برای ملت ایران مردمی»  
«حزب کمونیست ایران یعنی بستگان بزرگ همه مبارزان و صلح‌خواهان»  
«تسلیم می‌شوند.»

«اولاً دسته عظیم آزادخواهان یعنی دسته ای که در تمام ایران در تمام طبقه و همه و از همه ملت حاضر است و بر عقیده است که ما در ایران بر علیه دزدان بین‌المللی و جباران لنگر زودستی و مداخله می‌باشند.»

«۱۹۲۰ - دسته انقلاب مستازای سرمایه دزدان استبداد و طبقاتی که هم‌شان برده کردن زحمتکشان دنیا و بهره کشی»  
«بزرگواران ایران است و آن‌ها همیشه مقوم هستند که از دست دزدان آزادیخواهان بیرون بکشند.»

«از آنجا که حزب توده ایران که خود را حامی و مدافع و دستگیر ایران می‌داند بطور منقطع در زمینه سیاست»  
«دنیای از یکطرف منصف بزرگ جنگری می‌باشد با نیروی ملی»  
«آزادیخواه دنیای است و از طرف دیگر پریمیاریست»  
«مسیحی ملی بر علیه جرم کثرت بین‌المللی سوسیالیست که در آینه»  
«در دور دوری که ظاهر کنند می‌باشد. حزب ما همانطور که»  
«در گوشه گوشه با دست‌های حلیان را خانات مسافر علی ایران»  
«می‌داند هر گونه دستی با آزادیخواهان دنیا را نیز می‌داند»  
«تسلیم با امپریالیسم می‌شوند.»

پس این افراد که امروز انبساط خودری و طبقات نیروهای صلح دوست و آزادیخواه سراسر جهانند و از آشوب در ایران هر دولتی که ادعای عدم گرامی و علاقه به صلح دارند باید بر این عظیم گذاشتن نقشه های مبارزه آور آزادیگشی و خنک سلطنت امپریالیست‌ها با اتحاد خودری جنگری دست‌ها کنند در باره روابط ایران با کشورهای امپریالیست یاد آورند که حزب توده ایران نمی‌تواند هیچ رابطه ای میان ایران و دولتهای امپریالیست

نیاشد - بلکه میقتداست که این رابطه باید بر اساس حفظ منافع ملت ایران و تساوی حقوق مستقر گردد :

«استعمارطلبان و نوکران ایرانی آنان سعی می کنند»  
«که این اصرار ما را در برقراری روابط دوستانه و صمیمانه»  
«با کشور های آزاد بخواه و با فشاری مادر مبارزه بر علیه»  
«امپریالیستها و آتش افروزان چنگ را بیگانه پرستی نام دهند.»  
«آنها حق دارند زیرا این اصرار و با فشاری ما هدفش حفظ»  
«منافع ملت ایران است و ملت ایران برای دستگاه حاکمه ما»  
«بزرگترین بیگانه به حساب می آید.»

سپس ادعای دادستان درباره معارضه با «حکومت ملی» و تبلیغ مرام اشتراکی مطرح شد. از خیانت‌های بی دریبی هیئت حاکمه به ملت ایران و مبارزه حزب توده ایران با حکومت هائی که جز برای تأمین منافع ضد ملی امپریالیستها قدم برداشته اند، از کوششها و مبارزات حزب بزرگمتکشان برای بوجود آوردن حکومت ملی و رژیم دموکراسی واقعی سخن بمیان آمد و در مورد چوب تکفیر سیاسی که دشمنان ملت با اسم مرام اشتراکی بر کف گرفته اند برنامه اقتصادی حزب توده ایران، مبارزه با فئودالیسم و اقتصاد شیانی، کوشش برای ایجاد یکدستگاه اقتصادی مترقی و متمرکز مورد بهش قرار گرفت :

«آقایان قضات : این ماده (ماده ۵) از مرامنامه حزب»  
«توده ایران چنانچه ملاحظه کردید فقط بمنظور رفاه ملت ایران»  
«و استقرار نظارت دولت ملی بر صنایع شخصی و مالکیت های»  
«صنعتی است در راه مصالح اجتماعی. این ماده از مرامنامه»  
«حزب توده ایران بدعتی دودموکراسی نیست بلکه از شئون»  
«تبیعت شده آنست. در دوران چنگ اخیر و پس از آن موضوع»  
«رهبری صنایع در اثر مطالبات توده های مردم بصورت موضوع»  
«روز در آمده و علاوه بر کشور های دموکراسی نوین در»  
«ممالکی مانند انگلستان و فرانسه نیز نظارت بر صنایع بزرگ»  
«در برنامه دولتها قرار گرفت... برنامه های مترقی مانند برنامه»  
«حزب توده ایران از طرف عمال امپریالیسم از هم پاشیده»  
«میشود. ویکی از وسایل مثلاًشی برنامه های مذکور چنانکه»  
«تکفیر سیاسی است. اینک این چنان را بدست آقای دادستان»

«عاهده ای که کوی قانع خواهد شد، حقیقت و واقعیت یا در تاریکی  
تو میروغ زنی گمراه رنگ خانه خواهد کرد، آینه تو به یک نشان  
خواهد داد.»

منگت ما که تصور می‌کند که با «فرقانوی» اعلام کردن حزب  
توده ایران با پیوستن صدای از رهبران و مبارزان آن می‌تواند نخست  
توده‌های زحمتکشی ملت ما را ترسان کند، از داود، ولی امروز که هنوز هم  
صدای حزب توده ایران عازق مبارزان و امید یعنی آزاد مردان است  
تاریت بودن این تصور بر همه روشن شده است، رهبران حزب توده ایران  
در دانشگاه نظامی به وقت ما که گوشه زدند که این تصور باطل است  
زیرا حزب توده ایران یک پدیده ضروری تاریخ ایران و مظهر مبارزه  
طبقات زحمتکش بر علیه طبقات ماست و پیوسته است و پیوسته است و پیوسته است  
باز هم در برابر طولانی بلای استوار خود میماند حزب توده ایران است.

«حزب توده ایران همیشه به همه کسبه سرگرمی  
دیوید داشته است که ما پس از پیوستن با آن بین رفتن آنرا از  
بین برود، دستگام ما که ما در هر لحظه هفت سال و نیم اخیر  
«پیش از همه ما در نقاط مختلف ایران تصورهای مختلف  
«این آزادی را کرده است که «تاریت و «تاریت» کوی ما و «تاریت»  
«تاریت» مسئولین حزبی نتوانسته است حزب توده ایران را از  
«بین برود بلکه حزب توده ایران طبق بیان آقای دادستان در  
«ادمانه خودی در کوی اکثرین نقاط دور افتاده ایران توری  
«کرده است آزادی از «تاریت» هم بدون هیچ نتیجه ای به همان  
«نتیجه آزادی ملی قبلی برای دستگام ما که ایران بهار  
خواهد آورد.»

«دکتر کپالتوری در بیان آن قسمت از تاریخ مسمومی که بر عهد ما بوده با  
شهادت مردی که بیروزی لیانی زحمتکشان و حقانید راه خود ایمان دارد  
با بطور شرف گفت:

«... آنها ما گفته و نوشته ای همه مورد تصدیق و تأیید  
«وظایری از اد دستگام ما که است، در اینجا این سوال پیش  
«قدی است که اگر صرف ما و آنها یکی است پس چرا می‌تواند  
«چرا آنها ما را می‌کند می‌کند ما در و می‌کند می‌کند ما را می‌کند  
«دستور ما که ما را خانه اند» پاسخ این سوال زیاد دستگام»

« نیست يك نظر به منلیات دو طرفه موضوع را روشن میکند، مثلاً »  
« ما میگوئیم بر علیه دزدی و رشوه خواری باید مبارزه کرد »  
« آنها هم همین ادعا را میکنند، زندگی ما و آنها، ثروت ما »  
« و آنها بهترین دلیل صداقت ما و دروغ زنی آنهاست ... آقایان »  
« قضات ! جرم ما همین است که راست میگوئیم و با تمام نیروی »  
« خود برای عملی ساختن آنچه میگوئیم ایستادگی میکنیم .. »  
« جرم ما این است که از آزادی ملت ایران دفاع کردیم ... »  
« جرم ما این است که نتوانستیم فساد غیر قابل تصور دستگاه ها که »  
« را به پیشیم و دم فرو بندیم ... جرم ما این است که بر علیه چپاول »  
« ثروت ملی بدست استعمار چپان قد علم کردیم .. جرم ما این »  
« است که بر علیه نفوذ استعمار طلبیان در ایران مبارزه کردیم ... »  
« جرم ما این است که هدفی جز ترقی واقعی کشور نداشتیم ... جرم »  
« ما این است که پرده از روی خیانت های چند ساله هیئت حا که »  
« ایران برداشتیم ... جرم ما این است که توطئه های آتش افروزان »  
« جنگ جهانی را فاش ساختیم و در مقابل چشم ملت ایران پرده »  
« از روی این دسیسه های شوم برداشتیم ... »  
« آقایان قضات ! جرم ما این است که زندگی خود را »  
« با مقیاس منافی ملت ایران سنجیدیم . جرم ما این است که همه »  
« چیز را فدای آزادی و استقلال و سر بلندی ملت ایران کرده ایم . »  
« جرم ما این است که هر روز بر رنگی در نیامدیم . جرم ما این »  
« است که همیشه راست گفته ایم ، سر سخته بودیم ، ضعف نشان »  
« ندادیم و بدشمنان ملت تسلیم نشدیم . این ها بود جرم های »  
« نابخشودنی ما و برای همین جرم هاست که ما از درین دزدان و »  
« آدمکشان بزدان افکنده اند . برای همین جرم هاست که ما »  
« را مجنا که میکنند . برای همین جرم هاست که دستور محکوم »  
« کردن ما را صادر کرده اند . »  
« آقایان قضات ! این زندانبان ، این مجنا که و این »  
« محکومیت بزرگ ترین سندا افتخار هاست . ما در پیشگاه ملت »  
« ایران سر بلندیم و در جریان این مجنا که ها که قاضی واقعی »  
« و آخری آن ملت ایرانست برائت ما و محکومیت هیئت حا که »  
« بهترین و جعی با ثبات رسیده است ... »

«آقایان حضرات! خدمت ایران با وضوح اقتصادی و جغرافیایی و  
 «سیاسی خود، بر حقایق از تاریخ تکامل خود، وسیله است گشته  
 «دانشک نمودار عظیم در پیش تازد. این نمودار عظیم، مدونی و  
 «خبرنامه رسید، هر قدر دستگام خاکست ما بر تیره استکس و  
 «مؤسسه و بانک آمریکایی ننگه گشته و از آنها همه بگذرد در  
 «پایان رسیدن این نمودار عظیم تغییر محسوس در رخ نمودار  
 «آقایان حضرات! چینی و یونانی را انگار گشته این مکتبهای  
 «دانش و مباحثات با همان اتمه ای که استوار طالبان برای برده  
 «مسلطه آنان فرستاده بودند امروز آزادی خود را بدست  
 «میاورند. اگر اتمه و پول و زر فرستاده است از مکتبهای  
 «معا که از مکتبهای جلو گیری گشته چنان که چنانکه امروز برده  
 «زادگان و مکتوبت نشسته بودند»

«دینت خاکه از زمین رسیدن این نمودار عظیم مکتبها  
 «غیر انسانی منگنه میبرد. آزاد مردان را بهین نمایان، با ننگنه  
 «نیز بر مدهد. انعام بیگانه وطن پرستان را با انعام بیگانه  
 «نماید در میاورد. دانشندان را بهیچ دفاع از علم و دانش ندهد  
 «چیر که اراذل و اوباش بیاداره. علم توپا کارگر و معیان را  
 «از کویچکترین بردهوی تر از حقوق انسانی محسوس میسازد.  
 «دولت با این همه آن چیریک هیئت خاکه ایران از زمین رسیدن  
 «آن باشمه بیفاد گری دست بر تازد در اثر همین بیفاد گری  
 «درد تر خواهد رسید.»

«شماره ای که علم ایران از هفت سال و نیم پیش تصدق  
 «و سبوی حزب بر اجتماع بوده ایران آقایان گنیده است بر  
 «خلاف آنچه که سراسرین تصور مکتبها هر روز بیرون فرستاده  
 «دوران میگذرد. علم ایران هیچ چیز غیر از سوغ بندگی و  
 «اسارت از دست نخواهد داد. اما ما میاوردن حزب توده ایران  
 «سریازان راه آزادی محسوس و امروز که قسم در این راه بر خط  
 «تهدید زنگی خود را وقت کرده»

«آقایان حضرات! امروز هیئت خاکه ایران از شما میخواهد که  
 «دستی از کارهای ضد ملی اوچامه قانونی پیششاید از برای  
 «که شما بدهید هر چه هم معذور باشد تا کی تا از برای

« بیشتر تعقیب کنید و راضی باشید که تاریخ آنرا محکوم نکنند »  
« فکر کنید ! شما بامحکوم کردن ما میهن پرستی آزاد بخواهی  
« و شرافت بشری را محکوم خواهید کرد. »



آن قسمت از دفاع عمومی که مربوط بشرکت حزب توده ایران در پارلمان و دولت بود برعهده دکتر بزدی بود. دکتر بزدی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران که خود یکی از وزرای کابینه ائتلافی بوده است روش و برنامه کلی حزب توده ایران را در این دو مقام رسمی مورد بحث قرار داد. اعلامیه و برنامه فعالیت و نتایج درخشان مبارزات فرا کسیون توده را در مجلس چهاردهم مثل شلاق بفرق متمم کننده دروغگو کوفت و نشان داد که نمایندگان توده ای سرسخت ترین مدافعین مشروطیت و قانون اساسی بوده اند !

« فرا کسیون حزب توده ایران در مجلس چهاردهم »  
« بشهادت تاریخ تنها فرا کسیون بی بوده است که تا آخر بوفت »  
« لعظمتان دوره مزبور در راه اجرای برنامه خود و تأمین »  
« تقاضاهای ملت ایران وفادار مانده و در عین حال برای حفظ »  
« و تحکیم اصول مشروطیت با کلیه و کلای آزاد بخواه و اقلیت »  
« اصلاح طلب مجلس همکاری مؤثر داشته است. اعضای فرا کسیون »  
« توده در مجلس چهاردهم از شرافتمندترین و دانشمندترین »  
« نمایندگان بودند چنانکه مخالفین نیز توانسته این حقیقت »  
« را نادیده انگارند ... »

« و کلای توده در تمام مدت نمایندگی خود بیک قدم در »  
« مجلس و بیک قدم در میان ملت داشته و مانند ساده ترین افراد »  
« ملت با توده های عظیم ارتباط ناگسستن و نزدیک داشته . »  
« نمایندگان حزب توده برخلاف اکثریت مجلس با همه مقت و اقبی توده »  
« های ملت ایران بودند و بنا بر این نمیتوانستند جز در راه اجرای »  
« منویات و تقاضاهای ملت ایران قدمی بردارند ... »

« و کلای حزب توده ایران در مجلس چهاردهم »  
« پیوسته در دلهای ملت ایران و تقاضاهای او را از پشت تریبون »  
« مجلس با کمال شجاعت بر سر کرده لزوم اتخاذ روش ملی را »  
« به پشت جا که تذکر دادند چنانکه آقای دکتر کشاورز در »

جلسه آزاد خرداد ۱۳۲۶ زادگی ملت و نقش ملت ما که راه  
چون نوعی پیشگام است

«... و نقش که من بیان حمایت ملت ما که ایران است  
«در این میگویم آنچه را که برای ملت ایران از تمام شده میران  
«دوستی که ما کردیم... حق و جبهه از من... حق یعنی ملت ما  
«پروچ الهی بود دو صد اهالی این مملکت در نوبه اطاعت الهی زیاده کرد  
«میگفتند که برای این و آن می شود نگاه داشته کرد... دهنه از ده تریه  
«در یک اهالی ایران که در پیش که در میان جهان کنده است و  
«پایه نوبی همان اطلاق جاری چشم بند و مادر جانت بسند  
«حق یعنی اینکه مستقیم بر موانع کنایات من بند و یک تریه  
«پس این (از هر تریه آن) مستقیم اینک بولد ندارد... حق یعنی  
«اینکه اسیران جلد از من ما با سبیلی صورت فشارت را سرخ  
«نگاه می دارند و برای ساطع اینکه آبروی او تریه فروت باشد  
«یک دست لباس را با آن ازج و انعام سایر نگاه دارند و بیرونند  
«و میان مردم شوری سر کت کند... که او بروی از تریه را سینه کنند  
«حق یعنی یک کارگر بدست و شایان که چشمه و نیم قبل فوت  
«را کرده پنج بیه و یک زن گذاشت که طلا در نور است مشغول  
«گمان می کنند... حق یعنی اینکه فلان کرمند آبرو می دهند که  
«حقوقش کم است برای اینک... خارج از آن گمانش گریه است  
«بدست این اداره تریه می خورد... حق تصور نمی کنم که کسی  
«استیضات منی داشته باشد و نماند که ملت ایران ۸۰ درصد آن  
«اینطور است... (از جمله) چرا ملت ما بسواد نگاه می دارند  
«و بر مریه می گذارند... برای اینکه برای ملت ما یک ملت  
«با سواد هم یک ملت ما که با سواد می تواند حکومت بگذرد  
«تصور بر یک ملتی که دیده است و با سواد است بسوادها  
«حکومت بگذرد...»

«در یک مملکتی که در یک نهادیم... در یک مملکتی  
«که مردمش به نسبت طبقات ما که از من و جبهه ما است  
«در این مملکتی مملکتی عرق را هم اضافه بکنید... امر این مختار است  
«را هم اضافه بکنید... تریه را هم اضافه بکنید... به پیشه از این  
«مات دیگر چه میماند... در امر این مملکت و در یک مملکت ایران»

« از هیچ لحاظ تا همین نداشته باشد ناچار برای اینکه طبقه حاکمه «  
« خود را بملت مسلط بدارد باید متوسل بزور شود . »  
« حکومت و دولتی که از ملت باشد و بسرای ملت »  
« خدمت بکنند برای حفظ خود احتیاج باعمال زور ندارد . چنین »  
« دولتی را ملت بر روی چشم خودش نگاه میدارد ، اما اگر یک حکومتی »  
« یا یک دولتی ، یک طبقه حاکمه ای بفکر ملت نباشد و از ملت »  
« نباشد ناچار میشود ملت را بازور نگاهدارد . امتنا ز یاد است »  
« پرونده سازی ، ترسانیدن ، تولید وحشت کردن ، ترور کردن ، »  
« برای خاطر این است که کسی بر علیه طبقه حاکمه صدایش »  
« در نیاید ... »

« نمایندگان فرا کسیون توده اولین کسانی بودند که »  
« بنه و بسیار موثری دولتها را باصلاح دستگاه دولتی متوجه »  
« ساخته و آنان را برقم نواقص موجود تشویق و ترغیب میکردند . »  
دکتر یزدی توضیح داد که مبارزه فرا کسیون حزب توده ایران در  
مجلس چهاردهم چه تأثیر بزرگی در بیدار ساختن ملت ایران داشته است .  
هیچکس فرا کسیون مزبور در اثر مبارزات درخشان خود موفق شد که از تصویب  
بسیاری از قوانین ناقص قانون اساسی جلوگیری کند . مبارزه نمایندگان توده ای  
با استخدام مستشاران خارجی از صفحیات پر افتخار تاریخ مبارزات ضد استعماری  
حزب توده ایران است . دکتر یزدی در پایان این قسمت از دفاع عمومی  
گفت :

« ... فرا کسیون توده در مجلس چهاردهم یکی از »  
« دژهای مقاوم ملت ایران بود . در مجلس پانزدهم بارها از »  
« فرا کسیون توده بنام محکمترین و راستترین و مبارزترین گروه »  
« پارلمانی نام برده شد و خیر گزاریهای خارجی نیز بارها این »  
« فرا کسیون را با همین صفات ستوده اند . فعالیت فرا کسیون »  
« پارلمانی توده ایران یکی از افتخارات دوران مشروطیت »  
« ایرانست . »

دکتر یزدی سپس بدگر علل شرکت حزب توده ایران در دولت و  
اصلاحات وزرای توده ای در وزارتخانه های مربوطه پرداخت :  
« با آنکه حزب توده ایران از آغاز دوره چهاردهم »  
« مجلس بان درجه از قدرت رسیده بود که در سر نوشت ملت »



د ایران و سوا مضائقه نماید و این بواسطه میاست که هر یک از این «  
 «**انگیزش مجلس و تشکیک دادن کارنامه های هر یکی که بعضی گریه و  
 «**بعضی استیفا در چنین روزها می کنند اما باینکه در بعضی موارد  
 «**آنموضوعات را با بعضی کوشش های «بفان» از «تکلیف و تقاضای  
 «**مالک ایران و روسا اگر چه همیشه های دشمنان داخلی و خارجی  
 «**در میان ایران بود ، میارزد و ایران را حزب توده ایران و کلیه  
 «**بشماری از این گروه و معنی در راه جلو گیری از «توده مجلس»  
 «**«بیچاره» و هر قریه و قریه های دیگر که اینک از تصویب را «توسط  
 «**میسور کرده و باعث شده که دولت نوام السلطان که در آذربایجان  
 «**«ظانرا» خود را با این نامه های مرقوم و «توسط که اینک «توسط  
 «**با آن از جمله ایران سران همان میدان از «حزب توده ایران»  
 «**«تاری» شرکت در کارنامه میباید تا بود.»**********************

«**مگر بر روی این از «توسط مبنی از «توسط که در آن روز که «توسط  
 «**مخلوط آملی برنامه روزهای توده ای در «توسط و وزارتخانه های مربوطه  
 بود گفت:****

«**در نامه کار و روزهای توده همانها می بود که «توسط ایران  
 «**«توسط نامه های این روزها «توسط» یعنی «توسط که در شرایط  
 «**«**آزادی» نیز «توسط» و «توسط» «توسط» زندگی اکثریت  
 «**«**«توسط» های ایران را «توسط» بود ، «توسط» «توسط» و  
 «**«**«توسط» «توسط» و تهیه کار برای «توسط» در «توسط» «توسط»  
 «**«**توجه و «توسط» «توسط» گرفتن و «توسط» «توسط» «توسط»  
 «**«**«توسط» و اصلاح برنامه های فرهنگی که هر چند «توسط» «توسط»  
 «**«**«توسط» «توسط» از طرف «توسط» «توسط» «توسط» و هر که  
 «**«**«توسط» «توسط» در برنامه روزهای توده «توسط» «توسط»  
 «**«**«توسط» «توسط» «توسط» و «توسط» با «توسط» «توسط»  
 «**«**«توسط» مردم از «توسط» بود که در «توسط» کار و «توسط»  
 «**«**توجه اساسی بدان «توسط» گردید.»**

«**روزهای توده در «توسط» «توسط» بود ، بر «توسط» «توسط»  
 «**«**«توسط» «توسط» قبل که حتی «توسط» «توسط» «توسط»  
 «**«**«توسط» «توسط» «توسط» «توسط» «توسط» «توسط»  
 «**«**«توسط» «توسط» که «توسط» «توسط» «توسط» «توسط»**************

« بآن دست زدند موضوع بیرون کردن افراد بقت خور و قطع  
 « مواجب کسانی بود که بدون آنکه کاری انجام دهند حقوق گزافی  
 « دریافت میکردند و این عمل را چنان با تهور و شهامت انجام  
 « دادند که حتی دشمنان و مخالفین مانیز نتوانستند از تعسین  
 « و ستایش خودداری نمایند... وزیرای توده ثابت کردند که در  
 « اجرای نقشه‌های اصلاحی خود ملت ایران و افکار عمومی را  
 « بزرگترین پشتیبان خود میدانند و از هر گونه دسیسه و  
 « سازشکاری بشدت بیزار هستند..»

« وزیرای توده در بین زمامداران ایران اولین کسانی  
 « بودند که باتمام قوا برضد مداخلات امپریالیسم مقاومت  
 « میکردند و در این راه ایستادگی شایان تحسینی بخرج دادند»  
 « همین مقاومت دلیرانه بود که مقامات امپریالیستی را از همان  
 « روزهای اول تشکیل کابینه بکارشکنی و دخالت در امور داخلی  
 « ایران و ایجاد مشکلات بمنظور تضعیف دولت وادار نمود...»  
 د کتر یزدی توطئه‌های امپریالیستهارا که بدست نوکران ایرانیان  
 بر علیه نهضت آزادی ملت ایران صورت گرفت، بیان کرد و پس از آنکه  
 واقفیت یکی از بزرگترین توطئه‌های خائنانه و ضد ملی یعنی « نهضت  
 جنوب» را آشکار ساخت، گفت:

«... هنوز دو هفته از مسافرت مملون نهضت وزیر  
 « باصفهان و دستگیری دوتن از سران بختیاری نگذشته بود که  
 « خبرهایی دایر بر تسخیر بوشهر و هجوم بشیراز و قطع خطوط  
 « ارتباطی منتشر گردید و بزودی معلوم شد که باغبان جنوب بتصرف  
 « مستقیم امپریالیسم اسلحه بدست گرفته و بمنظور تأمین نفوذ سیاست  
 « استعماری شورشهای دامنه‌داری ایجاد کردند و جالب توجه اینکه  
 « ضمن اولین تقاضاهای خود این نکته را خاطر نشان میساختند که  
 « باید وزیراعزود از کابینه برکنار شوند. وزیرای توده بنا بدستور  
 « کمیته مرکزی در جلسات کابینه جدا ایستادگی کردند و حرف  
 « آنها این بود که باید در مقابل راهزنانی که بتصرف امپریالیسم  
 « برضد تمایلات ملت ایران قیام کرده‌اند مقاومت نمود. حزب  
 « توده ایران پیشنهاد داد که دولت باید در رفع این غائله از کلبه  
 « نیروهای دمکراتیک کمک بخواهد و ملت را برای سرکوبی»

در این زمان داخلی توجیه نماید. روزنامه‌های کان جنوبی بود و ایران «  
 «همینا اگران عبارت و در او معا کفر است که عرب توجیه ایران تا  
 «چرا از تازه خاطر بنگاشد و غذا کفری در راه مصالح ایران  
 «درون و او چه خبر زمانه ایران و شد را با ایران بر استوار میباشند  
 «و شخصیت تنویق و سرخس میگردند اما عینا تا به جریا کاتوری  
 «همینطور دیگر بود و در راه دیگر کاپینه با آنکه در آغاز کار بود و  
 «علی الظاهر طریقت از عیان سیادت مانی نشان دادند با متلاوه  
 «زیگی در نظر نگه‌بان در مضایق ساریت استعماری و سینه‌ها  
 «و با شد کردن همه زیادی از سر بازار بیگانه و انداز ایران  
 «فارس را در کاف از عیانها گردند و مخصوصا بعضی از عیانها  
 «دوران او نشی که پوسته از ادعای وطن پرست و سوء استفاده  
 «میتوانند به بیگانه ایران کثرت مقاومت ندارد در مقابل  
 «و بیستادان و در او توجیه ای مخالفت شدید ایران در دست  
 «دانشیه چندی علیه بیعت و وزیران عیان و سرش تسلیم گشته  
 «و بالاخره بر اثر اعتراض شدید و زورای توند و عین ش کثرت  
 «مخالفات هیئت دولت قسمت وزیر مجبور با استعفا و تشکیک کاپینه  
 «دیگر که در وقت مسکن بود در کاپینه او که خود آنها در آفت  
 «در کثرت دادند در زمانی که حتی دولت وقت نیز توسط آسپاده  
 «دیدن این هیئت انگلستان و برآمد استقلال و تمامه از منی  
 «ایران دانست بود بیانش و وطن تروشی در یافت نشان و عدالت  
 «مقتضی گرداند و زورای توده افکار دارند که ما این عیانها  
 «را تمام قوا بر او کثرت و دامن خود و سرب خویش را بکاف  
 «بکنند»

میسوزد که بزودی با کثرت اصلاحاتی که و زورای توجیه ای در عادت بسیار  
 «گرداند و زورای توده در روز از عیانهای سر وسطه انجمن دادند و بدین جهت  
 «در وزارت فرهنگ تهیه دستگام اداری از زیاد توده وزارت فرهنگ  
 «شامه دادن به جمهوری بلژرستان و زورای توجیه چشمی هائیکه در اروپا و  
 «امریکا دیاشی میگردند و بیوزان انداختن پرونده‌های استقلال و انشاء  
 «مطالبه برای تهیه نظر در بر نامه پوسیده فارس و بهیودی بهشخص  
 «و تمام آرزو گوان و دیران از دیان بر سینه تمامه مسلمین و تقابلیم  
 «بر عیانها و دشمنان علمی در باره مبارزه با بیسوادی فسمی

از اصلاحاتی بود که در آن مدت کوتاه انجام گرفت .

در وزارت بهداشتی کوشش برای تأمین بهداشت عمومی، فرستادن اطباء بشهرستانهای دوردست که از هر گونه وسائل بهداشتی محروم بودند، تصفیه موقت وزارت بهداشتی، اقدامات فوری برای مبارزه با بیماریهای واگیردار، طرح نقشه های عملی برای علاقمند کردن جامعه بسائل بهداشتی، مقدمات عملی کردن مبارزه با تریاک، انعقاد قرارداد سی هزار آمپول سرم ضد دیفتری و تهیه داروهای مورد احتیاج شهرستانها، ایجاد سازمان جدید انستیتو پاستور جدید که بتواند سرمهای بیماریهای گوناگون واگیردار را تهیه کند و در دسترس عموم بگذارد، تشویق انجمنهای مبارزه با بیماریهای اجتماعی، ایجاد انجمن فنی حمایت نسل، اصلاحات موقت در بیمارستانها، پیشنهاد قانون تمرکز مؤسسات بهداشتی کشوری در وزارت بهداشتی - اصلاحاتی بود که انجام آن در مدت کوتاه ۷۰ روز دلیل بر این بود که وزرای توده ای با پشتکار و علاقمندی میتوانند بر کلیه مشکلات فائق آیند .

«در وزارت بازرگانی و پیشه و هنر از شروع تصدی»  
 «وزیر توده ای اصلاحاتی از قبیل حذف حقوق اشخاص بیکار»  
 «منتظر خدمت کردن کارمندانیکه کاری انجام نمیدادند، صرفه»  
 «جوئی در هزینه و نظایر آن بعمل آمد که برای جلوگیری از»  
 «اضائه کلام از ذکر آن خودداری میشود . آنچه باید تذکر»  
 «داد این است که با دخالتهای بیورد میسیون آمریکائی میانیسوی»  
 «هرج و مرج دستگاه دولتی و بی علاقگی زمامداران و مسئولین»  
 «مر بوطه صنایع کشور دچار اختلال کامل گردیده و در وضع بسیار»  
 «بدی قرار داشتند . وزیر توده ای پیشه و هنر پس از انجام اصلاحات»  
 «مقدماتی در راه انداختن صنایع فلج شده کشور کوشش شایسته»  
 «توجهی نشان داد ... وزیر توده ای پیشه و هنر برای بالا بردن»  
 «سطح تولید و بچربان انداختن چرخهای رنگ زده صنایع کشور»  
 «در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۲۵ اعلامیه ای خطاب بکارگران و»  
 «کارکنان فنی صادر نمود و از آنان درازدیاد تولید و تنظیم»  
 «چربان صنایع کمک خواست ...»



دادستان نظامی از روی غرض در ادعاینامه خود سازمانهای حزب

نوده ایران و شورای متعنه در گری و ای یکی دانسته و از شورای متعنه  
 من گری تمام «نوه اهر آره» مری نوده از این اسم برده بود . این قسمه‌های  
 دفاع عمومی ، در این ادعا اعلان کردن نفیته اظهارات دادستان در مورد  
 اختصاصی کارگران نفت مشرف از روش ساختن سوره چنانچه کارائی که کار  
 گران را روشن نگاشته اند ، در اظهارات دادستان در باره حوادث کارگران  
 ریخت در باره قسمی از حوادث سیاسی اخیر در شهرن ساختن عمل آفت  
 بر عهد و گری صورت بود .

پس از آنکه نوبت تا آخرین دفاع برسد متعین بازماند از دادستان  
 خواستند که پرونده‌های آقایان وزیر آب را که مورد امتداد نوشتار گرفته  
 در دادگاه ساختن کنند و این چون مستویات این پرونده‌ها تا روزی که تمام  
 آثاره‌های از خیانت‌های هرمت ما که در زمان ایران آن و ندرت باره از تسلیم  
 و شتابانته امیر با نام بود و بر دوازده روز در دوازدهای دادستان بر می‌داشت  
 هر روز به بیجا آئی که آوردن آنرا استماع کرد . و این این استماع بر سر  
 نری بر هیئت نگه و از سوالات این امیر کنندگان مدت جدا گری که  
 در هر آن حزب نوده ایران در این مورد هم هیئت ما که را بر سر گری من اظهار  
 نشانند و دشمن را در زمانی که است و اهمیت و جهت زحمت‌گشان از زبان سرایزه  
 سخن می‌گفت محکوم ساختند . آنها بار دیگر ثابت کردند که هرمت ما که  
 دستور امیر با نام دست خود را بخون کار گران می‌گذر آخته و از دفاع  
 استماری شریک گفت دفاع کرده است

دکتر هرمت این قسمت از دفاع خود را از ابتدا شروع کرد :

«آقای دادستان در اظهارات خود چنین اظهار بیادار کرده»  
 «توجه بود به غیر از عملیات و افعال الدعا در حزب نوده و اتحادیه»  
 «کار گران را که در واقعه نوده مریه جزیه می‌بود نوده از هم»  
 «شکرت کرد»  
 «آقای دادستان باین نظر منجا علاج خود را در مورد پیش حزب»  
 «سیاسی و اختلاف آن با اتحادیه اراک داشته و باین معنی اولاً»  
 «خواسته‌اند اظهارات واهی و بی پایه‌ای را که بشورای متعنه»  
 «در آن قسمت داده اند توجه به هیئت به حزب نوده ایران بوسیله»  
 «خونانی در همین حال غصه داشته اند که بیرونی از نظارت معاف و»  
 «امیر با نامی که همیشه سعی کرده اند انحصار بهای در گری را»  
 «یکی از مشیر شاه‌ناده‌های احزاب مشرفی قلمداد داشته شورای متعنه»

«مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران را یکی از شعب»  
«حزب توده ایران جلوه گرساز ندا کنون ما برای روشن ساختن»  
«این اختلاف بارز بین اتحادیه‌ها و یک حزب سیاسی بتعریف و»  
«تشریح مختصر اتحادیه میپروازیم و هدفهای را که شورای»  
«متحدہ مرکزی اتحادیه‌های کارگران ایران تقییب مینماید توصیف»  
«مینمائیم. در کشورهایی سرمایه‌داری اتحادیه‌های کارگری»  
«سازمان‌هایی میباشند که بمنظور دفاع از منافع مشترک کارگران»  
«در مقابل کارفرمایان بوجود می‌آیند و از طرف اعضا در مقابل»  
«مؤسسات دارای حق نمایندگی بوده می‌توانند قرارداد دسته‌جمعی»  
«منفقود در تمام مسائل مربوط بشرائط کار اظهاری نظر کنند.»  
«دوره بیست‌ساله جنبش سندیکائی جوان ایران در اثر فشار»  
«و تضییقات وحشت‌آور رژیم پلیس مختاری از بین‌رفت و عهده‌ای»  
«از فعالین اتحادیه‌هایی موجود در ردیف سایر آزادی‌خواهان»  
«بسیار چالهای زندان قصبر روانه و دچار قید و بند شدند.» «بجاری»  
«کارگر چاپخانه از جمله کارگرائی بود که بزندان افتاد و همانجا»  
«چنان سپرد. پس از شهریور ۱۳۲۰ کارگران توانستند متحداً»  
«بتشکیل اتحادیه‌های منفی بپردازند.»

دکتر جودت پس از توضیحی در باره تکامل اتحادیه‌های کارگری  
و بالاخره گرد آمدن تمام اتحادیه‌های بزرگ کارگری ایران در شورای  
متحدہ مرکزی کارگران و زحمتکشان و دبایس هیئت حا کمه بر عافیه  
آن گفت:

«در دوره بیست‌ساله تشکیل اتحادیه‌ها متنوع و»  
«ساعات کار نامحدود، دستزد بسیار کم و ناچیز، بهداشت»  
«منفقود و از بیمه اجتماعی و بیمه کار کوچکترین اتری موجود»  
«نبود. این حقوق ابتدائی بوده است که شورای متحدہ»  
«مرکزی اتحادیه‌های کارگری تحصیل آنها را هدف خود»  
«قرارداد...»

دکتر جودت همچنین از مبارزات شورای متحدہ مرکزی در راه  
هدفهای اقتصادی طبقه کارگر و نتایج آن سخن بمیان آورد و پس از اینکه  
باین ترتیب تفاوت میان اتحادیه و حزب را روشن ساخت چنین گفت:

«آقایان قضات از آنچه گفته شد ملاحظه میفرمایند»

« که « حزب توده ایران و شورای منصفین سرگزی در مورد حقوق و  
 « استقلال سیاسی کارگران و زحمتکشان ایران در این مورد باور و اعتقاد داشته  
 « پس طبیعتاً است که این امر را که متعارض میان این دو سازمان میسر نمی آید  
 « موجود است را بی اعتنا از تقاضای پیوسته و دایم و سخت سازمان  
 « توده ایران، شورای منصفین سرگزی سازمانی است که کلیه افسران و  
 « زحمتکشین سرگذشت از مسائلی سیاسی سراسی خود در آن امر کرده  
 « می نمایند و حال آنکه حزب توده ایران فقط ایرانی را که  
 « دارای شرایط خاص سیاسی باشد می پذیرد معنی را طبق برنامه  
 « حزب توده ایران که به وضوح قبول می کند »

آنکه برنامه حزب توده ایران در باره کارگران و مبارزان سرگزی  
 زحمتکشان در راه اجرای قانون کار، مبارزه با بیگاری که همیشه هم  
 خاکه و سایر باقیمانده مانده آن بوده است : به کارگران در برابر  
 کار توده بهت قرار گرفت ، سپس کتبی وجودت گفت :

« مردم توده ایران پیوسته طرفدار جدی حقوق معنی  
 « کارگران بوده و در این راه صمیمانه مبارزه کرده و از این  
 « جهت پیوسته مورد پشتیبانی صمیمانه زحمتکشان ایران است و  
 « مشکلات حقیقی آنها یعنی شورای منصفین سرگزی بوده  
 « است... »

دفاع عمومی نمایندگان حزب توده ایران در مورد اتهامات سر بوط  
 بافتن آیدان بدان بهانه که شیفانی بر روی آسان دادگاه دادستان  
 دراج آورده شروع شد :

« یکی از موته و مائیکه آقای دادستان در راه مانده بود  
 « در این استاد آری و کتاب زیاد بآن بهینه اختصاص آیدان است  
 « آقای دادستان در این قسمت مانده بینه نامرستای زده می گفت  
 « ذات انگلیس جاوه گری نموده برای حفظ مذاکران شمشیر  
 « بروی کارگران و زحمتکشان ایران آخته و حفظ قضای بی  
 « دریکه بازگشتن تروت اوطقی ایران عزیز کشیده اند ، بسیار  
 « مینای شرف است که بهت خاکه ما بآن درجه از تندوی و  
 « استعمار پرستی رسیده است که دو سحرکه مالی نظامی دانستن  
 « « حرارت دفاع از بیرون گد بین حاضر استعمار ایران را پدید می کند  
 « « مائیکه ترویم که در طرفه مقابل دادستان فرار داویم یعنی در

«طرف ملت ایران و اینک با اسناد متقن نشان خواهیم داد که»  
«آنکه باید بر نمکت محاکمه بشیند و چو این قانون شکنی ها»  
«غارتگریها و مالت کشی ها را بدهد شرکت استعماری نفت»  
«انگلیس است نه کارگران و زحمتکشان ایران.»

دکتر جودت پس از ذکر تاریخچه ای از شرکت نفت جنوب و غارت  
بیمبایی که این شرکت استعماری قریب نیم قرن است از هستی ملت ایران  
کرده و میکند از تهدید امتیاز در دوران دیکتاتوری سخن بمیان آورد و  
بار دیگر اسرار خیانتی را که تقریباً زاده عامل تمديد قرارداد هم در برابر  
فشار افکار عمومی ناچار شد بآن اعتراف نماید از پرده هیاهویی که این بار  
امپریالیست ها بیانه «توتن» خود ساخته بر پا کرده اند بیرون ریخت .  
آنگاه از وضع پر مشقت زندگی کارگران نفت سخن بمیان آورد :

«در مؤسسات نفت جنوب در حدود يك صدهزار کارگر»  
«وجود دارد که هفتاد و نود هزار نفر آن کارگرمی و مابقی تحت»  
«نظر مقامات کاران یعنی در امور ساختمانی هستند . آقایان قضات»  
«تعجب خواهند کرد از اینکه ملاحظه نمایند کارگرانی که»  
«میلو نهان کشتی امپراطوری انگلستان را در دریاها و اقیانوسها»  
«قادر بحر کت میسازند ، کارگرانی که سوخت امپراطوری»  
«انگلستان و ده ها کشور دیگر را تهیه مینمایند ، کارگرانی که»  
«غیر مستقیم باعث آبادانی جزیره انگلستان میشوند خود در جهنم»  
«بسر میزند ، آبادان آنها در معرض هجوم امراض مختلف ، تراخم ،»  
«سل ، مالاریا و غیره میباشد و مزدشان تا سال ۱۳۲۵ ، بین ۱۲ و»  
«۱۴ ریال بوده و بدین جهت قادر بتهیه حداقل مایحتاج زندگی»  
«خود نبوده اند آنها مانند بدویان در چادر یا زیر سقف مسکن»  
«درازند . و تعجب خواهید کرد با وجود تبلیغاتی که این روزها»  
«مطبوعات و انتشارات شرکت نفت میکنند و اقدامات باصلاح»  
«اصلاحی خود را پشت سر و حمای اخیر در باره تمديد امتیاز»  
«غاصبانه ۱۳۱۲ برخ مردم میکشند فقط غده محدودی قریب»  
«به چهار هزار نفر که آنها هم خاصیت و صفت کزگری و از دست»  
«داده اند بیش از یکی دو اطاق در اختیار آنان نیست بقیه در»  
«زراعت های که سؤل های تنگ و تاریک زندان در مقابل آن سالنهای»  
«فراخ و پر نور بشمار میروند بسر میبرند ، رطوبت این زراعت ها»





سپس دکتر جوادی سابقه اعتصابات کارگران نفت جنوب را ذکر کرد. از نخستین اعتصابات در سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۲۱ و اعتصاب عظیم ۱۹۲۹ (۱۳۰۸ شمسی) سخن به میان آورد و بعد گفت:

«در اثر اختلاف شدیدی که بعد از اعتصاب ۱۳۰۸ شمسی»  
«نسبت بکارگران بعمل آمد تا سال ۱۳۲۵ فقط چند فقره»  
«اعتصابات کوچک و بی اهمیت و کم نتیجه از طرف کارگران»  
«بوقوع پیوست و اعتصابی که بعد از ۱۳۰۸ شمسی قابل ذکر»  
«است اعتصاب اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ کارگران آقاجاری است که»  
«در حدود ده هزار نفر کارگران و کارمندان شرکت نفت در ناحیه»  
«آقاجاری در آن اعتصاب شرکت کردند...»

این اعتصاب که بر اثر شرایط دشوار کار و کمی مزد صورت گرفت با موفقیت خاتمه یافت ولی پرداخت حقوق روزهای جمعه موکول بتصویب قانون کار شد. آنگاه دکتر جوادی درباره اعتصاب تیرماه ۱۳۲۵ که دادستان از آن نام برده بود گفت:

«در ساعت ۶ صبح تیرماه در سراسر نواحی نفت خیز»  
«خوزستان در آبادان و مسجد سلیمان و آقاجاری و دارخوین و»  
«کویت عبدالله و هفت کل و اهواز و بندر مشهور و گچ ساران»  
«کلیه کارگران و کارمندان شرکت اعم از ایرانی و هندی ازن»  
«و مرد دست با اعتصاب زدند. چنانکه قبلا اشاره شد در نتیجه»  
«اعتصاب آقاجاری حداقل مزد کارگران از ۱۲ ریال و ۹ ریال»  
«به ۳۰ ریال و ۳۵ ریال تبدیل یافت. دادن دستمزد روز جمعه»  
«موکول بتصویب قانون کار گردید. قانون کار در تاریخ ۲۸»  
«اردیبهشت تصویب شد ماده ۶ قانون نامبرده اجرا نگردید.»  
«روزهای گرم سرد آماه خوزستان متعاقب هم سپری میشد.»  
«دهها هزار کارگر معادن نفت اجرای ماده ۶ را میخواستند و»  
«همه بشورای متعده فشار میآوردند...»

اعتصاب کارگران با استمهال ۹ روزه به ۲۳ تیر موکول گردید ولی شرکت نفت و عمال ایرانی آن برای درختک و خون کشیدن کارگران نقشه میکشیدند. اتحادیه عشایر بدست شرکت نفت برای معارضه بسا کارگران بوجود آمد، سرگرد فاتح فرمانده پادگان آبادان در آن گاهی که پس از اعتصاب خونین برای محاکمه شاملین خونریزی تشکیل شد

باین تو چشمه انجمن است کرده :

«... سرگرم فایده در حسن بازجوئی خود بیان نمودند»  
«است - آنگاه رفیق فرموده شور نظامی انتضاح کلوب هم از راه  
«جلوی باینرا از اشکالات پناخیز بهمانند که دوست باورن مانی»  
«آدمهایی که گران بر سرور آنگاه و آیدان و برای چشم ز خود»  
«باین گران به خون و آتش باخدا»

«آنگاه سرگرم فایده که در امور خلیف فرموده هر یک گران»  
«تا از جویات سرزمی جلوی انتضاح داشته منضم بود که باوق»  
«فرموده بود غیر نظامی اصولا کوهچتر از آن بود که در سر زمین»  
«در سرستان و در مقامهای مانند آبادان منضمها چینی منضمها»  
«شومعیانی را که در طرح منظم و در جرات این جوانان و منضمها»  
«در این مرام کشه و در منضمها همی بازجوئی خود در روزها»  
«در سر حقیقت ز طاعت کرد و در منضمها گفته است :

«فایده از روز ۲۳ تیر اینجانب اصلاح داشته که امرایی»  
«اصلاح منظم است از خارج با باین روز و تواند و در شهر شورشی»  
«خوبنوا را به بندگانند»

«اما سران سخاوت خوانین بعد ۲۳ ژوئن ۱۳۲۹ از»  
«انتضاح است که در سر از کار گران برای سر کشی منگوبهای»  
«خود سرانند با هم میل از جلوی کلوب مشاور عبور کنند»  
«عمدهای از امراد اصلاحی مشاور با کمک مشاوران از عبور آن»  
«ساخت نموده و با نامنه میدمیوید سرانانی با اسمنه کشی که»  
«دارا بود نورانی از طرف منهای سر منگوبها رسیده و نورانی»  
«تعمیرت یافت که چند نفر از کار گران که با هم میل از جلوی»  
«کلوب عبور میکردند با اسمنه گرم گفته شدند و منضمها»  
«از کار گران که نزدیکتر منظم نیرانند از بی بدست بیرون مستوره»  
«بشارت کلوب مشاور رسیده شروع نیرانند از بی کلوب مشاور»  
«دورترین عمدهای کارگر بشارت کلوب و موجب شد که دیگران»  
«در مشاورت کارگر که قبلا بوسیله سر گفته شد همسر آوری شده»  
«فرودند برای انجام کشه و امرای منظم و بطرف کلوب اصلاحی»  
«مشاور عبور براند ...»

«درادستان نظامی و قایم خوزستان و منضم است که این»

« بلوا و شورش بر حسب نقشه‌های قبلی مأمورین دولت انجام یافته و آقای دادستان وجود و لگردان زیاد را هم افزار کار »  
 « و وسایل ناامنی معرفی کرده است چنانکه در باب اتهام سرگرد »  
 « فاتح فرماندار نظامی مینویسد : »

« (طبق معه‌تویات پرونده و به‌وجب شرحی که برض »  
 « رسانیده است سرگرد احمد فاتح که در روز ۲۳ تیرماه از »  
 « اعتصاب کارگران و افراد اتحادیه عشایر و وجود و لگردان »  
 « حد اکثر استفاده را نموده تا حد امکان اجرای جرائم را »  
 « تسهیل مینماید... ) »

« بنا بر آنچه گفته شد در اینکه توطئه و تباہی شدید از »  
 « طرف کارفرمایان شرکت نفت تهیه شده بود که بدست »  
 « و لگردان و اتحادیه عشایر آبادان را در خون بکشند چشم »  
 « زخمی از کارگران بگیرند جای تردیدی باقی نمی‌ماند و »  
 « آقای دادستان دادگاه رسیدگی باعتصاب در چهل و پنج »  
 « صفحه از کیفرخواست خود چنین اظهار عقیده نموده است که »  
 « تمام این حوادث بدست و لگردان و اتحادیه عشایر بتحریر و »  
 « حمایت فرماندار نظامی و رئیس شهر بانی انجام یافته است. »

« نسبت به متولین و مجروحین پرونده کارگاه لاروشن »  
 « نیست . آنچه مسلم است ۱۷۳ نفر با اسلحه گرم مجروح شده‌اند »  
 « و این موضوع در گزارش سرهنگ تورج امین بعنوان نخست وزیر »  
 « وقت در پرونده موجود است . عده مقتولین که دقیقاً معلوم نیست »  
 « متجاوز از ۵۰ نفر بوده است ... »

دکتر جودت راجح بنحوه ختم اعتصاب و موفقیت کارگران در اخذ حقوق روزهای تعطیل صحبت کرد و در حائیکه جنایتکاران را با مدارک مسلم معرفی کرده بود در پایان این قسمت از دفاع عمومی گفت :

« بطوریکه قضات دادگاه ملاحظه میفرمایند هزارها »  
 « نفر از هموطنان زحمتکش ما که در سخت‌ترین شرایط بروی »  
 « گران‌بهارترین ثروت ارضی ایران عزیز کار میکنند و حاصل جان »  
 « کندن آنها بصورت سیل طلائی سیاه بخرانه‌های کنار رود تا بمز »  
 « سر از بر می‌شود برای تأمین حداقل مایحتاج زندگی ، برای »  
 « استرداد قسمتی از حقوقی مشروع خویش و برای مطالبه ثروت »

مردوزاده همه ملت ایران، قانونی از روز «بیان» می‌اعتصاب است.»  
در زمانهٔ «عوان ایران» شرکت نفت ما کمال بی‌رحمی به گلوت و  
«پانام» چرب گفت همه کتیری را متکول و بی‌سرو و گردانید ما همه  
«زبان» قلمبه با پاناما خانه زبانه است و هر کس قلم برای اسکله  
مردوزاده نفتار «موتی» ملت ایران را بر آورد ایستاد خوردن تو به  
«ایران» را که بهرسته بزرگترین پشتیبان معاهدات ملت ایران  
«مردوزاده» بین «ایران» استوار بود و بهرست «آقای» دانشمند  
«دین» بعدا که گذاشته است. ما هم بهر بزرگترین کشور و «مردوزاده»  
«مردوزاده» آید این از حقوق کارگران ایران «مردوزاده»  
«مردوزاده» میزبان که با کسب از این «مردوزاده» معاهده روز به «مردوزاده»  
«مردوزاده» زیرا که هر کس شکر را «مردوزاده» و از آن «مردوزاده»  
«مردوزاده» بی‌رحمی «مردوزاده» و بی‌رحمی «مردوزاده» از آن «مردوزاده»  
«مردوزاده» می‌بازد که «مردوزاده»

«ما» طریق استقامت اقتدار می‌کنیم و «مردوزاده»  
«مردوزاده» که بواجبات می‌بازد از «مردوزاده» و «مردوزاده»  
«مردوزاده» می‌بازد از «مردوزاده» ما «مردوزاده» از «مردوزاده»  
«مردوزاده» و «مردوزاده» ایران تا پیشگاه «مردوزاده» ما «مردوزاده»  
«مردوزاده» بود.»

«مردوزاده» می‌بازد از «مردوزاده» «مردوزاده»  
ایران بود «مردوزاده» پس از «مردوزاده» «مردوزاده»  
«مردوزاده» «مردوزاده» «مردوزاده» «مردوزاده»  
«مردوزاده» «مردوزاده» «مردوزاده» «مردوزاده»  
«مردوزاده» «مردوزاده» «مردوزاده» «مردوزاده»  
«مردوزاده» «مردوزاده» «مردوزاده» «مردوزاده»

«مردوزاده» روز «مردوزاده» «مردوزاده»  
«مردوزاده» «مردوزاده» «مردوزاده» «مردوزاده»  
«مردوزاده» «مردوزاده» «مردوزاده» «مردوزاده»  
«مردوزاده» «مردوزاده» «مردوزاده» «مردوزاده»  
«مردوزاده» «مردوزاده» «مردوزاده» «مردوزاده»  
«مردوزاده» «مردوزاده» «مردوزاده» «مردوزاده»

«جریانات بود و تمام دسیسه ها را او اداره میکرد خود ایجاد»  
 «کننده جریان مازندران و سایر اشتهاشات بود با این ترتیب»  
 «بطور ممکن بود مسیبین غائله شمال تعقیب و مجازات شوند»  
 «آیا نسبت بقتل ده نفر کارگر بیگناه و مظلوم شاهی کوچکترین»  
 «رسیدگی بعمل آمد؟ آیا بکنفر را بمناسبت این جنایت عظیم»  
 «حتی بکروز برندان افکندند؟ نه برعکس قاتلین کارگران»  
 «بیگناه بجای آنکه بگیرند بر سرند بگیرفتن نشان افتخار نائل»  
 «شدند. چه کسی مسبب واقعی این غائله بود؟ مطابق گفته رسمی»  
 «نخست وزیر وقت، سید ضیاء الدین و عمال او. چه کسی باین»  
 «او باشان اسلحه میداد و آنانرا باغتشاش بقتل و غارت تشویق مینمود»  
 «مطابق سیدیکه آقای دادستان بصحتش اعتقاد کامل دارند»  
 «بخش کننده اسلحه بین دزدان و غارتگران سر لشکر ارفع»  
 «بود. چون ممکن است آقای دادستان بعضی مطالب را فراموش»  
 «کرده باشند چند کلمه از خاطرات ایشان را یادآوری مینمایم»  
 «در روزنامه دارنا شماره ۲۱۸ مورخه فروردین ۱۳۱۵ مقاله»  
 «بقلم آقای علی اکبر مهدی که گویا همین آقای دادستان حاضر»  
 «باشند تحت عنوان «معاکمه ارفع» چنین نوشته شده»  
 «است»:

«(در اینجا باید مأمورین تعقیب و متصدیان امر دولت»  
 «کنند مهمترین جرائم ارفع در درجه اول اقدام بر علیه حکومت»  
 «ملی است بوسی امنیت کشور را مختل نموده، ارفع مقوم به»  
 «بخش اسلحه است، او اسلحه را باشخص ناصالح و غیر مجاز»  
 «داده، بقصد اضرار مردم و بقصد تشویش اذهان گزارشات»  
 «سلاف و اقم داده است...»

«تعجب است که با وجود این مشارک قطعی و رسمی»  
 «باز هم امروز بجای اینکه ارفع و سید ضیاء الدین را بیای»  
 «میز محاکمه دعوت کنند و آنان را برای عملیات خلاق قانون»  
 «و اقدامات بر علیه امنیت کشور مجازات نمایند کسانی را بیجای»  
 «آنان بمحکمه کشیده اند که مطابق سیرج گفته های نخست وزیر»  
 «وقت و دادستان حاضر در جنایات مازندران مورد حمله قرار»  
 «گرفته اند...»

«پس از آنکه از قتل سلطان میران و گریز گاه رفتند، مردم با حکومت نظامی اعلام شد. فرمانداران نظامی بر این «مردم شکستار» نیروهای آزادیخواهان بزرگ مسلح شدند. در این «مردم» سلطان میران، مگر گل و گلشن برآوردند و عظیمی که در آن «تکلیف کردیم» راضی نشاندند. در این ۵۰ روز و دو روزهای زجر و شکنجه در این وسعتی در باره در آنجا تجدید کردیم.»

پس دکتر جودیه از مبارزه بر سر حزب پر استعزاز بوده. ایران ما امیر یالیسم است. آن را آمریکا سعی آید از سیاست روابطی گوناگون آنها بر علیه عرب راجع است. «حزب که بزرگترین شمار راه ایجا و زان آنها مبارزه کردیم گفتگو کرد بر این از آنکه اوضاع این مبارزه هفت ساله را با ذکر دقیق آن روشن نماید گفتیم.»

«حزب کرده ایران از آنجا بکه تا این استقلال کامل و بر روی افکارش هر گونه نفوذ سیاست استعزازی را سر از دست مردم نخواهد قرار داد بود. در همه حال و فدایی سید را نسبت به این «شمار و عطف عملا بشود و میاید» همیشه مورد تکرار و «از چهارم دهشتن بر صحنه ای اسیر الیسی قرار گرفت و امیر یالیسم» «انگاری و آمریکاست» بر علیه مردم بود. ایران از این بیگانه و اقدام گرفتاری نکردند. «حزبان اخیر هم که جدا بفضیل گناه» «خواهد شد» سیدی از قلم امیر یالیسم است که برای ریشه کنی «سیاست آزادی و برای نجات ملت ایران از دستها پیش طرح» «نگردند.»

دکتر جودیه برای توضیح علل نوظهور امیر یالیسم بیگانه و ارتجاع داخلی بر علیه حزب تونس ایران به شرح روشد ایران از نظر این داخلی و داخلی بر دلالت از نظر بین المللی بر آشکارسازی «سیاست» در آن و نفوذ نهشتیانی بوده های اسیر در کشورهای مستعمره و نیم مستعمره امیر یالیسم که از آن جا که در مکتب آمده بودند برای تشکیل هویت خود کوشیدند که با تباران گوناگون این نهشتیانی فرو نمانند.

«چون عزیز ما برای یکی از کشورها است که آزادی و بر استقلالش باشد و بعد امیر یالیسم بسیار در دو سال اخیر» «با سر کوبین نهشت دو گریه است ایران با سرعت روز افزون» «بصورت مستعمره دوم آید» بر قرار دادهای شکنجه و بیرویه»

« پادشاهی و برای تبدیل ایران به مستعمره انگلستان کافی بود »  
« قرار دادهای تنگین و اسارت آمیز دیگری مانند فرار داد »  
« مستشاران آمریکائی و فرار داد - سعادت - در نفوس دربار »  
« ژاندارمری و فرار داد - آلمانی در باره ارتش ایران »  
« افزوده گردد .. »

« هدفهای امپریالیستهای آمریکا و انگلیس در شرایط »  
« کنونی کاملاً روشن است . در نقش امپراتریستی امپریالیستها »  
« ایران نقطه سوق الهیستی بسیار با اهمیت است . اهمیت ایران »  
« مخصوصاً پس از جنگ اخیر بر آفتاب بالا رفته و علی الخصوص اخیراً »  
« پس از شکستهای بزرگ نظامی که در جنگ داخلی نهیمه دولت »  
« مسگری چین گردیدند باز هم بر اهمیت ایران در نقشه امپراتریستی »  
« امپریالیستها افزوده شده است . همه بقوی میدانند که »  
« طرفداران جنگ جهانی سوم کشور شوروی را که نیرومند »  
« ترین پایگاه بگمناوری صلح است بشمارد . بزرگترین دشمن »  
« خود بحساب می آورند . مطالبه منحصراً در روابط کشورهای »  
« در جهان ایفوضوع را روشن میسازد . امپریالیستها برای تهیه »  
« مقدمات جنگی که هدفش انهدام نیروهای دموکراتیک و در »  
« هم شکستن دولت سوسیالیستی شوروی است تلاش میکنند که »  
« هر چه ممکن است در اطراف این کشور پایگاههای نظامی »  
« بوجود آورند .. »

« از نظر داخلی ، البته موضوعات داخلی ایران و »  
« عملی که در داخل کشور ما بر میان اخیر را بوجود آورد با »  
« چریانات بین المللی ارتباط کامل دارد . مخصوصاً اینکه کشور »  
« ما از نظر اقتصادی و سیاسی بطور جدی جنب نظر امپریالیستها »  
« را میبیند . از مدتی باین طرف مسائل داخلی در سیاست داخلی ما »  
« مطرح بود و حل این مسائل مطابق تالیات امپریالیستها »  
« مستلزم سرکوبی آزاد بخوانان بود . موضوع جدید نظر در »  
« قانون اساسی ، نفت ، بانک شاهي ، قرضه از آمریکا نقشه هفت »  
« ساله اجراء این مسائل است .. »

دکتر جوهرت اعلام کرد که نتیجه نظر در قانون اساسی به منظور از  
بین بردن ثمرات انقلاب ایران و « قانونی » ساختن دیکتاتوری بهر می آید



شرایطی که بر اثر تکرار رفتار مردم در شبکه اجتماعی بوجود می آید با راهکارهای  
 خود فضا شرایط خود را بر میانه قدرت می آید. نظام بر مبنای ایران تعویق  
 می کند. پادشاهی برای اینکه بتواند امپراتوری را در کشور بسازد، بکار خود  
 انداخته و فضا قدرت ملک برای تولید و خلق ما بر سر بازار خانه امپراتوریها  
 بر مبنای ایران در می آید. ولی اگر این همبستگی امروز که بسیار از امپراتوری  
 جهانند، فضا میسر است.

- « طرح و حل این مسائل مهم بطوریکه صنایع امپراتوریها
- « کلید آنها شود در محیطی که در آن آزادبخشها این توانسته
- « نسبی بکشند و فضای خود را بر مبنای سرحدات در محیطی که
- « روزنامهها نامشروعی بتوانند مسائل را آنطور که هست شرح بدهند
- « گفته در سراسر برای طرح کنند گامی از این بود دیگری »
- « بیشتر است داشته باشد. تیریه نشان داد که قدرت اشکاف
- « در مری می موجود نام تضیقاتی که از طرف دستگاه ها که
- « پسول بیاید توانست سیاستدار گفته که می باشد آنگاه تیرازده
- « در او را در مری خاص شایع است »

- « این گفته از قدرت ما پیش طرح شده بود در چانه
- « برای تصمیم باجری آن گرفته شد ولی در این حال شدن آن »
- « با تفاوت سرحدات آزادبخشها در برابر تولید خود آفرماده
- « ۱۳۲۵ مری از بخشی از طرف دستگاه ها که بسیار مانع از
- « آزادبخشها وارد آمدند مخصوصاً حزب توده ایران که برود گسریه
- « در تکیه که آزادی بود صنایع بسیاری را تعویق نمود ولی »
- « با زهم حزب توده ایران اکثر صنایع و توی بود که با وجود
- « آن مری به صنعت از هم ایستاد و پاره های منزل را نگردید »
- « پس از آفرماده دستگاه ها که که از بخشی حزب توده ایران »
- « ناراضی بود بر مری نقشه های جدیدی برای ترمیم شکستی »
- « متفاوت حزبها طرح کرد. اولین بار در کابینه منگونی که »
- « موضوع ترمیم مزارع ایران آزادبخشها این بطوریکه مطرح گردید »
- « در وقتها آنحسام این نقشه بطور کامل تهیه شد که سینه ترمیمی »
- « در چندی در وزارت کشور با حضور باستاندگان کنونی در روز ارتقاءها »
- « ترمیمی تهیه تا قطعی و متعاریج ترمیم تشکیل گردید. مری »
- « نمود گامها ترمیم را نظر گرفته شد. سیاستدار از طرف بر مری »

«خرم آباد و کرمان پیشنهاد شد. ولی در اثر مبارزه شدید»  
 «آزادخواهان این نقشه عملی نگشت و برای آماده کردن زمینه»  
 «بتویق انداخته شد. باردیگر در کابینه هژیر مسئله سرکوبی»  
 «آزادخواهان بصورت غیرقانونی اعلام کردن حزب توده ایران»  
 «مطرح شد و دولت هژیر مصمم گشت موضوع را در مجلس»  
 «مطرح کند ولی این بار هم مجاهدت و مقاومت آزادخواهان و»  
 «کلیه کسانیکه وجود حزب توده ایران را برای جلوگیری از»  
 «دیکتاتوری لازم میدانستند هژیر را متضخ نمود و نقشه های»  
 «ابلیساته او را نقش بر آب کرد. هژیر که نسبت با آزادخواهان»  
 «کینه خاصی داشت پس از ناامید شدن از انجام نقشه اساسی با»  
 «صدور تصویبنامه ارتجاعی در باره سلب حق داشتن امتیاز»  
 «روزنامه از کارمندان دولت سعی کرد که مطبوعات حقگور»  
 «خفه نساید و جراید ایران را که اکثر مسئولین آن از روشنفکران»  
 «کارمند دولت بودند بچند روزنامه مزدور دولتی تقلیل دهد»  
 «ولی این دسیسه ارتجاعی نیز با عدم موفقیت روبرو شد و بالاخره»  
 «کابینه ساعد با توجه به آن تصویبنامه شکست قطعی نصیب آن»  
 «گردید.»

«مسافرت اعلیحضرت شاه بانگلستان و بعد مسافرت»  
 «آقای نوری اسفندیاری وزیر خارجه کابینه هژیر بانگلستان که»  
 «بلافاصله پس از بازگشت شاه انجام شد و گفتگوهاییکه در باره»  
 «ارتباط این دو مسافرت با تغییر قانون اساسی بنظم دربار و»  
 «موضوع قرارداد نفت جنوب و قرصه خارجی و بانک شاهي در»  
 «اخبار بین المللی منتشر گردید. جریان سیاسی ایران را ظاهراً»  
 «وارد مرحله نویسی کرد. بلافاصله پس از بازگشت اعلیحضرت»  
 «شاه از لندن فشارهای دستگاه حاکمه با آزادخواهان شدت»  
 «پیدا کرد و پس از تفویض اختیارات با آقای ساعد معلوم بود که»  
 «نقشه اصلی بنا بر مرحله عمل میگذازد. روزنامه تهران مصور»  
 «که ناشر اشکار افراطی ترین دسته های ارتجاعی ایرانست»  
 «همیشه انجام این توطئه سیاسی علیه آزادخواهان را پیشنهاد»  
 «می کرد و برای اولین بار موضوع غیرقانونی اعلام کردن حزب»  
 «توده ایران نیز در صفحات این روزنامه منتشر شد. و این»

« برای عملیات ساختن فاشیسم و ظهور فاشیسم از آن زمان و اهلان که ...  
 « در مورد فواید این اساسی سخن بود که به آن ایالات بود ...  
 « های سیاسی و فواید سیاسی شروع بنویسید ...  
 « برای ایجاد وحدت و انسجام در میان ...  
 « در این عملیات ...  
 « برای تشکیل گردید و این امر ...  
 « در این عملیات ...  
 « از روی این نوشته های ...  
 « شاهزاده ...  
 « برای مردم که ...  
 « از روی ...  
 « در این ...  
 « از طرف ...»

« این همه ...  
 « در این ...  
 « در این ...  
 « در این ...  
 « در این ...  
 « در این ...  
 « در این ...  
 « در این ...  
 « در این ...  
 « در این ...»

« این ...  
 « این ...  
 « این ...  
 « این ...»

خود را بیان کرده بودند ، در این فاصله از طرف دادگاه ، فرمانداری نظامی و مأمورین پلیس شدیدترین تضيقات برای کوتاه کردن فرصت دفاع اعمال گردید . در آن شب پیش از آنکه جلسه تعطیل شود رئیس دادگاه بار دیگر اعلام کرد که کار دادگاه تا فردا ( پنج شنبه ) پایان رسد . ولی هنوز گفتنی ها فراوان بود ، هنوز مبارزان حزب توده ایران برای تکمیل ادعای نام ملت ایران بر علیه طایفه ساکمه مهلت میخواستند ، هنوز هیچیک از اعضاء کمیته مرکزی حزب ما بدفاع خصوصی از خود پرداخته بودند ، هنوز قاسمی فرصت میخواست تا بگوید « چگونه بلك انسان توده ای میشود . اما دستور این بود که پیش از افتتاح « مجلس مؤسسان » محاکمه بیان رسد و قبل از اینکه ترمه انقلاب ایران بدست دشمنان ملت پامال شود فرزندان انقلاب « محکوم » گردند .

اگر اعضاء کمیته مرکزی حزب ما فرصت نیافتند که بخود بپردازند در عمل خود را آنطور که بودند بدشمن شناسانند . اگر دشمن نخواست با گوش بشنود که « چگونه انسان توده ای میشود » با چشم دید که توده ای چگونه انسانی است :

توده ای از طراز مردم نوی است که در دامن نهضت زحمتکشان پرورش مییابد . توده ای از میان توده ها برمیخیزد و در پیشانی آنها پرچم مبارزه را بدوش میکشد . توده ای راه خود را خوب میشناسد و با آنکه از دشواریهای آن آگاه است هرگز از پیمودنش تردیدی بدل راه نمیدهد . توده ای نمیترسد . نه برق سر نیزه خیره اش میکند نه در جایگاه زور تسلیم میشود و نه در آستانه زرقدم سست میکند . توده ای با مردم است و برای آنها میکوشد . توده ای از کوشیدن خسته و نومید نمی شود . توده ای بر آینده چشم دارد ، آینده ای که از آن اوست . نمیترسد که در آستانه این صبح روشن جان فدا کند تا جهان روشن را بفزندش بسپارد . توده ای زندگی را دوست میدارد ولی شیفته آزادی است . بهمین جهت برای آزاد زیستن از ایشار نفس دریغ نمیورزد .

توده ای حتی وقتی که دست بسته در برابر خصم خونی قرار میگردد نیرومند و باصلابت است . توده ای در پیشگاه زندگی التماس نمیکند بلکه بان فرمان میدهد :

دشمن ، دشمنی که همه شیوه های انسانی را ترك گفته توده ای را

آزمود و انسان نورافشاخت .

تا ظهور روز پنجشنبه اول اردیبهشت آخرین نفر (اکبر شهبازی) دفاع خود را در آن مقام داد گناه بر روی اینکه آخرین قسمت دفاع خود را ناکفته ماند بیاورد رسانید. آن روز روشن بود و هواست به سرد بوداد گناه حاضر نبود. پوشاک قانونی زمان آن گواهی دادند که گناه احتیاج با ضرورت دارد. ولی داد گناه دستور داشت که نمایان آن رون کفر خود را ظاهر دهد. در آنی را که از پیش حاضرات نظامی اولیه گرفته بود و در آن دفاع نماید.

گذشته از این داد گناه مجبور است در صورت امکان از افراد آخرین قسمت دفاع عمومی که مربوط بواقعه ۲۵ بهمن بود جزو گیری کند. ظهور روز پنجشنبه رئیس داد گناه اعلام کرد که نمایان را خانه پناه می‌اند. ولی این بار هم داد گناه دستور حتمی بر آن مقتضات سر قضایی مشرف علی بنشیند. احمد نامی نماین روشن که داد گناه چون بازنگر او همه و نشانی ارواحات بیست و هفت سالگی بود اشاره کرد و گفت:

«تو بیست و سه ساله در سیدیه ما سی و هفت ساله بودی از حزب توده ایران دفاع کنیم و نمایان سر مقتصد را بکشیم و قاتلان و مجرمین روشن بگردانند. جلسه داد گناه صبح شنبه برگزار شود.

داد گناه این قانونی قانونی را نظیر ذرات بازم قانون شکنی کرد بازرنگی خست عمومی خود را نمایان و برای مقابله با حق بر روز متوسل شد تاچار جلسه داد گناه بدون نقض انضباطات واحده تاسی بر آنست آرزوست از دفاع عمومی که بر همه توکلین بود پرداخت.

این قسمت آخرین دفاع عمومی بد نظر کنی احزاب آزاد از بخواند در باره سوء فاعلهات آنگار بر شد:

- « در ترمین اولی هم ترقی علوم اجتماعی و اقتصادی و »
- « فلسفی بر میراث احزاب آزاد بخواه پیش از پیش ثابت نمود »
- « که از طریق سوت فسد و ترو و هیولان اذهردهاتی ابتدایی »
- « در زمان می شود و برهنگی این عمل را هم پیشرفت و تکامل »
- « میسر نباشد ما برگردد. با تحریک سیاسی باید مجبور باطنی »
- « فوری و توری می فلسفی باشد. با مدار راههای اصولی بسیار ذات »
- « سیاسی بر تری و از طریق اتحاد و تجمیع فرهنگ و درات میقی »
- « مثل قزو قضا و خست و غیب ماندگی منتها برای دفع معجزه »
- « چاره اندیشی گانه »

«یکی از دلایلی که این نظریه را ثابت میکند این است که تئوریسین‌ها، دانشمندان و احزاب آزادیخواه طرفدار «این نظریه نیستند که شخصیتها در تحولات تاریخی دارای نقش تعیین کننده و قاطع میباشند و این فرمول مخالف دانش و منطق را با دوما دلیل علمی رد میکنند و تا بحال کتابهای زیاده در این باره منتشر شده. موضوع نقش شخصیت در تاریخ « اینست: اشخاص و شخصیتها موجب جریان تاریخ نیستند و «نی» توانند سر نوشت بشری را عوض کنند. بلکه تحولات اجتماعی بشری است که شخصیتها را بوجود میآورد.»

آنگاه برای روشن ساختن حقیقت این امر شواهدی از تاریخ آورده شد: تئوریسین‌های نازی هینرل را موجب دوران جدیدی در تاریخ بشر می دانستند و لی گذشته نزدیک نشان داد که جریان ضروری تاریخ از در دسته اش را که تا بخر دانه می شواستند در برابر این جریان تئوریسین‌سوی بکشند، با خود بقایهای نیستی و گسالی برد.

موس با اشاره بسوابق سوءقصدها توضیح داده شد که ترور فقط وابسته بدسته‌های ارتجاعی است و این دسته‌ها که علنی واقعی تحولات تاریخی را درک نمیکنند، مسکن است در دو جهت دست بمل ترور بزنند: یا بضیال خام از میان بردن نهضتها و رهبران آنها را ترور کنند یا برای از میان برداشتن مخالفان و رقبای خود در دستگاه طبقه حاکمه باین عمل متوسل شوند.

آنگاه بعنوان نمونه بواقعه قتل مازور ایبری اشاره شد سپس واقعت واقعه ۱۵ بومن باشواهد و دلایل روشن وانکار ناپذیر بیان گردید:

« موقعیکه مازور ایبری را بآن طرز وحشیانه و « فحشید قتل رسانند مانند امروز مثلا کرات نفت در میان بود.»  
 « نمایندگان کمپانیهای آمریکا برای مذاکره درباره بدست « آوردن امتیاز استخراج نفت با ایران آمده بودند. قرار بود « نتیجه پیشنهادات آنها در مجلس مورد مذاکره قرار گیرد.»  
 « روزیکه بنا بود مذاکرات با آمریکاییها مطرح گردد مامورین « مخصوصی سیهای برق محاسن را اتصال دادند و برق در گرفت.»  
 « نمایندگان جلسه بترک گفته فرار کردند. چند روز بعد « داستان معجزه سخاخانه قریبانش شیخ‌هادی پیش آمد. منشی « مازور ایبری که بنده معلوم شد جاسوس سفارت خانه دیگری بود»

« کسوف آسمان بکلوا بعبادان شرح می‌دهی بزدن سوتی که مازور »  
 « ای موری می‌دانی سب منگس مرهاری که کلاه سب تو که قبل از این »  
 « نظر تربیت شده بزدن بنازور بهتری جهان کردش و من در این »  
 « اور تعریف و تپسج و تپسج منگامی که مردم نخری شده و »  
 « ناز شده چایی خبر بنام دفاع از مسلمانان منجی گریبان او موری »  
 « در آن کشه منگس آن قرار کردی شما آنچه نیاید بشود آفرین »  
 « غفلت مردم ایران از این حوادث بسیار بدانه و چشم گوش »  
 « آنها باز است »

« امر و زعم ما گران رفت درین است این صفا گران »  
 « باید مصلحت و بسوز آنگه روز نامه ما مردم ایران من بعد »  
 « در باره آنرا داشته باشد انعام گیرد در نظر این باید در نظر »  
 « روزنامه‌ها است باید آنم نری که سکوت مرا که در آن »  
 « دستگیر باشد ایچان شود باید چنان رفت رو منی در نظر »  
 « مردم انداخت که بر آن هیئت که بر سر و تکر شده باشد »  
 « بود و سینه و همین وسینه که دیده »

« پس از این مقدمه که در نظر نظر کنی و علمی »  
 « آنرا در نظر آید در باره تصور گفته شد حالا اصل عده پیش »  
 « خدا که تا بیمن را از نظر قضائی تجویز و تحصیل کنیم »

« در امر تضارب الفاسد و مأمورین تصویق یا سستی در مورد »  
 « کشف جنایت از چند جهت تعقیب می‌شود یکی از طریق بسیار »  
 « روشن و مهم که منسوب به کشف کوچه‌گاه آنرا از نظر دوره »  
 « تجدید است که باید در نظر گرفته شود که آن جنایت »  
 « منقضی که از دسه و بینه شخصی می‌شود است تمام شود »  
 « مثلا اگر متولی دادای تروت و انوشه زبندی است اولین »  
 « عاملی که نظر منسوب کشف را چنان میگردد است که چو »  
 « کسانی پس از مرتکب آن تروت و انوشه می‌شوند می‌شوند »  
 « در منطور است در مسائل مناسبت هر گاه جنایت »  
 « مناسبتی رخ می‌دهد از جهت مناسبت مناسبت مناسبت است »  
 « که کتاب اشخاص از این مناسبت می‌روند می‌شوند مثلا بر این »  
 « در نظر می‌گیرند که این مناسبت در وقت مناسبت سیاسی انجام »  
 « شده و مناسبت در این مناسبت بوده است حالا به پیش می‌آید کسانی »

« نمیتوانستند از واقعیه ۱۵ بهمن استفاده کنند ، یعنی آنطور که »  
 « میگویند تمام امور کشور را در دست گیرند »

« بسیار روشن است دسته ای که اقدام بعین امر »  
 « تبلیغی می کنند باید تمام اطراف و جوانب امر را برای اداره »  
 « بر مبنای کار در نظر گرفته احتیاطات لازم را کرده باشد تا بتواند »  
 « نقشه خود را بانجام برساند »

« روز ۱۵ بهمن تمام فعالیت حزب توده ایران مصروف انجام »  
 « نشریات یاد بود مرک د کتر ارانی دو امامزاده عبدالله بود . »  
 « در اینجا لازم است ذهن آقایان قضات را در باره این »  
 « مسئله روشن کنیم که چرا با آنکه روز ۱۴ بهمن مصادف با »  
 « مرک د کتر ارانی است بجای آن روز مراسم یاد بود در روز »  
 « پانزدهم اجرا شد . »

« روز چهاردهم روز پنجشنبه بود در این روز جمیع کار »  
 « گران و اعضاء ادارات نمیتوانستند کار خود را ترک گفته و بر سر »  
 « مزار حاضر شوند . دو سالهای پیش هم اگر روز یاد بود وسط هفته »  
 « میافتاد ساعت حضور را سه و نیم یا چهار بهد از ظهر قرار میگذاشتند »  
 « تا اکثریت بتوانند حاضر شوند ولی البته این عیب پیش میآمد »  
 « که هوا تاریک میشد و بر اجیت بشهر در زمستان دشوار میشد »  
 « و نیز هر وقت روز یاد بود با آخر هفته میافتاد حتماً به جمعه مبدل »  
 « میشد تا همه کس بتوانند بدون اشکال زمانی ساعت دو بهد از »  
 « ظهر بر سر مزار حاضر شود . این رسم در سایر کشورها نیز »  
 « معمول است که احزاب سیاسی اگر کنفرانس یا اجتماعاتی دارند »  
 « روز یکشنبه قرار می دهند تا همه افراد بتوانند بدون ترک »  
 « خدمت حاضر شوند . »

« باری از چند روز پیش از ۱۵ بهمن افراد حزبی »  
 « و آزاد یغور همان دعوت شده بودند که بر سر مزار حاضر شوند »  
 « پس بدیهی است که افراد حزب توده دوشهر نبودند تا بتوانند »  
 « پیش آمدهای احتمالی را جسم و جور کنند ، از این گذشته »  
 « بدیهی است که پس از چنین واقعه ای دولت فوراً حکومت »  
 « نظامی اعلام میکند و بتوقیف اشخاص میپردازد . »  
 « بنابراین این کدام شخص عاقلی اگر از حادثه ای که باید »



«فائزانی اندک خبر داشته باشد تمام مدارکین و فعالین حزبی و ان  
 «(که که به یونین خبر ندارد از بعضی یونین با منظرکب سوختن کمپون  
 «آنها را سزاوار است یک تحویط بسته جسمی بکند که با یونین در ارتباط  
 «توانند همه آنها را دست جمعی دستگیر نمایند و از طرف  
 «همی که کارهای او شجاع و اسرار است میگویند که در جبهه امپوری  
 «حزبی از هر نظری حزب بوده از آن و محال در روزنامه و خبر در  
 «فرمانگشی عادی آنها و مسئولین حزب بود از آن هیچگونه  
 «سوالی هر عادی بر نموده بود است و همین موقوفه دلیل  
 «این است که حزب توسعه یونان اطلاعاتی و اطلاعاتی از جمله  
 «توسعه یونان است»

«اول از آن طرف حزب و هر چه که امروز باین  
 «زبان آرا و سواست و هر چه کرده و سواست کردن بسیار خوب  
 «فراهم کرده و سواست همین معنی که روزی را که حزب بوده  
 «تا از آن گرفتار سواست با بود برای انجام موقوفه است و  
 «از آن گرفتاری حزب که سواست بزرگترین سواست است  
 «مطلبان بوده است بنویس خود استفاده کند از طرف دیگر  
 «بهار و دیگر همه آقا باین سواست در تمام سالهای پیش عدول باین  
 «سواست از سواست تمام گرفتار است از این باین سواست است  
 «برده بوده تا در سواست از همه باین این توطئه و توطئه  
 «در وقت را در سواست سواست فوراً توطئه کرده و کار را از پیش  
 «بیرنگ حتی روزنامه های خارجی باین موضوع اشاره کرده  
 «و سواست روزنامه نامشمال گار باین آمریکا نوشت که این توطئه  
 «بسیار دین از سواستگران ایران در سواست میسوی  
 «انجام گرفت که سواست اخیر چند روز بعد از واقعه بطور  
 «دنا گمانی سواست رفت و روزنامه او تلاش بسیاری در آورد  
 «بهار سواست موضوع سواست»

«در اینجا باز یک سؤال دقیق و قانونی در نظر  
 «می آید بر آن اینست که سواست راجه کسی از یونان آورده  
 «است از این کشور این مطلب را با سواست متقاضی  
 «در روزنامه اطلاعات هم است و سواست سواست که هیچ  
 «مقام رسمی در این سواست بر باین که سواست سواست است»

«تاض دارد»

«سوال مهم دیگر که هر مثل سلیم را بشکر و تشویب»  
 «وامیدارد ایست که چرا پس از ضروب کردن ضارب او را به»  
 «بردارستان شهر بانی نبرده و بیبارستان سینا بردند و منساگر»  
 «قوزا پس از ضرور، ساختن ضارب پلیس می بر بالیش»  
 «میرسید قرآنی بدست می آورد، چرا این کارهای ابتدائی گذاشت»  
 «چرم انجام نشده»

«چرا روز نامه اطلاعات یک روز نوشت که ضارب در»  
 «ساعت هفت بعد از ظهر یعنی چهار ساعت پس از وقوع حادثه»  
 «سرده و روز دیگر نوشت بالاخانه پس از تیرتورن در همان»  
 «محل دانشگاه از پا در آمده»

«اینها مسائلی است که هر کس را متعجب و معورت»  
 «می سازد، جای تردید نیست که همیشه توسط سازمانها و دستگاههای»  
 «تروز احتیاط های قبلی را کرده و همراه با نور اجرای خود»  
 «کسانی را می گمانند که در صورت لزوم برای جلوگیری از»  
 «کشف همکاران سازمان را خودشان از پای در آورند و بدین»  
 «است که ناصر قهر آرائی بدست اعضای حزب بود ایران از»  
 «پای در نیامد بلکه با گلوله کسانی که بفکر کرد تا میباشند نابود»  
 «گردید»

«بطوریکه در روز نامه ها نوشته اند اول تیری که برای»  
 «جلو گیری از فرار ضارب زنده شد آقای رئیس شهر بانی زنده»  
 «است آن هم بیای ضارب، بنابراین ضارب دیگر قدرت ندارد»  
 «نداشته و همین افتاده است پس چرا همین جا اکتفا نمود»  
 «چرا بنام ایسکه احساساتمان بخوش آمد و با طاعت نیلوریم»  
 «که ضارب را زنده بینیم نگذاشتند که از ضارب تحقیقات لازم»  
 «بمحل آید»

«آیا دستگاه تحقیق و کشف سراغ کسانی که ضارب را»  
 «کشت اند رفته است؟ آیا هنوز بطور مستم توانسته اند پیدا»  
 «کنند که چه کسانی ناصر قهر آرائی را کشتند و محبت تحقیق»  
 «او را از میان بردند»

«سیاست ربط دادن حادثه ۱۵ بهمن به حزب بوده»

و ایران که نسبتاً برای برکناری آن اعتراض شد، و در اختیار «  
دوره» می شد ایران با شکست مواجه گردید. پس از آن اظهار شد  
که باستانی مورد نظر و ملائمت قرار گیرد که گفته شد «تاریخ»  
بقال از نظریه است.

«در آنچه به دستورات شش ماهه روزنامه های اطلاعات،  
پس از آن صورت دربار حاد شد، «توسعه و تغییرات» در دستورات  
«شماره» های «توسعه» روزنامه در باره «توسعه» و «توسعه»  
«توسعه» «توسعه» که «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
«توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»

«توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
«توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
«توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
«توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
«توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
«توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
«توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
«توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
«توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
«توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»

پس بگوشتوانی «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
سود قصد برای «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
اشاره شد.

با «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
«توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
«توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
«توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
«توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
«توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
«توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
«توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
«توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
«توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»

پس برای «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
«توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
«توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»

«مطلب فیهی که از جریان معاکمه متهمین بشرکت  
 «در سوء قصد ثابت میگردد این است که در موقع بازجویی  
 «بعضی از متهمین تلقین کرده اند که از گانی را تعریک کننده»  
 «ضارب معرفی نمایند. متهمین مزبور این مطالب را باصراحت  
 «تمام در دادگاه اقرار کردند. وقتی آقای سرگرد بنی صدر»  
 «موضوع تلقین بمتهمین را از جریان بازجویی که در پرونده منجس  
 «است استنباط کرده و در دادگاه اظهار میدارند بانو متهمین اسلامی  
 «یکی از متهمین گفتار آقای بنی صدر را تسلیم نموده  
 «چنین اظهار میکنند ( من گفته های آقای بنی صدر  
 «را تأیید میکنم و نظر هیئت دادستان محترم دادگاه را باین  
 «موضوع جلب میکنم که من برای اولین مرتبه خود را در  
 «معاصره و در بهران شیر قابل تصویری میبینم. حس میگردم  
 «نیجات برای من نیست. این بود که در تحت تأثیر گفته های عده ای از  
 «بازپرسان واقف شده و محض اینکه فقط خود را نجات دهم در  
 «مواجهه با آقای ارگانی جهالات تلقین شده از طرف  
 «بازپرس را با آقای ارگانی اظهار داشتم. چنانچه اوراق  
 «بازجویی بنده را دقیقاً مطالعه فرمائید ثابت خواهد شد که  
 «با آقای ارگانی هیچگونه تماسی نداشته ام که بایده و مسئله  
 «اویی برده باشم. باز هم مطلب مهم دیگری که در جریان  
 «این معاکمه فاش شده اینست که کمیسرین تحقیق اداره آگاهی  
 «شهربانی بیگناهی متهمین بشرکت در سوء قصد را سرینجا  
 «اظهار داشته ولی با وجود این دادستان باین حقیقت اعتنائی  
 «نموده و همه متهمین را بداد گناه کشانیده است...»  
 «تمام این مطالب و علاوه بر اینها تالیقات دروغ و  
 «نازوازی روزنامه اطلاعات و تهران مصور درباره حزب توده  
 «ایران و اعزاز دادستان بمتهم سابقین بیگناه بشرکت  
 «در سوء قصد گفته های ما را ثابت میکنند که توطئه چیشان با  
 «سراسیمگی کامل کوشش میکنند خود کرده را بگردن دیگران  
 «پندازند. امروز دیگر بر همه کسی ثابت شده است که در این  
 «جریان ارگانی برای موضوع سیاسی خاصی مورد تعقیب قرار  
 «گرفته و آن موضوع سیاسی خاصی اینست که مطالب را لوث



«روزنامه های آزادپخواه در این باره به بحثهای منطقی دست  
«میزدند و به دفاع از منافع ملت ایران برمیخواستند. بنا بر این  
«لازم بود قلمها شکسته و دهانها بسته گردد، حکومت نظامی  
«برقرار شود تا از اجتماعات جلوگیری نماید و مخصوصاً حزب  
«توده ایران را که سرسختترین حزب سیاسی بود درزنجیر  
«کند تا در محیط آرام و بی سروصدا کارها انجام پذیرد.»

«در این باره از نطقهای مهندس رضوی نماینده مجلس  
«که در جلسه علنی ایراد نموده و مخالف سیاسی انگلستان را»  
«در حادثه ۱۵ بهمن دستگیر داشته انتقاد مینمیکیم.»

«مسئله مهم دیگر موضوع بانک شاهلی است. باز از  
«موضوعهای مهم دیگر برنامه هفت ساله و انتخابات مجلس  
«میباشد. حزب توده ایران بشرط آزادی انتخابات با ائتلاف  
«با سایر دستهجات سیاسی آزادپخواه برای دوره شانزدهم  
«تقدیم می توانست موفقیتهای درخشانی داشته باشد. بنا بر این  
«در چنین موقع خطری برای دشمنان ایران لازم بود که این  
«نیروی عظیم و متشکل و دموکراتیک را سرکوب نمایند. در  
«اتنایکه امپریالیسم برای تصحیح موفقیت خود در خاورمیانه  
«دست و پا میکند و نزدیک پایانی که کودتای نظامی سوریه  
«تدارک میشود. در ایران نیز توده کودتایی بیند و یکی از نتایج  
«اعلی آن را اعلام حکومت وحشت - شهرقانونی شناختن حزب  
«توده ایران و تشییع و دستگیری مسئولین و افراد حزبی و غیر  
«حزبی قرار میدهند.»

«در عین حال شصت روزنامه معتقدان المصلک رایکجا  
«توقیف میمانند زیرا معتقد کردن حزبی که متعلق دولت است  
«جز در محیطی که خالی از کمترین اثر آزادی باشد غیر ممکن  
«است.»

«در چنین محیطی حزب توده ایران بر کرسی اتهام  
«نشسته است. نتیجه این مصدا که هر چه باشد ما یقین داریم  
«که حزب توده ایران در پیشگاه قاضی آخرین یعنی ملت ایران  
«سر بلند و برافراشته خواهد آمد.»  
«حقیقت ما که حزب توده ایران را غیر قانونی اعلام»

در گرفته است. اما آنچه از توده های عظیم ملت سرزمین ما  
 می آید، گردن بر آن زدن نیست و به همین رفته مبارزه ملت سرزمین ما  
 با سواران آذری و سواران ایران هر روز قوی تر خواهد شد.

در اینجا دفاع میسر است. دفاع از خود بوده ایران و نه توده های متکثر  
 بیچاره سرزمین.

همه چیز گمراهی سرمد که حزب توده ایران را دیگر در صاف با  
 ملت سرزمین ما بیرون برود، سرمد است. همه صفای مردم و انبوهی از  
 توده های عظیم و کسب فضیلت. متکثر پرستایی که پس از پایان دفاع  
 با ملت سرزمین ما. نشانهای ایران سرزمین ما.

حزب توده ایران در حالی که توده های ملت سرزمین ما را پیش  
 شده. روزنامه های توفیق گردیده سازمانی «سرزمین ما» اعلام شده  
 همه از سروران و همکاران در سرزمین ایران و ملت سرزمین ما  
 جوانی با یک نام و همکاران گذاشته شده بودند. در ضمنی که سرزمین  
 خود را. کلمات داشت همه نیروهای سازمان توده. هر روز هر چه  
 با برادر می نمود که بهین معنای و شکست می نمودند.

دفاع عمومی هیچ نوعی از معنای گسست بر نداشت. توده ایران در  
 حال که فرماندهی نظامی ایران سر و فرمان سازمان ملت ایران و حزب  
 توده ای آن بر علیه ملت خاک و سرزمین ما گذاشته بود. این اهداف  
 را ملت ما سرزمین ما می شکست. هر روز که توده ای با یک عنوان  
 را در میان و کلمات را سرزمین ما نهاده اند. هر روز هر چه  
 گمراهی آن و توده ایران بر سرزمین ما نهاده اند.

همه چیز متوجه سرزمین ما بود. توده ایران که هر روز توده  
 در جنگ است. توده ای به صورت حزب توده ایران اقتدار کردند. هر چه  
 در صورت توده ای با دفاع سرزمین ما. توده ای اگر چه یک  
 سرزمین ما نهاده اند. هر چه در جرات آن را که در جرات آن  
 سرزمین ما نهاده اند.

در میان سرزمین ما از توده ای که هر روز توده ایران  
 در صورت سرزمین ما نهاده اند. هر چه در دفاع سرزمین ما  
 در صورت که توده ای سرزمین ما نهاده اند. هر روز توده ای  
 سرزمین ما نهاده اند. هر چه در دفاع سرزمین ما نهاده اند.

ملت برضد دستگاه هاگمه موثر بود و بنا آنکه از غیر قانونی بودن دادگاه فرمایشی حکایت نمیکرد :

صدمه حکیمی کارگر واد آهن ز حمتکش ساله نمودهای که بسبب فعالیت و صداقت خود تا بالاترین مقام حزبی یعنی عضویت کمیته مرکزی ارتقا یافته بود در آخرین دفاع خود گفت :

«الان که اینجا در حضور شما آقایان ایستاده ام آشکارا»  
 «صدای بچه های خود را میشنوم . همه فریاد میکنند و میگویند :»  
 «پدر جان برای شاطر ما از هیچکس ترحم قبول میکن . ما از»  
 «تو یک تقاضا داریم و آن اینکه از دادگاه صدای ما را بگوش»  
 «ملت ایران برسانی .»

اکبر شهبازی را ازنده نکشتند در مقدمه دفاع خود گفت :

«در زندگی من این یک لحظه تاریخی است . زیرا»  
 «خود را در صفت مردان بافضیلتی می بینم که در دشوارترین»  
 «موقعیتها پیوندی را که با ملت ایران و استقلال و آزادی وطن»  
 «بسته اند با هیچ تهدید و فشاری قطع نمیکنند . من افتخار»  
 «میکنم که سر نوشت من از سر نوشت چنین مردان مبارز و»  
 «شجاعی جدا نیست ... ما زندگی خود را وقف مبارزه برای»  
 «سعادت و استقلال ایران نمودیم . ما توانستیم مانند گیاهی که»  
 «در کنار لجن زار میروید و پس از چند روزی در اثر گرد و»  
 «غبارهای متفن محیط خود دوباره سر در لجن زار خرم گردیدنا بود»  
 «میشود در گناه اجتماع بپلوتیم ...»

دفاع دو برادر کتاب فروش نیز بنوبه خود بیرونده سازی رکن ۲

ستاد ارتش را متضخ می ساخت :

پس از آن که معلوم شد تمام گزارش های رکن ۲ ستاد برضد شفور رجیمی دروغ بوده ، مثلا اینکه اهل ایران است ، کیوسک خود را از ایرانی اجاره کرده ، روسی نیست ، اندوزن اصلا ندارد چه سینه بزرگ روس ، عزیز مصطفی گفت :

«در گزارش نوشته شده است که «ترکی شوروی» میدانم .»  
 «من مقصود از ترکی شوروی را نفهمیدم . اگر مقصود ترکی»  
 «آذربایجان شوروی است هیچ اختلافی با ترکی آذربایجانی»  
 «ندارد . ولی چو در «بخواهند این موضوع را هولناک»



«علاوه بر این میگویند تورانی شوروی» در آن گزارشها میگویند  
 «همین است: پس روسی میدانم یا آن که ریاستی داد گنجانده  
 را بر سر پیمان گفتند که روسی دانستی جرم نیست» و این چیزی است  
 «هر کس بوم میزند او را تنه میزنند این زمین را بوم میدانند و آنکه  
 «آنها که در بوم نیست سانههای را بگردد بیرون روسی دانستند  
 در میانها همان زمینها را بگردد آنرا بگردد و توضیح میدهد  
 «فوزی میدانم و این زمینها را بگردد آنرا بگردد و توضیح میدهد  
 «همین است و این همان است که یا در بوم پرسید هر کس از زمین  
 «تورانی میدانم که انگلیسی میدانم یا نه... چون روزی پرسیدند  
 «دندانها را معلوم دادند که بر زمینهای بومها را گنجانده اند از طرف  
 «دندانها را گنجانده ای آنها را گنجانده ای (تورانی) را بگردد  
 «معلوم شد که دانستند میتوان گنجانده ای سوزاندند از  
 «هر کس که بگردد بگردد بومها را بگردد آنرا بگردد از  
 «دندانها را بگردد این همان است که بگردد این همان است که  
 «هر کس که بگردد از زمین تمام بر زمینها را بگردد و زمین  
 «بگردد» در زمین عزیز ما که روزی همه زمینها را بگردد  
 «هر روز گنجانده ای بگردد که بگردد از فاضلها گنجانده  
 «طنی سرور است»

دیگر متهمین نیز از جمله اساتید و کارگزاران جوانهای دیگر هر یک  
 همین دفاع از خودشان دارند که بوده است ایران را زمین بومها  
 ایران ندارند.

پس از آنکه آخرین قسمت دفاع عمومی دفاع از زمینها را بگردد  
 اینها را بگردد اینها را بگردد اینها را بگردد اینها را بگردد  
 نوشتند و بگردد اینها را بگردد اینها را بگردد اینها را بگردد  
 امروزه فاضلها بگردد اینها را بگردد اینها را بگردد اینها را بگردد  
 به زمینها بگردد.

معمولاً اینها در میان زمینها بگردد که گنجانده آن سرورهای  
 سرورهای حلقه زده بود متهمین حرات بگردد اینها را بگردد اینها را بگردد  
 بود که بگردد اینها را بگردد اینها را بگردد اینها را بگردد  
 میباید بگردد.

با گنجانده فاضلها بگردد اینها را بگردد اینها را بگردد اینها را بگردد

را نگاه کنند به پشت میز رفته و بخشی دستور قرائت حکم را داده خود بارنگ بریده و نگاه میکنند بعضی دوخته شده بود استنادند. همان انگشتها را که در چند لحظه پیش حکم معکومیت را امضاء کرده بود آنک بی اختیار از شدت وحشت میلرزید و نمیتوانست کلاه رئیس دادگداران نگاه دارد. اما در مقابل آنها معکومین باقمی معکم ودای پولادین با میخند امضا میستانده بودند. آخرین منظره دادگاه بهتر از همیشه نشان میداد که معکومین و ساجدین که آمدند حکم جنایت بار «بانام نامی» آغاز گشت و همان ادعاها و ناسزاهای دادستان در اینجا نیز بقلم خود او تکرار شد. دو نفر به ۶ سال ۲ نفر به ۷ سال ۳ نفر به ۵ سال ۵ نفر به ۳ سال یک نفر به ۶ سال حبس معکوم گشتند. همه بدقت گوش دادند انگار کلماتی تازه و غیر عادی بگوشها میخورد منشی میتواند:

« اینجانب سرهنگ بزرگ امید یا توجه باور اوق بازجویی  
« و استماع دفاعیات و کلامی مذاق و آخرین دفاع از طرف متهمین  
« بدست قند دلیل مورد استنادی در کيفر خواست دادستان را  
« نسبت به ۱۲ نفر متهمین واردند است و آنها را از اتهامات متهمین  
« مبری میدانم.»

همه همدیگر را نگاه کردند و سپس چشمها بر سرهنگ بزرگ امید که ساکت و آرام ولی استوار و آسوده با چهره ای ناهنجوم در جای خود ایستاده بود دوخته شد. انگار از خود میسر سیدند: (راستی مگر این هم شده انی است) این مرد با عمل شایسته ستایش خود نشان داد که حتی بر سر مست قضایات با دادگاه ساختگی هم میتوان شرافتمند باقی ماند. آن به پستی نماند. بر آستان نهادن زور بوسه زدن و مردانه از حقیقت دفاع نمود.

احمد قاسمی از چنانچه متهمین از این شهامت سیاسی گزاری کرد و مردی را که در برابر ایرادهای مستقیم نگشته و حکم بیاطل نداده بودند. سپس آن نور از بهترین فرزندان ملت که بسالها زندان معکوم میشوند برای سرهنگ بزرگ امید کم زدند.

هنوز قرائت حکم پایان نیافته بود که قضات دادگاه کلاههای خود را برداشته با همان عجله و سراسیمگی که آمده بودند فرار کردند. یکی از معکومین فریاد زد: بتاریکی شب بناد بپرید. اما هیچ ظلمتی جنایت شما را نتواند پوشانید.

سر بازها مثل همیشه «معکومین» را احاطه کردند و آنها را در خونانی

پس روی زمین دروازه شد آمد . سر و پستان سرود مبارزان - سرود کور و زخمی -  
 سرود آمین و آینه سرود تراکی و یونانی بود - سرود بی که با شمشیرش  
 دستان می طرد و از هر دو راندن در شیشه ای خود گوی می شوی را است این  
 شیشه ای - سرودشان نشان از شده ای بود که هرگز خاموش نمی شود ، آنها  
 سرودشان از هر دو رخت ماسک شده از آسمان می آید شاره های میوه است  
 که میوه ای که میوه ای سرودشان را بسازد نشان های اهل آفت بر این کودک  
 که از آن همه از خوابی بسته بودند بنور و اخلاقی خود را کشیدند انگار  
 صبح آینه بود که بر تیرگی لب میخورد -

مجموعه است قبل از خواندن کتاب غلطیهای چاپی زیر را تصحیح

نمایند:

شماره	صفحه	مخط	غلط	تصحیح
۱	۲۰	۱	متم	متم
۲	۲۱	۱۶	بشت	را بشت
۳	۲۲	۴	دارم	داریم
۴	۲۳	۱	وشنی	روشنی
۵	۳۲	۳۱	هزاران دروغ	هزاران گزارش دروغ
۶	۳۳	۱۱	عیافته	می یافتند
۷	۴۳	۱۶	نگاه کرد	نگاه کرده
۸	۴۳	۱۷	که	که
۹	۴۶	۱	ارگان که	که ارگان
۱۰	۵۶	۷	بند	بندد
۱۱	۶۳	۱۱	تقی زاده	و تقی زاده
۱۲	۶۳	۲۳	مارا	مارا
۱۳	۶۴	۴	وزارت	وزارت
۱۴	۷۵	۱۳	حقه حق	حقوق
۱۵	۸۸	۲۴	ضایم	صنایم
۱۶	۱۰۹	۹	ایوان	ایران
۱۷	۱۱۲	۶	موضوع	موضوع



**1953, Communists Calling the Shah ,The Mastermind of**

---

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
<http://www.tudehpartyiran.org>  
[dabirkhaneh\\_hti@yahoo.de](mailto:dabirkhaneh_hti@yahoo.de)  
004930 23629727

آدرس پستی:  
آدرس اینترنت  
آدرس «ایمیل»  
شماره فاکس و تلفن پیام گیر ما

